



تیپها



سیاه پوشی حاشیه‌دار  
«مهلا»

۱۱



میلان کوندرا  
هم از دنیا رفت

درگذشت غول  
یکی مانده به آخر!

۸



بررسی مشکلات زنان  
در هیأت‌های مذهبی

مجلس

برای خواهران  
نیز برقرار است

۱۳

چرخه‌ای که آپ داخلی  
در آن نقشی ندارد

چرا کاربران واتس‌آپ  
را به پیام‌رسان  
داخلی ترجیح دادند؟

۱۱



گفت‌وگو با کارگردان و  
نویسنده سریال جدید  
محرمی شبکه سه سیما

استوئوف

تلفیقی از تخیل  
وسیخ با واقعیت  
بسیار محدود است

۱۳

در باب مواجهه کودکان  
و خبر

چه خبر؟



۱۲



گزارش تصویری «ایران جمعه»  
از وداع کودکان با پدران شهید مدافع حرم

# وداع دختر پدری

۱۲



از عقب نشینی خفت‌بار پهلوی اول  
تا مأموریت راهبردی مدافعان حرم

۱۲

# تاریخ



به بهانه بزرگداشت شهدای مدافع حرم

## از عقب نشینی خفت بار پهلوی اول تا مأموریت راهبردی مدافعان حرم

محمد مهدی اسلامی پژوهشگر

ساعت سه ساعت و نیم بعد از ظهر سوم شهریور ۱۳۲۰، مجلس شورای ملی به درخواست دولت جلسه فوق العاده تشکیل داد و «علی منصور» از آغاز حمله متفقین به خاک ایران با وجود اعلام بی طرفی کشورمان گزارش داد.

علی منصور کسی بود که سال اول جنگ جهانی، روزگاری که رضاشاه احساس کرد باید نشانه‌های بیشتری از وفاداری به انگلیس نشان دهد تا او را از صندلی قدرت کنار نزنند؛ جایگزین متین دفتری شده بود. وابستگی او به انگلیس در حدی بود که ساواک به مناسبتی درباره کارنامه او گزارش داده که «از عمال درجه اول سیاست انگلیس است.» (۱)

حال این چهره انگلوفیل، در نخستین روز حمله انگلستان و شوروی به ایران به مجلس آمده و با گزارش درباره اینکه در برابر ابراز نگرانی چند باره متفقین که «خراج قسمت عمده از آلمانی‌های مقیم ایران را درخواست می‌کردند [...] برای مزید اطمینان اقدامات مقتضی برای کاستن عده معتدله‌ای از شمار آلمان‌ها به عمل آمده و به جریان افتاد و مراتب مکرر چه در طهران و چه در مسکو و لندن به مقامات مربوطه دولت انگلستان و شوروی خاطرنشان و آنچه ممکن بود برای حصول اطمینان و روشن ساختن نظر به آنها کوشش شده...» (۲)

منصور در ادامه از ماجرای حضور نمایندگان شوروی و انگلیس ساعت ۴ صبح آن روز در منزل نخست‌وزیر گزارش می‌دهد که به وی یادداشت اخطار توسل به اقدام نظامی در صورت عدم همکاری داده‌اند، در حالی که مطابق گزارش‌هایی که به وی رسیده؛ در همان لحظات نیروی نظامی آنها از مرزهای ایران تجاوز کرده و به بمباران شهرهای مسکونی پرداخته بودند.

منصور در این نطق کوتاه اطمینان می‌دهد که اعضای دولتش به فوریت مشغول مذاکرات هستند و در آخر می‌گوید: «تقاضا شد در این جلسه غیر از استماع گزارش صحبتی نشود بعد بموقع مجلس را برای استحضار از نتیجه مذاکرات و اتخاذ تصمیم خبر خواهیم داد.» (۳) از جمله این مذاکرات، نامه رضاشاه به فرانکلین روزولت رئیس‌جمهور وقت آمریکا بود که از او خواست «با اقدامات مؤثر نوع پرورانه خود در رفع این تجاوزات مساعی لازم می‌پذیرد.» (۴) اقدام دیپلماتیکی که جدای آنکه نتیجه کاملاً عکس داد، چند تصویر واقعی را نیز نشان داد، اول محوریت رضاشاه در مذاکرات بدون توجه به اصل ۵۷ قانون اساسی مشروطه است، موضوعی که در طول دوره سلطنت وی حاکم بود. دوم دلت شاه

در برابر بیگانه، شاهی که رفتار مستبدانه‌اش در برابر مردم و نخیکان ایران چنین شهره است. سوم عدم فهم رضاشاه از واقعیات مناسبات بین‌المللی و اتحاد آمریکا با اشغالگران ایران؛ موضوعی که با حضور بعدی روزولت در کنار چرچیل و استالین در تهران، تردیدی باقی نگذاشت. اما در کنار این مذاکرات، نمی‌توان نادیده گرفت از همان نیمه شب سوم شهریور ۱۳۲۰ که نیروهای شوروی از شمال و نیروهای انگلیسی و هندی از غرب و جنوب به ایران حمله کردند، عملکرد ارتش فاجعه آمیز بود. دستور ارتش تحت امر رضاشاه بر خلاف انتظار چنین موقعیتی، ناظر بر ترک محاصره بود و به استثنای مقاومت‌های مختصری در برخی نقاط (که حتی برخی از آنها به دلیل مقاومت کردن مقابل دشمن به زندان افتادند) فرماندهان لشکرها و تیپ‌های خراسان، گرگان، مازندران، گیلان و آذربایجان، همگی فرار را برقرار ترجیح دادند. نیروی دریایی جنوب که در نخستین ساعات حمله متفقین زیر آتش توپ رزمناوهای انگلیسی قرار گرفته بود، بدون هیچ مقاومتی از هم فرو پاشید. در تهران، تیریز و اهواز به هواپیماهای نیروی هوایی اجازه پرواز داده نشد و در دومین روز حمله متفقین، لشکرهای ۱ و ۲ پایتخت منحل و سربازان مرخص شدند. (۶)

رضاشاه که ریاست دولت منصور را برای ابراز همراهی با انگلستان کافی ندید؛ به بهانه عیادت به منزل محمد علی فروغی رفت و او را برای پذیرش نخست‌وزیری مأمور کرد به امید آنکه او واسطه نجاتش شود. (۷) فروغی در نشست اضطراری مجدد مجلس که این بار برای معرفی کابینه او پنجشنبه ۶ شهریور ماه ۱۳۲۰ برگزار شد، از علت رفتار عجیب ارتش که راه را برای متجاوزان کاملاً هموار کرده بود، رونمایی کرد: «دولت به پیروی نیات صلح خواهانه اقلیت‌ها همایون شاهنشاهی به قوای نظامی کشور هم اکنون دستور می‌دهد که از هر گونه عملیات مقاومت خودداری نمایند تا مویجات خونریزی و اختلال امنیت مرتفع شود.» (۸)

ارتشی که در دوره رضاشاه هر سال بیش از ۴۰ درصد بودجه را به خود اختصاص داده بود و از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۲۰ به میزان ۴۷ درصد از درآمد نفت مستقیم و بدون ورود به بودجه عمومی صرف خرید اسلحه و مهماتش شده بود. (۹)

ارتش گوش به فرمان قوای متخاصم اما آن ارتش که گوش به فرمان قوای متخاصم بود و این مذاکرات و دستور به ترک مقاومت، نه تنها امنیت را برقرار نکرد و کشور را از جنگ مصون نداشت و مسیب دو سال اشغال نظامی و برای سال‌ها تسلط کامل متفقین بر منافع کشور شد؛ که حتی برای رضاشاه نیز سودی نبخشید. آنچنان که فروغی در یادداشت‌هایش نوشته است ۲۴ شهریور، سه هفته پس از تسلیم

ارزیابی شده است. نیویورک تایمز در این تاریخ، با تیتیر «چگونه ۵ کشور می‌توانند ۱۴ شوندد» (۱۱) نقشه‌ای را منتشر کرد که در آن بخش‌هایی از خاک ایران جدا شده و به اتفاق بخش‌هایی از کشورهای همسایه نقشه جدیدی را شکل می‌داد. بار اصلی این تغییرات بر دوش داعش گذاشته شده بود.

در کنار این نقشه، رابین رایت در ستون نظر در تحلیلی با تیتیر «تصویرکردن نقشه جدید خاورمیانه» (۱۲) در قایده این طرح با اشاره به چالش‌های امنیتی، اقتصادی و جریان انرژی نوشت: «یک نقشه متفاوت تقریباً برای همه می‌تواند یک عامل تغییر دهنده تقریباً راهبردی باشد.» این مقاله دقیقاً ۶ ماه پس از آن بود که از میان

ارزیابی شده است. نیویورک تایمز در این تاریخ، با تیتیر «چگونه ۵ کشور می‌توانند ۱۴ شوندد» (۱۱) نقشه‌ای را منتشر کرد که در آن بخش‌هایی از خاک ایران جدا شده و به اتفاق بخش‌هایی از کشورهای همسایه نقشه جدیدی را شکل می‌داد. بار اصلی این تغییرات بر دوش داعش گذاشته شده بود.



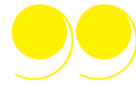
علی فروغی

گرد و غبار آشوب پدید آمده در سوریه، داعش اعلام موجودیت کرده بود؛ بر همین اساس رایت در تحقق «نقشه خاورمیانه مدرن» معتقد بود «جنگ ویرانگر سوریه نقطه عطف است.» همین سیاست در آمریکا بود که موجب حمایت مالی و تسلیحاتی از داعش شده بود، سیاستی که در رقابت‌های انتخاباتی ۲۰۱۶ از برخی ابعاد آن رمز گشایی شد و ترامپ بواسطه آن اوباما و هیلاری کلینتون را بنیانگذار داعش معرفی کرد (۱۳) و پس از آن نیز این ادعا را بارها تکرار کرد. اما جالب‌تر آنکه این حمایت در دوره ترامپ نیز همچنان ادامه یافت؛ زیرا مقامات ارشد پنتاگون و وزارت خارجه آمریکا درباره ضرورت حمایت از تروریست‌های حاضر در سوریه -آنچه در ادبیات رسمی شورشیان میانه‌رومی خواندند- متحد بودند. (۱۴) در کنار حمایت سری از داعش، آمریکا توانست اتحادی از ناتو و برخی کشورهای عربی را برای مقابله با آن همراہ کند و به این بهانه، با حضور نظامی در منطقه مقاصد ژئوپلیتیکی خود را در بعد عملیاتی دنبال نماید.

گردد و غبار آشوب پدید آمده در سوریه، داعش اعلام موجودیت کرده بود؛ بر همین اساس رایت در تحقق «نقشه خاورمیانه مدرن» معتقد بود «جنگ ویرانگر سوریه نقطه عطف است.» همین سیاست در آمریکا بود که موجب حمایت مالی و تسلیحاتی از داعش شده بود، سیاستی که در رقابت‌های انتخاباتی ۲۰۱۶ از برخی ابعاد آن رمز گشایی شد و ترامپ بواسطه آن اوباما و هیلاری کلینتون را بنیانگذار داعش معرفی کرد (۱۳) و پس از آن نیز این ادعا را بارها تکرار کرد. اما جالب‌تر آنکه این حمایت در دوره ترامپ نیز همچنان ادامه یافت؛ زیرا مقامات ارشد پنتاگون و وزارت خارجه آمریکا درباره ضرورت حمایت از تروریست‌های حاضر در سوریه -آنچه در ادبیات رسمی شورشیان میانه‌رومی خواندند- متحد بودند. (۱۴) در کنار حمایت سری از داعش، آمریکا توانست اتحادی از ناتو و برخی کشورهای عربی را برای مقابله با آن همراہ کند و به این بهانه، با حضور نظامی در منطقه مقاصد ژئوپلیتیکی خود را در بعد عملیاتی دنبال نماید.



آیت می گوید: هرچند من مظلوم واقع شده‌ام و اگر شکایت بکنم چیزی برای بنی صدر باقی نمی‌ماند، ولی وقتی فقیه عادل ما می‌گوید بروید با ایشان میثاق وحدت ببندید... من نظرم این است که باید به نظر امام عمل کنیم



شهید دکتر سید حسن آیت در کنار شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای و هانی الحسن سفیر وقت فلسطین در تهران، در دفتر حزب جمهوری اسلامی



شهید دکتر سید حسن آیت در کنار مرحوم حبیب‌الله عسگرآلادی و پاسدار آلادین



نگاهی به زمینه‌ها و انگیزه‌های ترور شهید دکتر آیت

## ترور مکمل

مهدی گیلانی  
پژوهشگر



«برابر اطلاع ساعت ۶:۵۰ روز ۱۴/۵/۶۰ آقای حسن آیت حدوداً ۴۵ [ساله] نماینده مجلس جمهوری اسلامی ایران مقابل منزلش... مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد...» این بخشی از گزارش افسر نگهبان کلانتری است. حادثه یک هفته پس از فرار بنی صدر و مسعود رجوی از کشور و کمتر از چهار روز پس از انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی رخ داده بود؛ امری که موجب شد رئیس مجلس وقت چنین واکنش دهد که «من به شهر بانی اخبار می‌کنم که از این پس ما نمی‌توانیم تحمل کنیم که بودجه به این تشکیلات اختصاص دهیم ولی در کنار کلانتری ماشین نماینده مردم را به گلوله ببندند و اتموبیل مهاجمان از جلوی کلانتری عبور کند و شما او را پیدا نکنید.»

دکتر سید حسن آیت؛ یکی از سرشناس‌ترین چهره‌هایی بود که از ابتدا به افشای چهره بنی صدر دست زده بود. او عضو شاخ حزب جمهوری اسلامی و از اعضای اولین شورای مرکزی آن بود که در حادثه ترور جمعی، در دفتر حزب حضور نداشت و به‌عنوان مسئول سیاسی حزب، از امیدهای برجای مانده برای بازسازی آن بود و اعتراض‌ها ناشی از آن بود که فهم در صدر فهرست ترور بودن او، چندان پیچیده نبود.

### خسارت عدم مناظره

در اولین انتخابات ریاست جمهوری در ۵ بهمن ۱۳۵۸، شهید آیت‌نمزد احتیاطی در انتخابات شد. او خود به روزنامه کیهان گفته بود «من خودم برای اولین بار در حزب، آقای فارسی را برای کاندیدایی ریاست جمهوری پیشنهاد کردم و اکنون هم او را لایق‌ترین فرد بین کاندیداهای معرفی شده می‌دانم، ولی حزب تصمیم گرفت فرد دیگری را از کادر مرکزی کاندیدا کند تا در صورت بروز حادثه‌ای حزب بدون کاندیدا نباشد.» پس از حذف آقای جلال‌الدین فارسی از نامزدی ریاست جمهوری، آیت رقابت جدی‌تری را با ابوالحسن بنی‌صدر و حامیانش دنبال کرد. از همین رو به صراحت گفت: «مطلبی هست که کاندیداها در رابطه با مردم بیان داشتند و ادعاهایی است که بیان کرده‌اند، پس باید این روشن گردد که این ادعاها تا چه حد با واقعیت تطبیق می‌کنند، زیرا بعضی مسائل است که در میزان آراء تأثیر بسزایی دارد؛ مثلاً عدم اعتقاد به ولایت فقیه. اگر برای مردم روشن شود که کسی به ولایت فقیه

اعتقاد ندارد، قطعاً چنین کسی را انتخاب نخواهند کرد، حال اگر نامزدی به این اصل اعتقاد نداشته باشد ولی مدعی اعتقاد بدان باشد، این موضوع باید برای مردم روشن گردد.» او برای این منظور پیشنهاد مناظره تلویزیونی داد.

او در هنگام بیان این مواضع، چهره شناخته شده‌ای بود. وی در انتخابات خیرگان قانون اساسی، به نمایندگی مردم اصفهان انتخاب گردید و دبیر مجلس خیرگان شد. مواضع آیت در مجلس خیرگان هنگام تدوین قانون اساسی بارها به مطبوعات کشیده شده بود و او از جمله مخالفان مؤثر پیش‌نویس قانون اساسی تهیه شده توسط دولت موقت بود. هنگام محاجه درباره «اصل ولایت فقیه» خوش درخشیده بود... مخالفت او با بنی‌صدر تا آنجا برای وی گران آمد، که به‌صورت جدی حذف نام وی از فهرست ائتلاف بزرگ را دنبال می‌کردند.

### پانگی برای حضور پر قدرت در مجلس

در اولین انتخابات مجلس شورای اسلامی، چند روزی پس از انتخاب بنی‌صدر، آیت در ۲۴ اسفند ۱۳۵۸، با پس دست آوردن ۱۳۴۹۸۹۹ رأی یعنی ۹۳٫۹ درصد از آرای مردم تهران به نمایندگی مجلس انتخاب شد.

پس از آن، با طرح ماجرای «نوار آیت» سعی به رد اعتبارنامه وی کردند. روزنامه انقلاب اسلامی در تاریخ بیست و هشتم خرداد ماه ۱۳۵۹ با هدف افشاکاری، تحت عنوان طرح توطئه توسط دکتر حسن آیت، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و عضو مؤثر حزب جمهوری اسلامی، مطالبی را به چاپ رساند که در آن منبع افشاکاری، نواری قید شده بود که صدای دکتر آیت و شخص دیگری قابل تشخیص بود. در تحلیل روزنامه انقلاب اسلامی بر این موضوع تأکید شد که «اطلاع یافتیم که دکتر حسن آیت در صحبت‌هایی که در آن به دست آمده است، علیه بنی‌صدر به فعالیت‌های مخفیانه‌ای مشغول است و قصد آن را دارد که بنی‌صدر را به هر نحو که شده ناکام کند.»

شهید دکتر آیت نیز در گفت‌وگویی اعلام کرد: «در آینده مفصلاً در این مورد بحث خواهیم کرد و از توطئه عظیمی که روزنامه انقلاب اسلامی، علیه من و جمهوری اسلامی می‌خواهند پیاده کنند، پرده برخوادم داشت و نیز بزودی خواهیم گفت که مردم بدانند، من توطئه علیه کسی نکرده‌ام بلکه آنها هستند که علیه من و علیه امام و علیه جمهوری اسلامی، توطئه می‌کنند.» شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی در جلسه



شهید دکتر سید حسن آیت در حاشیه یک اردوی دانشجویی در شهر اصفهان



شهید دکتر سید حسن آیت در کنفرانس خبری خود در موضوع «نوار» در دفتر حزب جمهوری اسلامی



تشییع

### منابع:

سیره شهید بهشتی، نشر شاهد، ۱۳۸۲  
مجلس شورای اسلامی دوره اول، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶  
بن‌بست غرور، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲  
دو دهه واپسین حکومت پهلوی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴



صبحگاه ۱۴ مرداد ۱۳۶۰، پزشکی قانونی تهران، پیکر شهید دکتر سید حسن آیت پس از ترور

هوشیار را تداوم بخشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی صیانت از آن نه تنها سهل بلکه سخت تر بود و مسیر شهادت تا به امروز تداوم یافته است. ایستادگی و مقاومت و سپس رسیدن به درجه رفیع شهادی حرم در چهره های معصوم دختران شهید به یادگار است. دخترانی که از کودکی مسئولیت خطیر استقامت و ایستادگی و ترویج عشق به وطن را می آموزند. ۱۸ مرداد سالروز بزرگداشت شهدای مدافع حرم و تجلیل از خانواده های آنها بود. در این هفته مهمان چشمان شماییم با گزارشی مصور از وداع کودکانی که با شهادت پدران شان در خطوط مقدم نبرد با تروریسم منطقه ای به یکباره بزرگ شدند.

صادق رخ فرد

دبیر گروه تاریخ

از کران تا به کران این خاک سرگذشت از خودگذشتگی و ایثار بوده و هست. در دفاع از میهن و در دفاع از عقیده شهدای بسیاری در خاطره این ملت به ثبت رسیده اند. شهدایی که درد دوری از خانواده را به جان می خریدند و با فرزندان خردسال خود برای حضور در جبهه حق علیه باطل خداحافظی می کردند تا جانفشانی شان نسلی آزاده و

# وداع دختر پدری



دختر شهید مدافع حرم مرتضی کریمی در مراسم وداع با پیکر پدرش



دختر سه ساله شهید مدافع حرم سجاد عفتی در تشییع پیکر پدر



نگاه مظلومانه به شهید مدافع حرم



فرزندان شهدای مدافع حرم در آغوش حاج قاسم



فرزندان شهید هادی زاهد



بی تابی دختر شهید جعفر حسینی



دلتنگی فرزند شهید بهرام مهران



گریه‌های جانسوز دختر ۸ ساله شهید طارمی



خواب دختر شهید مدافع حرم جواد الله کرم بر تابوت پدر



بی‌تابی دختر شهید بافنده در آغوش سپهبد سلیمانی



دختر شهید مهدی قاضی‌خانی



بهت دختر شهید مدافع حرم سعید انصاری



دختر شهید زاهدی در تشییع جنازه پدر



بهت دختر شهید مدافع حرم سعید انصاری



وداع خانواده شهید مدافع حرم زکریا شیری



آخرین وداع دختر خردسال شهید نعمایی



دختر شهید مهدی حسینی در کنار پیکر پدر

# گفت و گو



شما وسعت کمی هیأت‌های کودک را اگر نگاه کنید و حضور فعال این بچه‌ها و محصولات که برای این مخاطب در همین سال اخیر تولید شد و بخواهید با سال‌های قبل مقایسه کنید، کاملاً این تفاوت مشهود است

**حالا بعد از دهه اول محرم فرصت مناسبی برای حرف زدن با محمدرضا زائری درباره قالب‌های نوین عزاداری است**

## تحلیل دوگانه مهلا\_معلی و فرم‌های جدید عزاداری



مرجعیت و نقش علما و ولایت فقیه است و دیگری هیأت‌های مذهبی و عزاداری امام حسین(ع) و دشمن روی این دو موضوع کار می‌کند. دنبال این هستند که به عنوان یک راهکار، نسخه‌های بدلی از ولایت فقیه و عزاداری خاندان عصمت درست کنند.

فرض کنید که یک مسیر انحرافی درست کنند یا در هیأت‌های عزاداری، هیأت‌هایی به شکل تفریطی، حرکت‌های خاصی را انجام بدهند یا متأثر از خرافات و عقاید انحرافی رفتارهای غلط داشته باشند یا مردم را نسبت به مرجعیت ولایت و واقعه عاشورا دچار تردید می‌کنند. این را در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی به انواع و اقسام مختلف دیده‌ایم.

راه سوم هم این است که با تمسخر و توهین سعی کنند جایگاه را چه در مورد علما و مرجعیت و ولایت فقیه و چه در مورد هیأت‌های عزاداری می‌بینید که دقیقاً همین اتفاق می‌افتد و سعی می‌کنند با توهین و تمسخر، این مفاهیم دینی را تخریب کنند تا شکاف نسلی ایجاد شود و نسل جدید دیگر ارتباطی با مفاهیم و مقوله‌های دینی و مذهبی نداشته باشد.

### توجه به سلیقه‌های مختلف در دینداری

باتوجه به اینکه به مسأله دینداری جامعه اشاره کردید، بفرمایید که ارزیابی شما از میزان دینداری جامعه در عصر حاضر چقدر است؟

پاسخ به این سؤال شاید آسان نباشد به دلیل اینکه ما وقتی که از محاسبه‌های کمی صحبت می‌کنیم باید شاخص‌های دقیقی برای ارزیابی داشته باشیم و براساس آنها حرف بزنیم.

به نظرم هر دو جهت را باید در کنار هم دید؛ از یک طرف باورهای دینی و اعتقادی و ارزشی در عمق وجود مردم ما نهادینه است و از آن طرف هم نسل جدید دچار تغییرات و تفاوت‌هایی شده، زبانش تغییر

بارزترین‌شان مسیحیان لبنانی هستند؛ آن عنصر مقاومت و ایستادگی در مقابل ظلم و آن روح حادثه عاشورا که تسلیم نشدن در مقابل قدرت طاغوت هست، در آثارشان دیده می‌شود.

مثلاً سلیمان کتانی، یکی از مسیحیان لبنانی می‌گوید «قیام حسینی جز انقلابی معنوی برای درهم کوبیدن ظلم و جهالت نبوده» یا بولس سلامه که می‌گوید «آنچنان گریستم که بالشم از اشک خیس شد و در قلمم پژواک ناله‌ها مویه کرد، حسین من مسیحی را به گریه انداخت و قطرات اشک از افق چشمانم تابید و درخشید» یا ادمون رزق که می‌گوید «در زندگی بشر روزهای اندکی هستند که تمام تاریخ را یک جا مجسم می‌کنند و عاشورا یکی از آن روزهاست.»

امثال این نمونه‌های متعدد است. مسیحیان لبنانی در این فضا است که فرهنگ مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی را در لبنان شکل می‌دهند چراکه با نهضت اباعبدالله(ع) آشنایی دارند. همین اتفاق اکنون در همه جای دنیا در حال رخ دادن است؛ از ونکوور کانادا تا توکیو ژاپن، از قطب شمال تا جنوب آفریقا همه جا این خیمه عزای امام حسین(ع) را می‌بینید.

رخ دادن چنین اتفاقاتی طبیعی است، چون ما عقیده داریم در زمان ظهور امام زمان(عج)، ایشان خود را به عنوان فرزند امام حسین(ع) معرفی می‌کنند؛ یعنی همه مردم دنیا باید در آن روز شناخت عمومی از حادثه کربلا و مظلومیت امام حسین(ع) داشته باشند.

### احساس خطر لشکر شیطان از نام امام حسین(ع)

در سال‌های اخیر به طور خاص مخصوصاً بعد از وقوع انقلاب اسلامی، دشمن ما دریافته که دو عامل جدی در شکل‌گیری فرهنگ مقاومت در مقابل استکبار جهانی برجسته و قابل توجه است؛ یکی

از میان مراسم عزاداری که امسال دیدید، نمونه‌هایی بودند که به لحاظ کمی و کیفی نسبت به سال‌های گذشته بهتر باشند؟

یکی از موضوعاتی که دشمن روی آن زیاد تبلیغ می‌کرد، این بود که جوانان و نوجوانان دهه هشتادی و دهه نودی دیگر با این گفتمان ارزشی، دینی و مذهبی فاصله گرفته‌اند و نهایتاً اگر هم کسی تعلق به این گفتمان دارد، همان نسل دهه ۵۰ و ۶۰ هستند و این بچه‌های کودک و نوجوان فعلی با این گفتمان ارتباط و تعلق عاطفی ندارند؛ در حالی که شما وسعت کمی هیأت‌های کودک را اگر نگاه کنید و حضور فعال این بچه‌ها و محصولات که برای این مخاطب در همین سال اخیر تولید شد و بخواهید با سال‌های قبل مقایسه کنید، کاملاً این تفاوت مشهود است.

از نظر شما چرا اینقدر اصرار بر تخریب دین وجود دارد؟ چطور است که سریع از هر موضوعی استفاده می‌کنند که چنگی به دینداری مردم بیندازند؟

هرچه به سمت پایان جهان و آخرالزمان پیش می‌رویم، طبیعتاً گسترش پیام الهی بیشتر است. بنابراین در موضوع محرم و عاشورا می‌بینید که هر چه جلوتر رفتیم، میزان آشنایی انسان‌ها در کشورهای مختلف با این موضوع بیشتر بوده و دقیقاً یک توجه عمومی در جهان به مظلومیت سیدالشهدا(ع) دیده می‌شود؛ از نلسون ماندلا و مهاتما گاندی بگیرید تا صاحبان آثار کلاسیک مشهور مثل جانانان سويفت، خالق رمان گالیور یا بسیاری از نویسندگان و اندیشمندان غربی که در آثارشان به مظلومیت امام حسین(ع) اشاره می‌کنند.

### فرهنگ مبارزه با ظلم در اشعار مسیحیان لبنانی

در میان چهره‌های زمان معاصر که شاید

ارزیابی شما از مراسم که در دهه اول امسال برگزار شد، چیست؟ چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی. از این جهت که محرم امسال با موضوعاتی درگیر بودیم که برخی در مخالفت با جمهوری اسلامی، به مخالفت با عزاداری برخاستند.

محرم امسال به لطف خداوند و عنایت امام زمان(عج) در مجموع مراسم پرشور و بالابتهی بود و به شکل گسترده برگزار شد. بعضی جاها ممکن است به طور طبیعی شاهد نقص‌ها، کمبودها و کاهش‌هایی باشیم ولی در دو حوزه به نظر من گسترش کمی و کیفی عزاداری‌ها کاملاً مشهود بود؛ یکی در حوزه بین‌المللی و بروز جهانی حادثه که مخصوصاً بعد از اهانتی که به قرآن کریم و در سوئد... صورت گرفته بود، به نظرم این خیلی اهمیت دارد که اگر فرصت شد، راجع به این یک نکته دارم که عرض خواهم کرد.

### رویش‌های عاشورایی

بخش دوم هم که به نظر من گسترش کمی و کیفی ایراز ارادت و مودت و وفاداری به عزای سیدالشهدا(ع) کاملاً مشهود بود، در نسل جوانی است که داخل کشور به شکل منسجم در محافل خاص حضورشان دیده می‌شد.

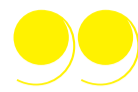
بعضی از جلسات خاص در تهران و بعضی از کلانشهرها طیفی از جوان‌ها را که رهبر انقلاب از آنها به عنوان رویش یاد می‌کنند، کاملاً به شکل منسجم گرد هم جمع کرده بود.

این رویش‌ها جدا از آن فضای سنتی بود که همیشه در طول سال‌ها در مراسم عزاداری اباعبدالله(ع) وجود داشته است. اتفاقاً فکر می‌کنم که بعضی ناسزاهایی که گفته می‌شد یا تحریک‌هایی که برای کاهش حضور مردم صورت می‌گرفت، اثر معکوس دارد و در عمل تجربه نشان داده که باعث شوق بیشتر و علاقه بیشتر مخاطب به مجالس عزاداری و سوگواری سیدالشهدا(ع) می‌شود.



از روزی که پیکر بی‌سر سیدالشهدا(ع) و فرزندان و برادر و اصحابش روی خاک تفتیده کربلا غلتید، ۱۳۸۴ سال می‌گذرد و خون شهدای کربلا در همه این سال‌ها در زندگی بشر جاری و اثرگذار بوده است. اما اینکه ما به عنوان پیروان و شیعیان خاندان پیامبر(ص)، از اثر این خون مقدس چگونه برای ساختن جامعه‌ای دینی و زمینه‌سازی برای ظهور استفاده کنیم، مسأله‌ای است که نیاز به بررسی و تحلیل دارد. هیأت‌های مذهبی که وظیفه زنده نگه داشتن یاد کربلا را به عهده دارند، نقش مهمی در نگرش جامعه به این واقعه به دوش می‌کشند که اگر به این نقش کم توجهی شود، اثر واقعه عاشورا در جامعه کمرنگ و حتی در مواردی معکوس می‌شود. این موارد که از دغدغه‌های مهم جامعه شیعی محسوب می‌شود، ضرورت بررسی و مطالعه درباره شیوه‌های عزاداری، توجه به خطوط قرمز و سلیقه‌های مختلف را نشان می‌دهد.

حجت‌الاسلام محمدرضا زائری، دکترای علوم ادیان از دانشگاه قدیس یوسف بیروت دارد، در مقاطع مختلف مسئولیت انتشار نشریات مختلف را به عهده داشته است. او با تأسیس انتشارات خیمه، نشریه خیمه را به صورت ماهانه راه‌اندازی کرد و اکنون به صورت تخصصی درباره سیدالشهدا(ع) منتشر می‌شود. با او درباره ظرفیت‌های رسانه‌ای جامعه برای پرداختن به قیام امام حسین(ع) و ترویج فرهنگ عاشورا، به عنوان زمینه‌ساز ظهور گفت‌وگو کرده‌ایم:



## مسیحیان لبنانی در این فضا است که فرهنگ مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی را در لبنان شکل می‌دهند چرا که با نهضت ابا عبدالله (ع) آشنایی دارند



**اگر بگویید روح حادثه کربلا ظلم‌ستیزی است، انقلاب اسلامی بارزترین جلوه مقاومت در مقابل ظلم و طاغوت بوده و شکل‌گیری انقلاب بر پایه هیأت‌های مذهبی و عزاداری بوده است. نمونه‌های زیادی اثرگذاری هیأت‌های مذهبی در جریان انقلاب اسلامی وجود دارد. مثلاً مرحوم خوشدل در ابیاتی حماسی می‌سراید: «مردم آزاده حسین است که بود این هدفش که شود کشته ولی زنده بماند شرفش» تا آنجا که می‌گوید: «پیرو مکتب تو تن به مذلت ندهد در رکابش زره رزم به پیکر پوشد...» این ادبیاتی است که قبل از انقلاب در هیأت‌های مذهبی ما نوحه می‌خواندند و مردم با آن سینه می‌زدند**

کرده، صراحت بیشتری دارد، از جهت شکلی و ظاهری در خیلی از امور تفاوت‌هایی با نسل‌های پیشین دارد و توجه به همه این موضوعات، پاسخ دادن به این سؤال را سخت می‌کند. اگر بگویید روح حادثه کربلا ظلم‌ستیزی است، انقلاب اسلامی بارزترین جلوه مقاومت در مقابل ظلم و طاغوت بوده و شکل‌گیری انقلاب بر پایه هیأت‌های مذهبی و عزاداری بوده است. نمونه‌های زیادی اثرگذاری هیأت‌های مذهبی در جریان انقلاب اسلامی وجود دارد. مثلاً مرحوم خوشدل در ابیاتی حماسی می‌سراید: «مردم آزاده حسین است که بود این هدفش که شود کشته ولی زنده بماند شرفش» تا آنجا که می‌گوید: «پیرو مکتب تو تن به مذلت ندهد در رکابش زره رزم به پیکر پوشد...» این ادبیاتی است که قبل از انقلاب در هیأت‌های مذهبی ما نوحه می‌خواندند و مردم با آن سینه می‌زدند. حتی جریان غیر روحانیت که شاید بارزترین فرد این جریان مرحوم دکتر شریعتی بود، گفتمان مشابیهی را در حسین وارث آدم بت رویکرد انقلابی و بیدارگرایانه مطرح کرد. همین ادبیات و جریان برجسته شد و انقلاب اسلامی را شکل داد. نسل امروز ما چه آنهایی که در جبهه‌های دفاع مقدس به میدان رفتند و چه آنها که در دفاع از حرم حضور داشتند و چه حتی جوان‌آموزی ما، از نظر من از هر زمانی دیگر، بیشتر ظلم‌ستیز است. ادبیات و گفتار جوان امروز شاید متفاوت باشد، اما طبق فرمایش امیرالمؤمنین (ع) که فرمودند «فَأْتَهُمْ مَّخْلُوقُونَ لِزَّمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ»، ممکن است ظاهر آنان و لباس‌هایشان متفاوت باشد، ولی روح ظلم‌ستیزی و ایستادگی پای‌قیام سیدالشهدا (ع) و مظلومیت ابا عبدالله (ع) همچنان در جوانان و نوجوانان امروز وجود دارد.

### هنوز با رسانه مطلوب عاشورایی فاصله داریم

در چند سال اخیر تولیدات رسانه‌های مختص سیدالشهدا (ع) و دهه محرم توسط رسانه ملی و برخی پلتفرم‌های نمایشی ایجاد شده است. شما این تولیدات رسانه‌ای مرتبط با فرهنگ عاشورایی و عاشورا را چطور می‌بینید؟ واقعیت این است که فکر می‌کنم ما هنوز از جهت تولید محصولات رسانه‌ای برای مخاطب تلویزیون با نقطه مطلوب فاصله زیادی داریم. به این معنا که مخاطب متنوعی را پوشش دهد از طیف‌های گوناگون بتواند در مدیوم تلویزیون از این برنامه استفاده کند. اگر از خود من به عنوان یک مخاطب بپرسید برنامه‌هایی که در این یکی دو ساله ساخته می‌شود بسیار مطلوب است و با آن ارتباط برقرار می‌کنم.

اما آیا لزوماً مخاطب عام هم می‌تواند از این برنامه‌ها استفاده کند؟ نمی‌دانم.

آیا این برنامه‌ها با همه مخاطبین ارتباط برقرار می‌کنند؟ گمان می‌کنم از این جهت ما هنوز مطالعات علمی و پژوهشی و پیمایش‌ها و نظرسنجی‌های اجتماعی لازم را انجام نداده‌ایم. شاید لازم باشد که میزگردهای تخصصی و مطالعات میدانی دقیق‌تری صورت بگیرد که بتوانیم بگوییم آیا لزوماً این جنس برنامه‌سازی برای مخاطب عمومی مناسب است یا خیر.

دقیقاً همین موضوع مطرح است. مثلاً ما در تولیدات رسانه‌ای گرفتار دوگانه‌ای شده‌ایم که در برنامه‌های حسینی‌ه‌ی محلی و مهابروز پیدا کرده است. این دوگانه را چطور می‌بینید؟

به نظرم به مصادق، کاری نداشته باشیم. دو مشکل وجود دارد؛ اولی این است که ما فراموش می‌کنیم نیازهای مخاطب متفاوت است و تقاضاهای گوناگون وجود دارد که عرضه‌ها و تولیدات متفاوت هم می‌طلبد. به نظرم در ابتدا باید این نکته را بپذیریم که لزوماً محتوای واحد برای مخاطبان

می‌خواستم در مورد دوگانه برنامه‌های تلویزیونی حسینی‌ه‌ی محلی و مهابروز نظرتان را بدانم.

بعضی از مصادیقی که در این ایام مطرح شد، یک شعری خوانده شد یا نکاتی گفته شد، آنها را قبول ندارم و نسبت به آنها منتقد هستم. اما فارغ از آن مصادیق، کلیت این تولیدات را به نظرم باید تأیید و این تنوع را باید حفظ کرد.

این تنوع در این برنامه‌ها با موضوع خاص باید وجود داشته باشد؟

هرکدام مخاطب خودشان را دارند. یعنی آن برنامه‌ای که در یک پلتفرم نمایش خانگی عرضه می‌شود یک جنس مخاطب دارد، برنامه «با حسین حرف بزن» یک مخاطب دارد و برنامه‌ای که در تلویزیون و شبکه سه سیما پخش می‌شود، یک جنس مخاطب دارد. همان‌طور که کسانی هم هستند که هیچ‌کدام از اینها را نمی‌بینند و شب در هیأت محل خودشان عزاداری می‌کنند. می‌خواهم بگویم هر کدام از این افراد، جنس‌شان متفاوت است و نمی‌شود آنان را مثل هم در نظر گرفت.

نظر شما در مورد رسانه‌های عصر جدید و مدل عملکردی‌شان در مورد واقعه عاشورا چیست و اینکه اصلاً عملکردشان چطور باید باشد؟

اولاً گسترش این رسانه‌ها، افزایش دسترسی مردم به اطلاعات، تنوع ابزارهای اطلاع‌رسانی و شکل‌های گوناگون رسانه نباید تهدید به حساب بیاید؛ بلکه یک فرصت جدی است و هرچه زمان جلوتر می‌رود و ما پیش‌تر می‌رویم و به آخرالزمان نزدیک می‌شویم این رسانه‌ها فرصت بهتری برای ما هستند. اعتقاد ما این است که ظهور حضرت حجت (عج) بزودی رخ خواهد داد و در این حادثه بزرگ بشری، ابزار انتقال پیام آن حضرت به مردم جهان همین رسانه‌ها هستند.

هرچه این رسانه‌ها گسترش پیدا کنند، هرچه تکنولوژی پیشرفت کند و هر چه به اقتضای جهانی شدن، دسترسی مردم به ابزار انتقال پیام بیشتر شود ما امیدوارتر و دلخوش‌تریم که پیام حضرت صاحب‌الزمان (عج) به همه خواهد رسید و اتفاقاً آن روزی که ایشان کنار خانه کعبه تکیه بزنند و بفرمایند که «ان جدی الحسین» پیام مظلومیت امام حسین (ع) را مردم جهان بیشتر دریافت می‌کنند. تصویری از هیأت رایت‌العباس منتشر شد که نشان می‌داد به دور از هرگونه هیاهو، فرم جدیدی از عزاداری ایجاد شده. یک خیمه

بزرگ برپا شد و همه در زمان عزاداری باید زیر این خیمه قرار می‌گرفتند. پیش از این چنین فرم‌هایی برای عزاداری سیدالشهدا (ع) ندیده بودیم با اینکه زمین یادگان ۰۶ همیشه بوده است. می‌خواهم نظر شما را درباره میزانش، دکور، محتوا و در کل این اتفاق نو بدانم. شعاری که امسال هیأت‌های مذهبی به عنوان شعار واحد انتخاب کردند این بود که در زیر خیمه‌اش همه یک خانواده‌ایم. اگر بخواهیم برای این شعار معادل تصویری انتخاب کنیم، به نظرم این عکس مصداق خوبی بود.

به نظرم روح عزاداری امام حسین (ع) را در این عکس می‌دیدیم که از روز عاشورای سال ۶۱ هجری قمری آغاز شده بود تا امروز و تا پایان جهان و قیامت ادامه خواهد داشت. روح این واقعه دقیقاً یک خیمه است که همه با یک نیت، با یک قصد و یک آهنگ و فارغ از همه تفاوت‌هایشان در آن جمع می‌شوند؛ یعنی از شیخ زکراکی با ۶ تا شهید در نیجریه تا نومسلمان اروپایی، عزاداران جنوب شرق آسیا همه با زبان‌های مختلف و حالات مختلف، با قومیت‌های مختلف ولی یک نغمه دارند «سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم» اینها همه زیر یک خیمه جا می‌شوند اگر می‌خواستیم یک معادل تصویری برایش انتخاب کنیم به نظرم این عکس بود که کاملاً این احساس را منتقل می‌کرد.

به اعتقاد شما این فرم‌های جدید مطلوب است؟

بله. خصوصاً برای مخاطب جدید؛ چون یکی از نکاتی که نباید از آن غافل شد این است که ممکن است بچه‌های ما در سن کودکی و

نوجوانی و جوانی با قالب‌ها و فرم‌های گذشته ارتباط برقرار نکنند. حتماً باید چهارچوب‌ها و ضوابط را حفظ و از انحرافات باید پرهیز کرد. در عین حال باید کاملاً حواس‌مان باشد که خوراک مورد نیاز و مورد توجه این مخاطب هم به او داده شود.

چند سال قبل در سرچشمه اولین شبی که مراسم احیا برگزار کردیم، برای کودکان چپیس و ماست موسیر آماده کردیم. یکی از مادرها شب بیست و یکم می‌گفت که فرزندش شب قبل اصرار بسیار کرده که به مسجد برویم. اگر من توانستم در کنار فضای دعا، بخشی از پیام خودم را هم به او منتقل کنم به تعبیری من امتیاز سرگرمی به او بدهم، امتیاز یک داستان عاشورا شنیدن از او بگیرم.

هیأت‌های بزرگ چنین ظرفیت‌هایی دارند. درباره هیأت‌های کوچک و خانگی چه می‌توان کرد؟ به نظر شما باید به هیأت‌های کوچک هم برویم یا همه در هیأت‌های بزرگ عزاداری کنیم؟

نیازهای مختلف وجود دارد که برای هر نیازی باید خدمت مناسب را عرضه کنیم. هیأت‌های مذهبی هم کارکردهای متنوعی دارد؛ از کارکرد آموزشی و تربیتی که برجسته‌ترین است، تا کارکرد انسجام‌بخشی اجتماعی یا حتی کارکردهای فرعی دیگر. مثلاً در بسیاری از هیأت‌های مذهبی روابط خانوادگی اصلاح می‌شود، صله رحم صورت می‌گیرد، ازدواج‌ها شکل می‌گیرد، در ماه محرم همدیگر را می‌بینند و برای ۱۷ ربیع قرار نامزدی می‌گذارند. می‌خواهم بگویم کارکردهای متنوعی دارد.

### فرم‌های جدید عزاداری برای مخاطب جدید مطلوب است.؛ شاید بچه‌های ما با قالب‌ها و فرم‌های گذشته ارتباط برقرار نکنند

### نسبت به بعضی از مصادیق که شعری خوانده یا نکاتی گفته شد منتقدم اما کلیت این تولیدات را باید تأیید و این تنوع را حفظ کرد

### باید این را بپذیریم که محتوای واحد برای مخاطبان متنوع پاسخگو نیست. ذوق‌های مختلف، محصولات مختلف می‌خواهند

### چه رزمندگان دفاع مقدس، چه مدافعان حرم، چه حتی جوان‌آموزی ما از هر زمانی دیگر بیشتر ظلم‌ستیز است

### برنامه‌ای که در پلتفرم می‌شود یک مخاطب دارد، برنامه «با حسین حرف بزن» یک مخاطب و برنامه تلویزیون و شبکه سه هم یک جنس مخاطب

### روح عزاداری امام حسین (ع) را در عکسی که از هیأت آقای محمود کریمی منتشر شد می‌دیدیم این روح دقیقاً یک خیمه است که همه با یک نیت و یک قصد فارغ از همه تفاوت‌هایشان در آن جمع می‌شوند

در خیلی از هیأت‌های مذهبی خانگی برای حل مشکلات مالی افراد، پول جمع می‌کنند درحالی‌که چنین اتفاقاتی در هیأت‌های بزرگ ممکن است اتفاق نیفتد. اساس علقه عاطفی ما با حضرت سیدالشهدا (ع) از روزه خانگی بوده است. آن اتفاقی که در روزه خانگی با کفش جفت کردن و چایی دادن و قند گرداندن... می‌افتد در هیأت بزرگ اتفاق نمی‌افتد همان‌طور که آن اتفاقی که در هیأت بزرگ رخ می‌دهد، جای دیگر رقم نمی‌خورد.

به عنوان سؤال آخر می‌خواهم کمی درباره نشریه خیمه صحبت کنیم. چه شد که این نشریه متولد شد و چه نیازی وجود داشت که شما به سمت انتشار آن رفتید؟

اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ رهبر معظم انقلاب سخنرانی‌ای درباره ضرورت توجه به هیأت‌های مذهبی و پیراستن اشعار آیینی و تقویت شعرها و سروده‌های سخنه و بایسته برای مدح و رسای اهل بیت (ع) داشتند. باور و نگاه ما این بود که هیأت‌های مذهبی مهم‌ترین هسته‌های جامعه مدنی شیعه هستند و جای تعجب بود که موضوع امام حسین (ع) و هیأت‌های مذهبی با این اهمیت یک رسانه هم ندارد. با این نیت مجله خیمه راه افتاد و منتشر شد.

مهمترین این مشکلات هم ضعف ما در کادر تولید محتوای مذهبی در قالب‌های رسانه‌ای است؛ یعنی ما شاید در هیچ حوزه‌ای مثل ژورنالیسم مذهبی دچار ضعف نباشیم. در این حوزه کسانی که هم تسلط به محتوای دینی و مذهبی داشته باشند و هم توانایی عرضه این محتوا را در قالب‌های ژورنالیستی جذاب و اثرگذار که با مخاطب بتواند ارتباط برقرار کند، کمتر می‌توانیم پیدا کنیم. از یک طرف دیگر به هر حال مجله خیمه یک موضوع کاملاً خاص است؛ نه تنها مذهبی است، حتی در میان موضوعات مذهبی هم مشخصاً موضوع عاشورا و حضرت سیدالشهدا (ع) را مطرح می‌کند ولی از آن طرف واقعاً به عنایت خود آن حضرت و لطف خداوند، مجله توانسته سرپا باشد و خوشوقت و سربلند هستیم که این افتخار هنوز از ما دریغ نشده است.

چه چشم‌اندازی برای این مجله در نظر دارید و چه برنامه‌هایی را می‌توانید در آینده برای این مجله داشته باشید.

از یک طرف به مرور بیشتر به سمت تقویت نسخه الکترونیک مجله خیمه می‌رویم و توجه بیشتر به شبکه‌های اجتماعی و ظرفیت‌هایی است که دسترسی‌های موبایلی به افراد ممکن است بدهد. در عین حال یک دغدغه‌مان هم بطور جدی تربیت نیروی انسانی است. البته خیمه در طول این سال‌ها، این توفیق را داشته و ما چهره‌های نامداری را می‌توانیم معرفی کنیم که اولین بار شعرشان یا آثار قلمی‌شان در مجله خیمه منتشر شده است. این ظرفیت وجود دارد و فکر می‌کنم اگر اقتضائات و ضرورت‌هایی که توسعه این کار دارد، فراهم شود ان‌شاءالله این هدف هم محقق خواهد شد.



نظرم حساسیت ماجرا این طور است؛ بی اعتنایی به خطوط قرمز ما را دچار استحاله می‌کند و درگیری داخلی ما را به اضمحلال می‌رساند

# کتاب

یادداشت دبیر

## در رتای از بین رفتن یک روند ثابت

گرمای سوزان، تابستان با کتاب!

محمدعلی یزدانپار

دبیرگروه کتاب

mohammadaliyazdampar@gmail.com



**اول.** به نظر من اصلاً نباید روزنامه‌ها را به هیچ دلیلی و در هیچ مناسبتی تعطیل کرد، حتی اگر بخوایم تعطیلی خود روزنامه‌ها را بپذیریم دیگر حداقل ضمیمه‌های هفتگی را باید در تعطیلات هم منتشر کرد. اصلاً شما نمی‌دانید که به هم ریختن روند مرتب و منظم هفتگی آماده‌سازی و ارسال مطالب چقدر کشنده است. همین الان که این یادداشت را می‌نویسم دبیر تحریریه در حال میل نمودن انواع حرص و جوش است که پس این مطالب گروه کتاب کجاست؟ و کل ماجرا از اینجا آب می‌خورد که چون یک هفته در این میان تعطیل بودیم، کارها از روند خارج شده و بازگشت به روندی که شکسته است کاری است بسیار بسیار سخت!

**دوم.** جایبان خالی، یعنی اگر از قتل و خون و خونریزی خوشتان می‌آید جایبان خالی، این چند وقت نشستم و چهارگانه هانیبال را مطالعه کردم. هرچقدر هم ترجمه‌ها تأسف برانگیز بودند اما باز هم داستان‌های خوب و خواندنی‌ای را تجربه کردم. این بار هم خلا انواع و اقسام داستان‌های پلیسی و جنایی و کارآگاهی را در ایران حس کردم. یعنی اگر با نهایت اغماض «جلال آریان» شخصیت خلق شده توسط اسماعیل فصیح را یک جورهایی کارآگاه به حساب بیاوریم، که در حقیقت اینطور هم نیست، فقط می‌ماند فیل در تاریکی جناب قاسم هاشمی‌نژاد و آیا داستان جنایی و کارآگاهی در ایران داریم؟ خیر!

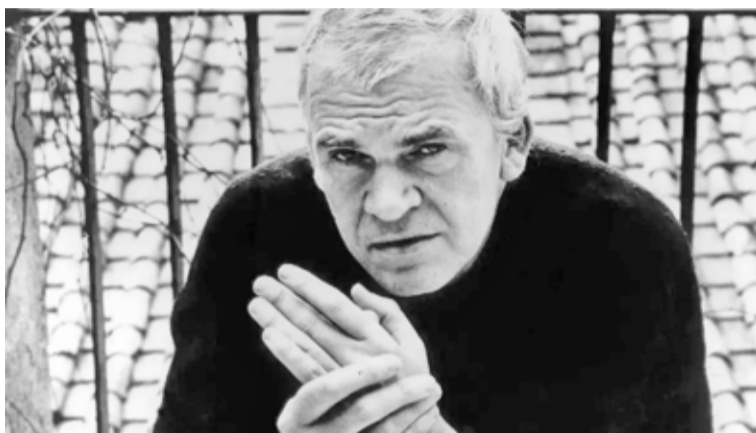
**سوم.** باز هم جایبان خالی، این بار اگر جزو لیبرال‌های متعصب و رادیکال نیستید جایبان خالی که در حال مطالعه دُن آرام اثر نویسنده بزرگ - و محبوب جناب سردبیر - میخائیل شولوخوف هستم. هرچه از استواری قلم شولوخوف و تسلطش بر حال و احوال اهالی دُن یگویم کم گفته‌ام. اگر سراغ این رمان رفتید در جریان باشید که «قزاق» مورد بحث در رمان، در واقع اهالی اطراف دُن - در حوالی اکراین - هستند و نامشان «کازاک» است و هیچ ارتباطی به قزاقستان و اهالی آن ندارند. موضوع در واقع یک اشتباه ترجمه است و در ایران بسیار هم ریشه‌دار شده به حدی که حتی رمان «کازاک‌ها» نوشته تولستوی هم با نام «قزاق‌ها» در ایران ترجمه و منتشر شده است.

**چهارم.** و در نهایت امیدوارم که در طول تابستانی که حالا به نیمه رسیده است، زندگی به کامتان گذشته باشد، یا حداقل دیگر خیلی هم توسط زندگی و متعلقاتش اذیت نشده باشید. زندگی به اندازه کافی تلخ و سخت هست، دیگر وسط این گرما اگر قرار باشد به پروپای ما بپیچد که دیگر خر بیاور و باقلا بار کن. قبول ندارید؟

## زندگی ادبی میلان کوندرا چگونه گذشت؟

که چاپ و انتشار آثار میلان کوندرا تا سال ۱۹۸۹ در سرزمین مادری‌اش ممنوع بود و او هم ساکن فرانسه، فرانسوی نوشتن او عملی بسیار منطقی و حتی بدیهی به نظر می‌رسد. بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۷، او

میلان کوندرا نویسنده اخیراً خدایامرز اهل چکسلواکی، در شهر برنو به دنیا آمد. پدرش موسیقیدان و پیانیست معروفی بود و ریاست آکادمی موسیقی جاناسک در برنو را برعهده داشت. میلان کوندرا نیز چون



علاقه‌مند بود که از پدر نشانی داشته باشد و بیگانه نخواندش، نواختن پیانو را از پدر آموخت و بعداً به تحصیل موسیقی‌شناسی پرداخت. فهم و درک موسیقی البته تأثیر خودش را سفت و محکم روی آثار او گذاشت. میلان کوندرا به نسلی از جوانان تعلق دارد که متأثر از تجربه جنگ جهانی دوم بودند و

بازنگری ترجمه‌های فرانسوی آثار قبلی‌اش را خودش انجام داد. کوندرا آثار مهمی مثل «بار هستی» «جاودانگی» «کتاب خنده و فراموشی» و «میهمانی خداحافظی» را به رشته تحریر درآورد. او متأسفانه در تاریخ یازدهم جولای ۲۰۲۳ دیده از جهان فروبست.

## بار هستی

این کتاب که با نام «سبکی تحمل‌ناپذیر هستی» نیز شناخته می‌شود، در سال ۱۹۸۴ نوشته شد. داستان این کتاب در مورد دو زن، دو مرد و یک سگ و زندگی آنها در دوران جنبش بهار پراگ است. کتاب به زندگی درونی این افراد با محور عشق، تعهد و سیاست می‌پردازد. توما، شخصیت اصلی رمان، یک جراح است که با زنان زیادی ارتباط دارد، در این میان در یک مواجهه تصادفی، عاشق دختر فقیر و سادهدای به نام ترزا می‌شود. توما همزمان روابطش با زنان دیگر را نیز ادامه می‌دهد. از جمله با سابینا، زن نقاشی که همچون توما علاقه‌ای به رابطه متعهدانه ندارد. زندگی شخصیت‌های داستان در میانه تضادهای وجودی بین سبکی زندگی و اتفاقات و سنگینی انتخاب‌های فردی می‌گذرد. گویا که زندگی تنها در این میانه جریان دارد.



## شوخی

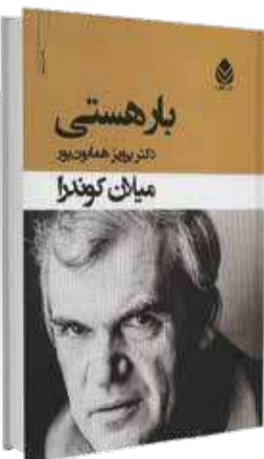
کتاب شوخی به داستان زندگی مردی به نام لودویک پان می‌پردازد. این اثر، ماجراهایی اتفاق افتاده برای لودویک از دوران بلوغ تا ۳۷ سالگی را بی می‌گیرد اما به صورت خطی این اتفاقات را روایت نمی‌کند و در عوض، بر چگونگی تأثیر کارهای پان بر دیگران و اطرافیان نزدیک به او تمرکز دارد. این رمان درخشان که درباره عشقی نافرجام و انتقامی به ثمر نرسیده است، در بسیاری از موارد به خاطر اشارات و مفاهیم سیاسی‌اش مورد توجه قرار گرفته است. اما اکنون، پس از گذشت چندین دهه از انتشار اولیه کتاب و سال‌ها پس از فروپاشی حکومت دست نشانده چکسلواکی، می‌توان این اشارات سیاسی را آزادانه تجزیه و تحلیل کرد و آنها را جزو ارزش‌های کتاب به حساب آورد. رمان شوخی، اثری بزرگ، تفکربرانگیز و تکان دهنده است که به مسأله جاودانه هستی انسان، نگاهی نو می‌اندازد.

## زندگی میلان کوندرا بر چه منوالی بود؟

مانند خیلی از آنها در دوره نوجوانی به حزب کمونیست چک پیوست. تحصیلاتش را در رشته ادبیات و زیبایی‌شناسی در دانشکده هنر دانشگاه چارلز در پراگ گذراند و پس از آن به دانشکده فیلم آکادمی هنرهای نمایشی پراگ منتقل شد. او مدتی از حزب کمونیست اخراج شد. میلان کوندرا پس از فارغ‌التحصیلی در سال ۱۹۵۲، در دانشکده فیلم به‌عنوان مدرس ادبیات جهان مشغول به کار شد. در سال ۱۹۵۶، مجدداً در حزب پذیرفته شد ولی نهایتاً در ۱۹۷۰ برای بار دوم از حزب اخراجش کردند. البته برای میلان کوندرا که در کنار دیگر جوانان و روشنفکران کشورش، در جنبش بهار پراگ فعالیت می‌کرد این اخراج و اخراج بازی‌ها مسأله عجیبی نبود. اگر هم نمی‌دانید بهار پراگ چیست عارضم به خدمت گرمی و بزرگواران که بهار پراگ، دوره کوتاهی از اصلاحات دموکراتیک در چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ بود که با حمله شوروی به شکست انجامید. البته گفته شده است که کوندرا تا انتها به کمونیسم متعهد ماند و در عین حال به انتقاد از عملکرد همفکرانش پرداخت. این صداقت و روراستی برای او نتیجه فاجعه‌باری به همراه داشت، انتشار آثارش ممنوع و چندی بعد از کشورش اخراج و سلب تابعیت شد. او به فرانسه مهاجرت کرد و مدتی بعد تابعیت آن کشور را پذیرفت.

## میهمانی خداحافظی

کتاب میهمانی خداحافظی اولین بار در سال ۱۹۷۲ چاپ شد. در این داستان طنزآمیز و به یاد ماندنی که در شهری قدیمی در اروپای مرکزی می‌گذرد، هشت شخصیت وارد ماجرای جالب می‌شوند: پرستاری زیبا و نامزد سابقش؛ مردی عجیب و غریب که پزشک زنان و زایمان است؛ یک آمریکایی ثروتمند که هم اخلاق گراست و هم بی‌اخلاق؛ نوازنده‌ای معروف و همسر زیبا و بسیار شکاک او و مردی که قبلاً یک زندانی سیاسی بوده و اکنون می‌خواهد از کشور خارج شود. رمان میهمانی خداحافظی که بدون شک جزو درخشان‌ترین و سرگرم‌کننده‌ترین رمان‌های کوندرا به حساب می‌آید، به شکلی جذاب و متفاوت به اساسی‌ترین سؤالات بشر می‌پردازد.



## میلان کوندرا هم از دنیا رفت

# درگذشت غول یکی مانده به آخر!

بله، جناب استاد بزرگوار میلان کوندرا هم بار وینه را بسته و به دیار باقی شتافتند، حالا فکر کنم از نویسندگان عصر غول‌ها فقط دوست عزیزمان آقای ماریو بارگاس یوسا در دنیای فانی باقی مانده باشد. به مناسبت درگذشت این نویسنده شهیر و بزرگ، نگاهی به زندگی و آثار او انداخته‌ایم.

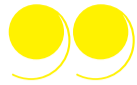


## جاودانگی

این رمان طولانی‌ترین و فلسفی‌ترین رمان میلان کوندرا است، ولی با وجود عمیق بودن، همچنان زبان طنز و کنایه‌آمیزی دارد. جاودانگی رمانی است در هفت قسمت. شخصیت محوری داستان زنی به نام آگنس و احساس تنهایی اوست. در این داستان با نوعی رمان پست‌مدرنیستی روبه‌رو هستیم که قصه چندان ندارد ولی مسائل و درگیری‌های ذهنی شخصیت‌های انسانی در آن محوریت دارند.





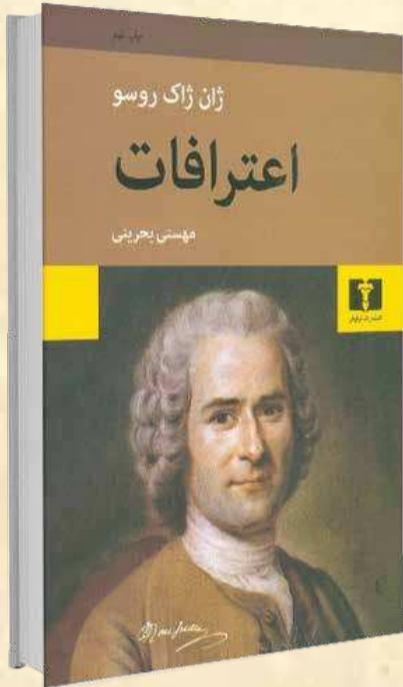


روسو می گوید: من دست به کاری می‌زنم که هرگز سابقه‌ای نداشته است و در آینده هم هیچ کس نخواهد توانست از آن تقلید کند. می‌خواهم مردی را با تمام خصوصیات حقیقی و طبیعی خود به همنوعانم نشان دهم. و این مرد، من خواهم بود!

یک اعتراف‌نامه شاهکار...

## اعترافات خواندنی جناب روسو

ریحانه میرحسینی  
کارشناس ارشد ادبیات



می‌توانم به صراحت بگویم ممکن است زندگی‌نامه یا خاطرات بسیاری که نویسندگان بزرگ از زندگی خود شرح داده‌اند خواننده و به آنها علاقه‌مند شده باشید، اما این را هم می‌توانم به شما قول بدهم که اعترافات ژان ژاک روسو برای شما از همه آنها متفاوت‌تر باشد. زیرا مانند هیچ یک نیست، چون اعترافات است.

قبل از معرفی این کتاب، دوست دارم چند خطی از آن را با شما شریک شوم تا بدانید بی‌دلیل نیست که به آن می‌گویم شاهکار. روسو می‌گوید: من دست به کاری می‌زنم که هرگز سابقه‌ای نداشته است و در آینده هم هیچ کس نخواهد توانست از آن تقلید کند. می‌خواهم مردی را با تمام خصوصیات حقیقی و طبیعی خود به همنوعانم نشان دهم. و این مرد، من خواهم بود!

می‌گوید: بانگ صور قیامت گوهرگاه که می‌خواهد برخیزد، خواهم آمد، این کتاب را به دست گرفته و در پیشگاه داور متعال حاضر خواهم شد. و به آواز بلند خواهم گفت: این است آنچه کرده‌ام، آنچه اندیشیده‌ام، آنچه بوده‌ام.

اعترافات ژان ژاک روسو را انتشارات نیلوفر با ترجمه بسیار خوب مهستی بحرینی به چاپ رسانده است و این کتاب خود به دو کتاب تقسیم می‌شود، کتاب اول شامل ۶ دفتر افترا اعترافات او و کتاب دوم هم شامل ۶ دفتر دیگر از اعترافات روسو که در آغاز کتاب دوم

گفته است: این یادداشت‌ها که آکنده از هر گونه غلطی است و من حتی فرصت آن را ندارم که دوباره بخوانمش، کافی است تا راه وصول به حقیقت را به هر کس که دوستدار آن است نشان دهد و او را قادر سازد با شناختی که خاص خود اوست آن را به دست آورد. متأسفانه به نظر دشوار و حتی ناممکن می‌نماید که این یادداشت‌ها بتواند از چشم بیدار دشمنانم بگریزد. اگر به دست مردی شرافتمند بیفتد.

این شاهکار روسو، همه رویدادهای زندگی او را از دوران کودکی تا سال‌های پایانی عمرش، با ذکر تمامی جزئیات، دربرمی‌گیرد. ولی علاوه بر همه اینها پیش از آنکه به کارهای او در موقعیت‌های گوناگون زندگی‌اش برسد و ماجراهایی را که از سر گذرانیده تعریف کند، به شرح احساسات، عقاید و اندیشه‌های او می‌پردازد. روسو اعترافات را در سال‌های ۱۷۶۵ تا ۱۷۷۰ نوشت و زندگی‌اش را از آغاز تا سال ۱۷۶۶ که جزیره سن پییر را ترک گفت، در این کتاب صادقانه بازنمود. او در

این اثرش بدون پرده پوشی به عیب‌ها و خطاهایش اعتراف می‌کند و می‌گوید چه ضعف‌ها و اشتباهاتی در طول زندگی مرتکب شده و از آنها درس گرفته است. همچنین از عشق بسیار زیاد و بدون پایانش به طبیعت، که با تمامی جان

او پیوند داشت، به تفصیل سخن گفته است. بنابراین هیچ نکته مبهمی در زندگی او وجود ندارد که به خواننده نگویید و با زبانی کاملاً آشنا صحبت می‌کند. گویی که تمام افرادی که او را می‌خوانند می‌شناسند و

بانگ صور قیامت گوهرگاه که می‌خواهد برخیزد، خواهم آمد، این کتاب را به دست گرفته و در پیشگاه داور متعال حاضر خواهم شد. و به آواز بلند خواهم گفت: این است آنچه کرده‌ام، آنچه اندیشیده‌ام، آنچه بوده‌ام



# سرباز جنگ از نگاه دشمن

عشق به امام حسین (ع) نقطه اتصال در جنگ ایران و عراق

مهدیه جاهد  
خبرنگار

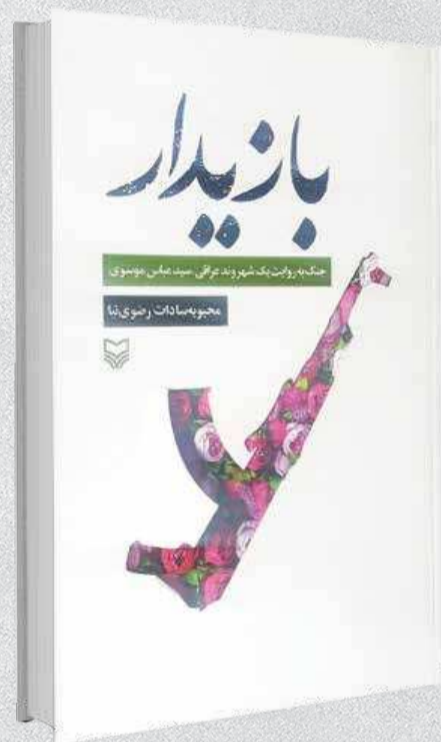
خللی به اصل کتاب وارد نمی‌کند. خانم رضوی نیا گویا به خاطر ارادتی که به او پیدا کرده است خود را ملزم کرده زندگی او را با تمام جزئیات بیان کند. هر چند که بیان آنها باعث شود سرنوشت و آینده راوی ناگفته بماند. این در حالی است که پس از ۳۰ سالگی سیدعباس و موقعیت شغلی او در کشور پر حادثه‌ای مثل عراق روایت بهتری را از جنگ بیان می‌کند.

دیگر اینکه نویسنده طبق گفته خودش در مقدمه به خاطر حفظ امانت تمام دیالوگ‌ها و گفت‌وگوهای را که از زبان او است با همان لهجه شکسته و بسته نیمه فارسی نیمه عربی آورده است. به این صورت که مخاطب در تمام کتاب در حال خواندن رسمی نوشته است و ناگهان وقتی به گفت‌وگوها می‌رسد با فارسی لهجه دری مواجه می‌شود. این اتفاق هم تمرکز خواننده را از متن دور می‌کند و هم در بسیاری از مواقع باعث سخت خوانی و ناخوانایی گفت‌وگو شده است. در متن کتابی که نزدیک به ۵۰۰ صفحه است و نیمی از کتاب گفت‌وگو از زبان او است، این سبک نگارش خسته کننده و کسل کننده است و خواندنش را رنج آور کرده است. برای همین ممکن است خواننده از روی گفت‌وگوها ببرد یا حوصله خواندن کتاب تا آخر را نکند.

خانم رضوی نیا همچنین در «گفتار نویسنده» ذکر کرده‌اند که مصاحبه‌شان از کودکی تا ۳۰ سالگی سیدعباس یعنی زمانی که مدت خدمتش در ارتش عراق پایان می‌پذیرد انجام شده و بقیه زندگی‌نامه سید که مربوط به انتفاضه شعبانیه، اشتغال سیدعباس به عنوان آشپز در سفارت ایران در بغداد و جنگ با داعش است تمام مانده. وجود عکس‌ها از این خاطرات فقدان آن را بخوبی نمایش می‌دهد.

کتاب در ۲۰ فصل نوشته شده است که البته بعد از فصل ۲ و ۳ فصل ۴ می‌شود. یعنی کتاب فصل ۳ ندارد. و مشخص هم نیست که این کار عمدی است یا سهوی.

عناوین فصل بندی‌ها هم آنچه باید را به مخاطب القا نمی‌کند و می‌توانست عنوان بندی بهتری داشته باشد. عناوین همه با اسم اشخاص برجسته هر فصل نام گذاری شده است. در هر صورت باز پیدار یا ۴۷۰ صفحه به انضمام چند صفحه عکس و نقشه نتوانسته است درون مایه مد نظرش را به مخاطب برساند و پس از خواندن کتاب خواننده جز احساس خستگی و علم لاینقطع حس دیگری نخواهد داشت. این کتاب توسط انتشارات سوره مهر وارد بازار نشر شده است.



در همان ابتدای کتاب نویسنده توضیح مختصری در مورد معنای نام آورده است که گره مخاطب را باز کند. اما همین هم کفایت فهم ربط عنوان با محتوای کتاب قطور حدوداً ۵۰۰ صفحه‌ای باز پیدار را نمی‌دهد.

برای مخاطب، اگر در طراحی جلد هم اثری از تفهیم معنای عنوان به مخاطب پیدا کرد، بهتر می‌بود. ما با ۴۷۰ صفحه اطلاعاتی از او طرف هستیم که شاید نیم بیشتر این اطلاعات اضافی، بی‌مورد و حتی کسل کننده است. زیر عنوان کتاب جنگ به روایت یک شهروند عراقی است اما در واقع نیمی از ۲۰ فصل کتاب به زندگینامه راوی اختصاص دارد.

نه اینکه اثری از جنگ در کتاب نباشد، در قسمت‌های زیادی و با محتوای روایت نسبتاً پر تکراری از نحوه ورود نیروها به ارتش عراق و رویارویی ارتش با مردم خود عراق و نحوه برخورد افسران و ژنرال‌های ارتش با سربازان در کتاب آمده است. اما همین میزان خاطرات برای پیشبرد کتاب کافی به نظر می‌آید و اگر بسیاری از این فصول و روایت‌های شخصی حذف شود



## زیر پوست زندگی طلبگی در قم

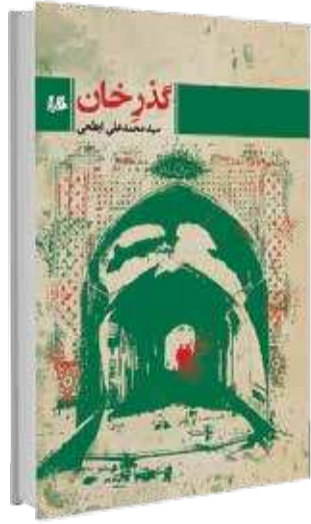
در بحبوحه پیروزی انقلاب در نهانخانه علما و مرجعیت چه می‌گذشت؟

فاطمه شهروش

خبرنگار

برای من علت انتخاب کتاب، در سه گزینه خلاصه می‌شود: سوز و سبک و نویسنده. «گذر خان» را بیشتر به خاطر گزینه سوم و نام سیدمحمدعلی ایطی خریدم؛ البته سوز زندگی طلبگی‌اش هم قفلکم می‌داد که زودتر بروم سراغ خواندنش.

سرک کشیدن زیر پوست زندگی روحانیون یعنی قشری از جامعه که در فیلم‌ها و داستان‌ها همیشه بخشی کلیشه‌ای از زندگی‌شان را دیده‌ایم، موضوعی است که هر مخاطب کنجکاوی را به سمت خود می‌کشد. ایطی نیز از اهمیت این موضوع غافل نبوده و با طرح مسائلی مانند نحوه شهریه گرفتن یا امتحان دادن طلبه‌ها و انتخاب استادان به خوبی به این نیاز خوانندگان پاسخ داده است؛ هرچند جا داشت پرداختن به موضوعاتی همچون مباحثه بین طلبه‌ها و روش انتخاب مدرسه هم با عمق بیشتری صورت بگیرد و از این لحاظ نیز به لایه‌های زیرین زندگی روحانیون توجه بیشتری می‌شد.



داستان از زاویه دید سوم شخص محدود به ذهن نوجوانی به نام ممدسن روایت می‌شود که پدر نابینایش را در مجالس روضه علما و بزرگان قم همراهی می‌کند. ماجرا در دوره‌ای اتفاق می‌افتد که شاه فرمان تأسیس حزب رستخیز را داده و واکنش دوگانه مراجع تقلید در برابر شاه و تصمیماتش بستر بسیاری از اتفاقاتی است که برای ممدسن و پدرش حاج ابراهیم رخ می‌دهد. ویژگی خاص مادر ممدسن که زنی کرد بوده و به جای نوحه‌های همسرش، ترانه‌های کردی می‌خواند و با دامن‌های رنگارنگ در خانه می‌رقصد، تضادی است که نویسنده به درستی از آن بهره برده و در جهت نمکین کردن اثرش از آن استفاده کرده است.

ایطی در مصاحبه‌ای اشاره کرده بعد از حوادث سال ۸۸ و به پیشنهاد روانشناس به نوشتن روی آورده و بعد از اولین رمانش که مجوز نشر نگرفته، گذر خان دومین رمانش به حساب می‌آید. او تجربه چندانی در نوشتن داستان نداشته و وجود ایرادهای فرمی در رمانش اجتناب‌ناپذیر است. کتاب نقاط ضعفی دارد که می‌توان از بسیاری از آنها به‌خاطر تازه‌کار بودن نویسنده گذشت یا برخی از نوآوری‌های محتوایی آنها را پوشش می‌دهد؛ ولی یکی از نقاط ضعف اصلی کتاب پایان‌بندی و پریش زمانی ناگهانی آن است و این مسئله‌ای نیست که به‌سادگی بتوان از آن چشم پوشید. ما در همان جمله اول رمان متوجه می‌شویم که ماجرا از سال ۱۳۵۳ شروع می‌شود و پس از آن نیز تا فصل ماقبل آخر داستان به‌صورت خطی پیش می‌رود؛ اما ناگهان با پرشی چند ساله در روایت مواجه می‌شویم و در ابتدای فصل آخر، نویسنده برخلاف فصل‌های پیشین زمان را هم وارد تیر کرده و می‌نویسد: تیر ۱۳۶۰، به گمانم اگر نویسنده سوز این فصل از کتابش را در آب نمک خیس می‌کرد و نوشتنش را موقوف می‌کرد به جلد دوم گذرخان و جایی در پایان رمان، مخاطب را با این انتظار به‌دنبال خود می‌کشید و کیفیت رمانش یک سر و گردن افزایش می‌یافت.

سرک کشیدن زیر پوست زندگی روحانیون یعنی قشری از جامعه که در فیلم‌ها و داستان‌ها همیشه بخشی کلیشه‌ای از زندگی‌شان را دیده‌ایم، موضوعی مخاطب کنجکاوی را به سمت خود می‌کشد

خصوص موضوع صحبت می‌کردم به این نتیجه رسیدیم که به موضوعی بپردازیم که کمتر شنیده شده و در آن مورد کار کنیم. هم در عرف، مذهب و در فرهنگ سنتی ما احترام به پدر و مادر در آن تأکید شده اما متأسفانه در جو حاکم در فضای مجازی که راه افتاده، پدر و مادرها مورد هدف قرار گرفتند و تیپ شدند. ما فکر کردیم هر فرزندی یکسری مسائل و حرف‌هایی در رابطه با پدر و مادرش دارد که بخواهد بیان کند که شنیده و بیان نشده، بنا بر حرمت‌هایی که وجود داشته است. گلایه‌ها و نقدهایی نیز در این رابطه وجود دارد. ما خواستیم صدای فرزندان را بشنویم. چرا که رفتار پدر و مادرشان روی زندگی آنها تأثیر می‌گذارد. ما در این اثر تلاش کرده‌ایم تا این صدا را بشنویم.

طرح جلد اثر چگونه خلق شد؟

انتخاب طرح جلد برعهده نشر مهرستان بود. خودشان براساس گرافیکی که داشتند طرح جلد را مشخص کردند و برای من فرستادند و من هم استقبال کردم. البته دیگر نویسندگان موافق این طرح جلد نبودند و احتمال اینکه در چاپ بعدی طرح تغییر کند، زیاد هست.

شما و دیگر نویسندگان از اینکه بخشی

از زندگی خانوادگی تان فاش شود، نگران نبودید؟

حقیقتاً خیر. من و نویسندگان دیگر خیلی باهم صحبت کردیم. با توجه به اینکه خودافشاگری یک بخش مهمی از ژانر ناداستان است و برخی از نویسندگان نوقلم بودند، ما قدم به قدم با یک روشی جلو رفتیم تا برسیم به آن بخشی از حقیقت که قابل بیان شدن است. یعنی رضایت همگانی برای بیان روایت‌ها وجود داشته و هیچ اجباری در کار نبوده است.

تا به حال از طرف مخاطبان اثر چه

بازخوردهایی داشتید؟

بازخوردهایی که من به‌شخصه گرفتم یا عوامل نشر یا دیگر نویسندگان به من منتقل می‌کنند، خدا را شکر بازخوردهای خیلی خوبی بود، همدلانه بود. اکثر خواننده‌ها روایت‌ها را با روایت زندگی خودشان نزدیک دانستند و با راوی همدلی کردند. البته این نظر به من منتقل شده که صدای زنانه در اثر خیلی زیاد است. کاملاً قبول دارم چون در اثر دو نویسنده آقا داریم و بقیه نویسندگان هم هستند و این به این دلیل هست که اغلب شاگردهای من در کارگاه ناداستان خانم بودند و عمدی در کار نبوده. ان‌شاءالله در کتاب‌های بعد این صدا مشترک‌تر شود.

مرز بین داستان و ناداستان کجاست؟

فرق این دو در یک کلمه است. واقعیت. ناداستان ریشه در واقعیت دارد و نویسنده باید درباره یک واقعیتی که به آن وفادار هستید، بنویسد. در داستان هم نیازی نیست که نویسنده حتماً وفادار به بیان واقعیت باشد. شاید واقعیت را بنویسد اما می‌تواند و مجاز است که براساس واقعیت ننویسد.

به‌عنوان دبیر مجموعه، به جز روایت

خودتان از بین روایت‌های دیگر اثر با کدام

روایت ارتباط برقرار کردید؟

من همه روایت‌های این اثر را به یک اندازه دوست داشتم چون تک به تک درباره موضوع‌ها باهم کار کردیم. روایت‌ها رفت و برگشت داشت. ادیت‌های زیادی داشتیم تا در نهایت یک خروجی خوبی داشته باشیم. اما اگر بخواهم از جهت حس انتخاب کنم با روایت خانم موسوی و خانم مردای بیشتر ارتباط برقرار کردم چرا که روایت آنها در مورد مادرهایشان است. روایت زندگی خانم موسوی خیلی شبیه زندگی خودم بود و با خواندن روایت ایشان خیلی احساس نزدیکی و همدات‌پنداری کردم.

و این دقیقاً کار روایت‌نویسی است. در روایت جویری می‌نویسیم که حس همدات‌پنداری مخاطب را داشته باشیم.

فرق جستار با روایت چیست؟

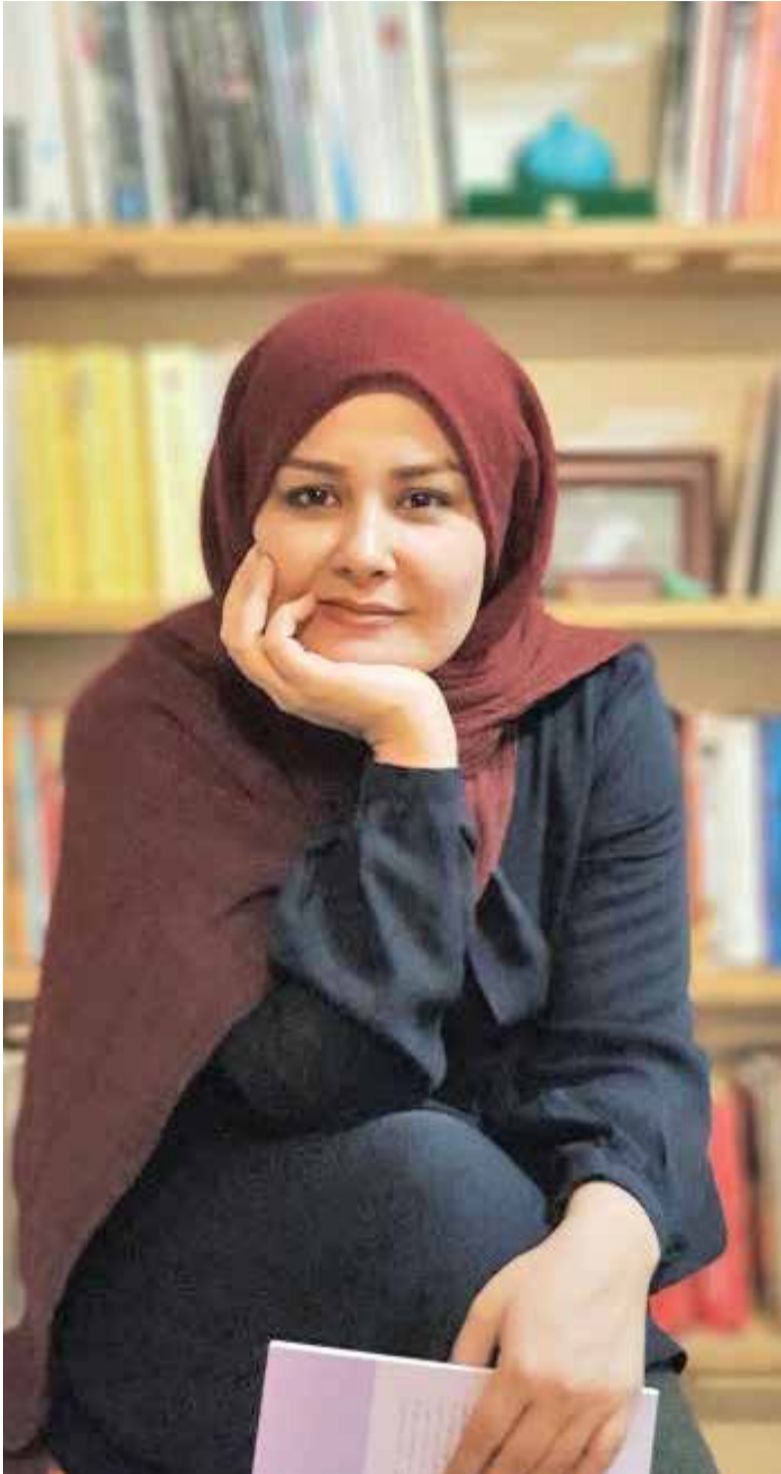
فرقی با هم ندارند. روایت ترجمه‌ای از کلمه فرانسوی (essay) یا جستار در ترجمه فارسی. همگی یک محتوا هستند که در فضاهای مختلف با عنوان‌های مختلف از آنها یاد می‌شود. جدیدترین اثری که در دست نگارش دارید؟

ان‌شاءالله با نشر مهرستان کار جدیدی در زمینه روایت شروع کردیم که هنوز موضوع و نویسندگان مجموعه قطعی نشده‌اند.

در نهایت اگر حرفی باقی مانده است در

خدمت شما هستیم.

این اثر در بین خوانندگان به اسم من شناخته شده است. می‌خواستم بگویم این اثر برای من نیست. این کتاب دارای دوازده نویسنده است که همگی باهم یک مجموعه را تولید کردیم. من فقط مجموعه را جمع‌آوری کردم و در رفت و برگشت روایت‌ها و بازبینی آنها کمکی به دوستان نویسنده داشتم.



گفت وگویی کوتاه با مکرمه شوشتری دبیر مجموعه کتاب «از طرف فرزند کوچک شما»

## نامه‌ای جمع‌وجور از فرزندان به پدر و مادر گرامی!

ایهام قاسمی

خبرنگار

مکرمه شوشتری که کتاب «از طرف فرزند کوچک شما» توسط او گردآوری شده است، ساعتی میهمان ما بود و از اتفاقاتی که منجر به انتشار این مجموعه شد با ما به‌گفت‌وگو پرداخت. او معتقد است که ما در زمینه فهم نیازهای فرزندان در خانواده آنچنان هم خوب عمل نکرده‌ایم و این کتاب تلاشی است برای درک بهتر فرزندان خانواده‌های ایرانی.

ایده اولیه کتاب «از طرف فرزند کوچک شما» از کجا شکل گرفت؟

همان‌طور که می‌دانید اثر را نشر مهرستان چاپ کردند. از آنجایی که نشر مهرستان آثاری با محوریت خانواده تولید می‌کند، من با آقای امیری که مسئول بخش بزرگسال نشر و مدیر تولید این اثر هم هستم، گفت‌وگو‌هایی داشتیم در خصوص اینکه بیایم و یک مجموعه روایت با محوریت خانواده تولید کنیم و در این مجموعه از قلم نونویسان استفاده کنیم.

این ایده که از نگاه فرزندان به مسئله خانواده پرداخته شود هم با توافق طرفین بود؛ صدایی که تاکنون شنیده نشده و مسائل و معضلاتی که تاکنون گفته نشده است. در واقع روایت از دیدگاه فرزندی را من مطرح کردم و ایشان هم موافقت کرده و در شورا اعلام کردند و طرح و ایده پذیرفته شد و کار شروع شد.

از چه طریق با نشر مهرستان و آقای امیری هنزایی آشنا شدید؟

باب آشنایی ابتدا از طرف آقای امیری بود. ایشان در یکی از کارگاه‌های من که با محوریت ناداستان بود و به‌صورت مجازی در مدرسه هنر اسلامی برگزار شد به‌صورت آنلاین

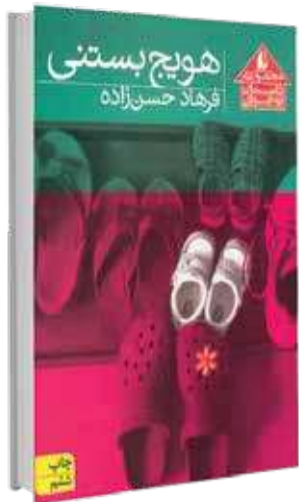


بازخوردهایی که من به‌شخصه گرفتم یا عوامل نشر یا دیگر نویسندگان به من منتقل می‌کنند، خدا را شکر بازخوردهای خیلی خوبی بود، همدلانه بود. اکثر خواننده‌ها روایت‌ها را با روایت زندگی خودشان نزدیک دانستند و با راوی همدلی کردند



## کتاب

هر آنچه که در رابطه با کتاب می خواهید بدانید



### جمع داستان‌های خوب جمع است

هویج بستنی  
برای روزهای تابستانی

محمدحسین رضائی  
دانش آموز کلاس دهم

«شانس آوردیم آن سال به بابا معوقه دادند، و گرنه خرج بیمارستانم از کجا باید می‌رسید؟ تازه، در آن تعطیلات باشکوه و باحال دو تا کتاب هم خواندم؛ یکی درباره دیدنی‌های فرانسه و یکی هم درباره دیدنی‌های سوئیس. نباید پیش سیامک کم می‌آوردم!»

داستان کوتاه خوب، روز آدم را می‌سازد. حتی اگر روز آدم را هم نسازد، برای ساعتی یا در بدترین حالت برای لحظاتی آدم سر حال می‌شود. مخصوصاً این داستان‌های نوجوان که معمولاً درونش اتفاقات جالب و عجیب زیادی می‌افتد. کتاب هویج بستنی هم از همین سری مجموعه داستان‌هاست. ۱۰ داستان چهار، پنج صفحه‌ای که هر کدام ماجرای خاص خودشان را می‌سازند. در بین این ۱۰ داستان، حداقل پنج تایش آدم را سر ذوق می‌آورد و از خریدن کتاب پشیمان نمی‌کند. برای مثال در یکی از داستان‌ها ماجرای دختری می‌گذرد که پدر و مادرش به میهمانی رفته‌اند و او در خانه تنهاست. می‌خواهد از فرصت استفاده کند و به جای درس خواندن که اولویت والدینش است، بنشیند و سیدی فیلمی که از دوستش گرفته را بگذارد و ببیند. ولی داستان به همین سادگی نمی‌گذرد و تا برگشتن پدر و مادرش هزار جور اتفاق برایش می‌افتد.

یاملاً داستان لطیف‌تری هم هست که خواننده را به فکر و می‌دارد. روایت مادر و دختری که به پیش دکتر می‌روند تا به درد ستون فقرات مادر برسند. از زمانی که ماشین‌شان را پارک می‌کنند تا رسیدن به درون کلینیک و گرفتن رسید برای ویزیت چندین بار متوقف می‌شوند. آدم‌هایی سر راهشان سبز می‌شوند که نقش نیازمند را بازی می‌کنند. هر کدام هم دلیل خودش را دارد و به این دلایل اعصاب دختر خراب می‌شود و بالعکس دل مادر می‌لرزد. دست آخر هم مادر کار خودش را می‌کند و کمک‌شان می‌کند. اما امان از آخر ماجرا که چرخ گردون به مراد این مادر و دختر نمی‌چرخد.

کتاب هویج بستنی نوشته آقای حسن‌زاده یک مجموعه کوتاه و مناسب برای اوقات فراغت و زمان‌های کوتاهی است که هر روز تلف می‌شوند. مطالعه هر داستانش بیشتر از ۱۰ دقیقه وقت نمی‌گیرد و ذهن را هم خیلی مشغول نمی‌کند. داستان‌ها همگی در عین سادگی ماجرا، حرف خودشان را دارند. علاوه بر جذابیت برای نوجوانان و حتی غیر نوجوانان، غرض نویسنده از نوشتن داستان‌ها را هم بیان می‌کنند. البته در بین این ۱۰ داستان شاید دو، سه اثر هم در حد عالی نباشد اما در کل کتاب شیوایی است.



### هنوز تابستان است!

باز هم کتاب تابستانی

مریم رحیمی پور  
خبرنگار

هفته‌ای که قرار بود در مورد کتاب‌های تابستانی بنویسیم، لیست بلندبالایی از کتاب‌های نوجوان تابستانه تهیه کردیم و مشغول خواندن و نوشتن یادداشت شدیم. به خودمان که آمدیم یادداشت‌های معرفی کتابمان بیشتر از اندازه صفحه‌مان شده بود؛ حالا چون هنوز تابستان ادامه دارد و چون تابستان بخشی مهمی از نوجوانی است؛ دو یادداشت باقی‌مانده از شماره تابستانه را به این شماره منتقل کردیم.

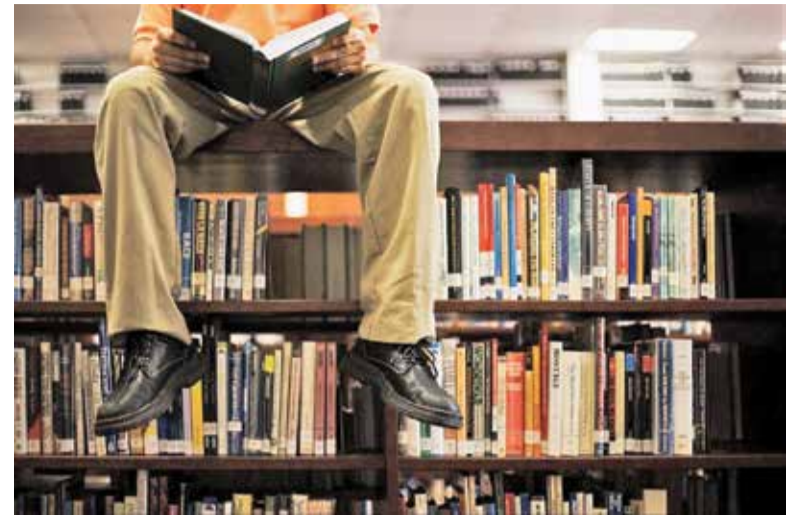
#### از تابستان امسال، تا تابستان سال دیگر

«از تابستان تا تابستان» ماجرای دختر و پسر نه ساله و روستایی، در نروز است که عادت دارند با هم دست‌های هم‌دیگر خرابکاری کنند. این کتاب ماجرای ساده یک سال زندگی آنهاست. از جشن تابستانه نه سالگی تا جشن تابستانه ده سالگی. زمانی که کتاب را خریدیم و خلاصه‌اش را خواندم به نظم داستان خیلی جذابی نمی‌آمد به همین خاطر خواندنش را تا چند سال بعد عقب انداختم اما کاملاً متفاوت با تصوراتم بود. اگر شما هم کتاب‌هایی مثل هاکلبری فین، نیکولا کپولو و مانولیتورا خوانده باشید احتمالاً متوجه خواهید شد که نوجوان‌های این کتاب چه حال و هوایی دارند. خرابکاری‌هایشان در هر بخش باعث خنده‌ام می‌شد؛ خصوصاً جایی که «تریل» به پدرش قول می‌دهد که دیگر کارهای بدش را تکرار نکند و پدرش با عصبانیت می‌گوید که او هیچ وقت یک کار را دو بار تکرار نمی‌کند و هر بار ایده‌های جدیدی برای خرابکاری دارد. یکی از نکاتی که این کتاب را با باقی رمان‌های نوجوانی که امروز محبوب پچه‌هاست متفاوت کرده، زمان و مکان داستان است. برخلاف اغلب رمان‌های نوجوان که فضایی شهری و امریکایی دارند، این داستان فضایی روستایی دارد و در نروز اتفاق می‌افتد. به همین خاطر به جای مدرسه‌های بزرگ و پرجمعیت و سالن غذاخوری و اتوبوس مدرسه و... با گاو و گوسفند و مزرعه و چیزهایی از این جنس روبه‌رو می‌شویم که همین نکته تجربه جدیدی را برای خواننده رقم می‌زند.

#### خاطرات یک تابستان

کتابخوان خوشبختی بودم که درست بعد از خواندن «از تابستان تا تابستان» کتاب «خاطرات یک تابستان» دستم آمد. روی جلد کتاب نوشته بود که این کتاب، کتاب موردعلاقه‌ات خواهد بود ولی در همان صفحات اولیه، وقتی دو پسر بچه داستان تصمیم گرفتند خواهر کوچکشان را با وسایل آتش‌بازی معاوضه کنند و در نهایت گرفتار تنبیه سختی شدند؛ متوجه شدم که این کتاب هم از آن جنس کتاب‌های موردعلاقه من است. ماجرای بچه‌های خرابکار و خنده‌دار. همین‌طور هم بود. پسرها بعد از تنبیه سنگین‌شان دست از خرابکاری نکشیدند و تصمیم گرفتند همراه با پسر همسایه که به نظر موجود عجیب و غریبی هم می‌آمد پول‌هایشان را جمع کنند و یک

موتورسیکلت بخرند. فلسفه و برنامه عجیبی هم برای خرید موتورسیکلت داشتند که باعث می‌شد مخاطب هر لحظه از خودش بی‌رسد: «موفق می‌شوند یا نه؟ کجای داستان قرار است لو برونند و به دردرس بیفتند؟» اما همه داستان در ماجرای چند نوجوان خرابکار خلاصه نمی‌شد. تقریباً همه شخصیت‌ها سیاهپوست بودند و اصلاً به همین خاطر هم رؤیای خریدن موتورسیکلت به سر پسر بچه‌ها افتاده بود. پدر بابی جین و کیلب، دو شخصیت اصلی داستان، اجازه نمی‌داد که آنها از شهر محل زندگی‌شان دور شوند، حتی اجازه نداشتند با مدرسه برای بازدید موزه کودکان بروند. در خلال داستان مشخص می‌شود که نگرانی پدر به خاطر مشکلاتی است که ممکن است برای سیاهپوستان به وجود بیاید. اما کیلب این چیزها سرش نمی‌شود و می‌خواهد هر طور که شده خودش را به موزه کودکان برساند. از طرفی استایکس، پسر همسایه آنها، کودکی بی‌سپرست است که توسط سپرپرست‌های موقت نگهداری می‌شود. کیلب به خاطر وضعیت خانواده‌اش بیش از اندازه غر می‌زند و ناله می‌کند اما به تدریج متوجه می‌شود که چنین خانواده‌ای آرزوی بچه‌هایی مثل استایکس است و اتفاقات معمولی زندگی آنها برای بچه‌هایی مثل او هیجان‌انگیز و بازنکردنی است و رؤیای «فوق‌العاده» و «غیرمعمولی» بودن برایش رنگ‌وبوی دیگری می‌گیرد. مهم‌ترین نکته این است که نویسنده هیچ کدام از این پیام‌ها را مستقیم به مخاطب منتقل نمی‌کند. داستان از زبان کیلب است و او هم پسر لجاجت و سر به‌هواست. این نتایج در نهایت از بین افکار درهم‌ریخته کیلب به خواننده منتقل می‌شود.



## موجودی زنده به نام کتابخانه

تجربه‌ای از کتابداری از راه دور

ناهد روستایی  
کتابدار

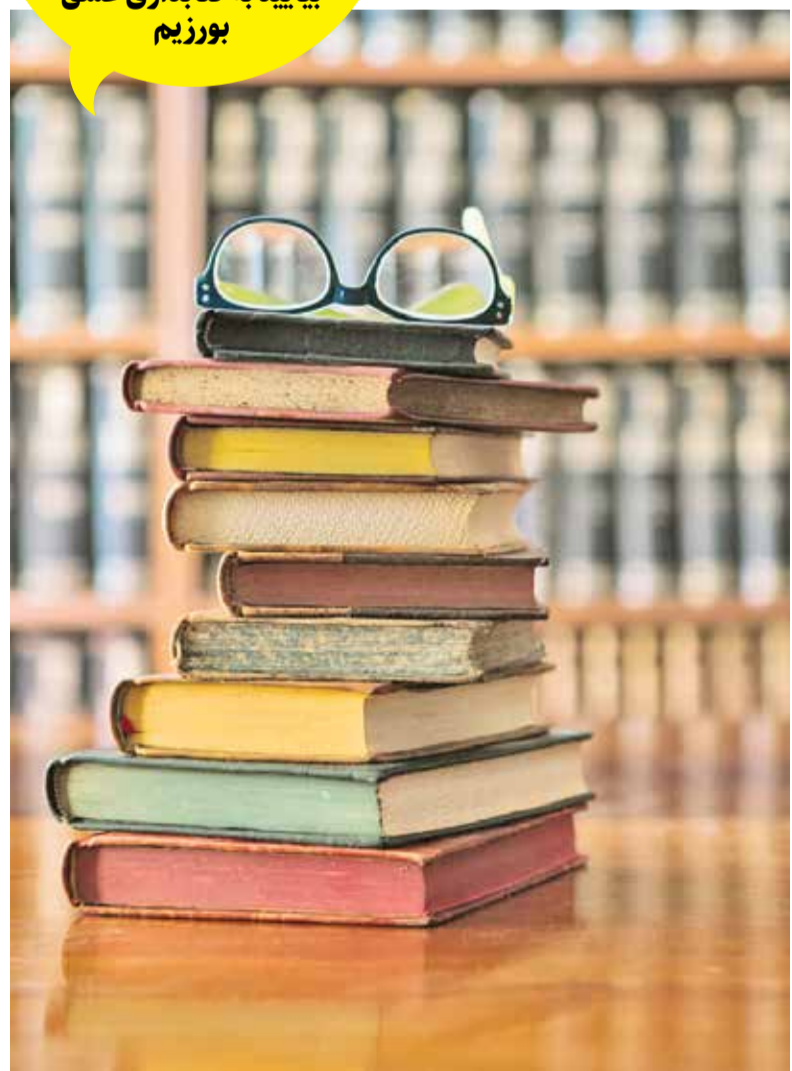
را به دست کاربران رساند و کاربران هم می‌توانند در آن نظرات خود را بیان کرده و برای ما ارسال کنند. برخی از قالب‌های این وبسایت رایگان بوده و می‌توان مورد استفاده عام قرار گیرد.

ایده مجله تعاملی پخته‌تر شد و به صورت ماهنامه منتشر می‌شد. اوایل کار تقریباً تمام صفحات مجله را خودم می‌نوشتیم که شامل سخن سردبیر، خنده و سرگرمی، معرفی کتاب، داستانک، اخبار مدرسه، معرفی فیلم، انیمیشن‌های کوتاه انگیزشی و پیستان بود. کم‌کم دانش‌آموزان متوجه مجله و عده‌ای پای ثابت آن شدند، که بعدها همین افراد خودشان در تهیه ماهنامه همکاری می‌کردند.

مجله تعاملی تجربه جالبی و تا حدود زیادی هم موفق بود و بازخوردهای جالبی هم داشت مثلاً بعضی از دانش‌آموزان فقط در ایام امتحانات برای سرگرمی و کاهش استرس به سراغ مجله می‌رفتند و مجله‌های قدیمی را می‌خواندند و بازخورد می‌فرستادند.

یکی از پنج اصل رانگانان که از جمله مهمترین اصول کتابداری است، می‌گوید: «کتابخانه موجودی زنده و پویا است.» یکی از ستون‌های پویا نگه داشتن کتابخانه‌ها کتابداران هستند. بیا بید به کتابداری عشق بورزیم.

یکی از پنج اصل رانگانان که از جمله مهمترین اصول کتابداری است، می‌گوید: «کتابخانه موجودی زنده و پویا است.» یکی از ستون‌های پویا نگه داشتن کتابخانه‌ها کتابداران هستند. بیا بید به کتابداری عشق بورزیم



داستان کوتاه خوب، روز آدم را می‌سازد. حتی اگر روز آدم را هم نسازد، برای ساعتی یا در بدترین حالت برای لحظاتی آدم سر حال می‌شود. مخصوصاً این داستان‌های نوجوانی که معمولاً درونش اتفاقات جالب و عجیب زیادی می‌افتد

# زندگی

یادداشت

## آرامش کشکی

آیه طابقی  
دبیر گروه زندگی

من آدم معتاد شونده‌ای هستم. تفاوتی هم ندارد، به اشیا، خوراکی یا آدم‌ها وابستگی عاطفی-ذهنی پیدا می‌کنم. مثلاً اگر یک هفته از دوستم خبر نداشته باشم، حالم بد می‌شود. هم ذهنی به هم می‌ریزم و هم جسمی دیگر به قاعده نیستم.

چند روز پیش، جایی در میانه‌شب دخترم به خاطر کابوسی که دیده بود بیخ و بیخ و گریه از خواب پرید، بیدار شدم و در کسر ثانیه خودم را به اتاقش رساندم. چند دقیقه بعد حال دخترم خوب شده بود و دوباره به خواب رفته بود اما من دیگر به خاطر تپش شدید قلب و استرسی که گرفته بودم خوابم نمی‌برد. موبایلم را برداشتم و روی میل لم دادم، کوچکترین نشانه‌ای از خواب در چشمانم نبود و به لطف ساعت‌های عجیب امسال و ساعت غیرقابل باور اذان صبح تصمیم گرفتم کاملاً بیدار بمانم، نمازم را بخوانم و بعد تلاش کنم برای کمی بیشتر خوابیدن.

به طرف آشپزخانه رفتم و کابینت خوراکی‌ها را زیر و رو کردم، کشک‌چیسی مورد علاقه‌ام تمام شده بود. عصبی شدم. دوباره روی میل لم دادم. به خودم آمدم دیدم دارم با شدت پام را تکان می‌دهم، موبایل را برداشتم و چک کردم ببینم سوپرمارکت شبانه‌روزی اطراف خانه‌مان هست یا نه، نبود. یک پیش سفارش ثبت کردم برای یکی از سوپرمارکت‌ها که ۷:۳۰ صبح ارسال می‌کرد و از باقی‌شان زودتر بود.

بیدار ماندم تا پیک آمد و سفارش‌هایم را آورد. وقتی بسته کشک‌چیسی را باز کرده بودم و داشتم تند تند کشک می‌جویدم به این فکر کردم که چرا آنقدر این خوراکی ساده برایم جذاب شده؟ چرا به آن وابستگی پیدا کردم؟

به جواب دقیقی نرسیدم اما دلیلی هم برای کنکاش بیشتر نداشتم. شاید به خاطر نمک باشد، شاید به خاطر تردی و صدایش باشد. شاید به خاطر طعم نوستالژی کشک باشد، نمی‌دانم.

هرچه که هست وقت‌های بی‌قراری و استیصال، وقت‌هایی که زندگی آن روی سختی را نشان می‌دهد، وقت‌های سختی مفرط به دادم، چرا می‌رسد، ذهنم را آرام می‌کند. چرا باید حتمی ته قضیه را در بریارم و بفهمم چرا؟ من به آن آرامش نیاز دارم فقط.

ویتامین‌ها، ریزمغذی‌های بزرگ!

# زنگ خطر سلامتی

فاطمه زارع جعفری

نویسنده

در زندگی شلوغ و پرسرعت امروز، همه ما ممکن است برای زمانی طولانی احساس خستگی و ضعف داشته باشیم، ریزش موی شدیدی شویم، پوستمان خشک و کدر شود یا حتی خلق و خویمان تغییر کند. دلیل همه اینها را می‌توانیم در چیزهایی که می‌خوریم و نمی‌خوریم جست‌وجو کنیم. افزایش ساعات کار و در نتیجه آن، عدم توجه کافی به تغذیه سالم ما را به سمت غذاهای سریع و سبک زندگی ناسالم پیش می‌برد. یکی از نتایج این سبک زندگی، می‌تواند کمبود انواع ویتامین‌ها و مواد مغذی در بدن ما باشد که موجب می‌شود احساس کنیم چیزی در بدن ما به درستی کار نمی‌کند. در حقیقت کمبود ویتامین می‌تواند وضعیتی بین سلامتی و بیماری باشد که در صورت عدم توجه و رسیدگی به‌موقع به بیماری تبدیل شود. کمبود ویتامین‌ها، زنگ خطر برای سلامت انسان است.

### ویتامین چیست؟

ویتامین‌ها ریزمغذی‌هایی هستند که در سلامت انسان نقش ضروری دارند. بدن انسان برای انجام فعالیت‌های حیاتی خود به ویتامین‌ها نیاز دارد، اما خودش نمی‌تواند بسیاری از آنها را تولید کند. ما از طریق مواد غذایی که می‌خوریم این ویتامین‌ها را به بدنمان می‌رسانیم. بنابراین رژیم غذایی سالم و مغذی در دریافت میزان مناسب از ویتامین‌ها توسط بدن بسیار مؤثر است.

### انواع ویتامین‌ها

نحوه جذب ویتامین‌ها در دو دسته بندی می‌گنجند:

#### ۱- ویتامین‌های محلول در آب

ویتامین‌های گروه B و ویتامین C ویتامین‌هایی هستند که هنگام گوارش از طریق روده جذب می‌شوند و مقادیر اضافه آنها به راحتی به صورت محلول در آب از راه ادرار دفع می‌شود. مصرف زیاد ویتامین‌های محلول در آب منعی ندارد و فقط در صورت تزریق زیاد ممکن است مسمومیت ایجاد کند.

#### ۲- ویتامین‌های محلول در چربی

ویتامین‌های A، K، E و D محلول در چربی هستند، به این معنی که برخلاف ویتامین‌های محلول در آب، این ویتامین‌ها به همراه چربی جذب می‌شوند و به همین دلیل برای جذب به صفر نیاز دارند. این ویتامین‌ها در چربی‌های بدن ذخیره می‌شوند و مقادیر اضافه آنها از راه مدفوع دفع می‌شود. مصرف

زیاد ویتامین‌های محلول در چربی می‌تواند منجر به مسمومیت شود و مصرف مکمل‌های شامل این ویتامین‌ها باید تحت نظر پزشک و با توجه به نتایج آزمایشات فرد انجام گیرد.

علائم کمبود ویتامین‌ها در بدن درست است که کمبود هر ویتامین در بدن با علائمی همراه است، اما باید توجه داشت که تنها راه برای تشخیص درست و واقعی کمبود ویتامین‌ها در بدن انجام آزمایش خون است. چکاپ دوره‌ای این امکان را به شما می‌دهد که در کوتاه‌ترین زمان ممکن از نیازهای بدن خود مطلع شوید و برای رفع این نیازها اقدام کنید.

بدن انسان برای انجام فعالیت‌های حیاتی خود به ویتامین‌ها نیاز دارد، اما خودش نمی‌تواند بسیاری از آنها را تولید کند. ما از طریق مواد غذایی که می‌خوریم این ویتامین‌ها را به بدنمان می‌رسانیم

۱- علائم کمبود ویتامین A نقش اصلی ویتامین A در بهبود بینایی چشم و دید در شب است، اما در داشتن پوست، روده و دستگاه تنفسی سالم نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. خشکی پوست و چشم و اختلال در دید شبانه از علائم مهم کمبود ویتامین A هستند.

۲- علائم کمبود ویتامین B گروه ویتامین B شامل هشت ویتامین است که از سیستم عصبی محافظت می‌کنند. کمبود ویتامین B1 سبب بی‌اشتهایی، ضعف عضلانی، تهوع و ضایعات پوستی می‌شود. آفت و زخم‌های دهانی نیز از اثرات کمبود آهن و ویتامین‌های B1، B2 و B6 است.

شوره سر ممکن است به دلیل کمبود B2، B3، B6 باشد. ویتامین B3 برای سالم ماندن موها لازم و ضروری است و ویتامین B7 از ریزش

موها جلوگیری می‌کند. کمبود ویتامین B6 موجب مشکلات پوستی و عصبی می‌شود و در بلندمدت، کمبود شدید آن می‌تواند فرد را به بیماری صرع مبتلا کند. مصرف ویتامین B9 در بارداری بسیار ضروری است، چرا که کمبود آن می‌تواند جنین را به نقص سیستم عصبی مبتلا کند. کم‌خونی نیز از علائم کمبود این ویتامین است. البته ویتامین B12 نیز در بروز کم‌خونی و ضعف حافظه مؤثر

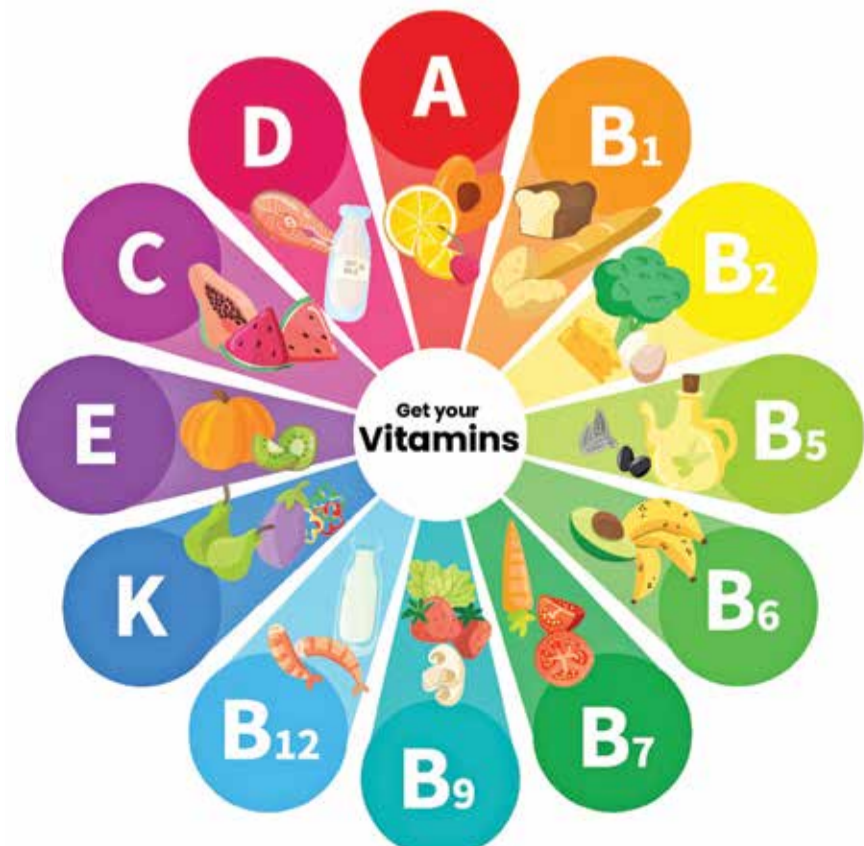
است و خستگی زودرس از اثرات کم‌خونی است.

اگر سوزن سوزن شدن دست و پا، سردرد، خستگی و گرفتگی عضلات را تجربه می‌کنید احتمالاً دچار کمبود ویتامین B5 هستید.

۳- علائم کمبود ویتامین C یکی از مهم‌ترین ویتامین‌ها برای تقویت سیستم ایمنی بدن ویتامین C است. مصرف ویتامین C جذب آهن را بالا می‌برد و در کاهش کم‌خونی مؤثر است. درد مکرر استخوان‌ها و مفاصل، خونریزی لثه، ضعف و خستگی، ریزش مو، ترمیم آهسته زخم‌ها، افزایش وزن و خشکی پوست می‌تواند از علائم کمبود ویتامین C در بدن باشند.

۴- علائم کمبود ویتامین D کمبود ویتامین D نه تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان بسیار شایع است. این ویتامین به تقویت استخوان‌ها کمک می‌کند و کمبود آن در بلندمدت سبب پوکی و شکنندگی استخوان می‌شود.

کم‌خونی و ضعف حافظه مؤثر





## تماشای اخبار همراه کودکان یا خواندن پیام‌های گروه‌های خانوادگی یا خبرگزاری‌ها در جمع خانوادگی بدون توجه به سن کودکان آنها را با مسائلی خارج از رده سنی‌شان آشنا می‌کند



با ورود به مدرسه و تجربه اولین جامعه بزرگتر از خانواده و آشنا شدن با طیف وسیعی از مردم با فرهنگ‌های متنوع، کنترل ورودی‌های ذهنی کودک تقریباً غیرممکن می‌شود و والدین فقط می‌توانند سازند تا در مواجهه با اخبار و مسائل مختلف دچار خودباختگی و فروپاشی ذهنی نشود

از خانواده و آشنا شدن با طیف وسیعی از مردم با فرهنگ‌های متنوع، کنترل ورودی‌های ذهنی کودک تقریباً غیرممکن می‌شود و والدین فقط می‌توانند سازند تا در مواجهه با اخبار و مسائل مختلف دچار خودباختگی و فروپاشی ذهنی نشود. ابتدا قدرت «نه» گفتن را در کودک تقویت و افزایش دهیم. این مستلزم آن است که والدین ابتدا خودشان تحمل نه شنیدن از کودکشان را داشته باشند. در واقع اولین نه را کودک به والدینش می‌گوید و در برابر حرف و عمل آنها می‌ایستد. واکنش والدین در این اولین‌ها، ادامه مسیر در کودک را شکل می‌دهد و او را وادار به تصمیم می‌کند که آیا در ادامه روابط هم «نه» بگوید و در برابر رفتار دیگران تسلیم و سر به زیر باشد یا نه! این مهارت و توانایی، موجب می‌شود که حرف دیگران را ابراحتی نپذیرد، در برابر آن تأمل کند و فعالانه در رابطه به فعالیت بپردازد. حالا می‌توانیم از خودمان بپرسیم که اخبار، کجای دنیا کودکان و نوجوانان است؟ چقدر برایشان مهم است؟ این روزها که در محاصره انواع خبر راست، دروغ و ساختگی قرار گرفته‌ایم. چه ابزارهایی را در اختیارش قرار دهیم تا در زمان و مکان مناسب از آنها استفاده کند.



درست است که کمبود هر ویتامین در بدن با علائمی همراه است، اما باید توجه داشت که تنها راه برای تشخیص درست و واقعی کمبود ویتامین‌ها در بدن انجام آزمایش خون است

می‌شود. این ویتامین به انعقاد و لخته شدن خون کمک می‌کند. خونریزی دستگاه گوارش و وجود کبود شدن راحس بدن، اختلال در لخته شدن خون، آسیب‌پذیری لته و خونریزی‌های شدید ماهانه از علائم کمبود ویتامین K هستند.

### مکمل‌ها

مصرف ویتامین‌ها برای حفظ سلامت بدن بسیار مهم و ضروری هستند. اما باید توجه داشت که دست و پا از علائم کمبود ویتامین E هستند. درمان کمبود ویتامین E بهتر است به‌طور مستقیم تحت نظر پزشک انجام شود. **۶- علائم کمبود ویتامین K** ویتامین K دو نوع دارد که نوع K1 در مواد غذایی وجود دارد و نوع K2 به‌طور طبیعی در روده تولید

اگر به‌طور مکرر از درد استخوان‌ها، گرفتگی عضلات، اضطراب و افسردگی و یا فشار خون بالا رنج می‌برید به احتمال زیاد دچار کمبود ویتامین D هستید.

ویتامین E نیز به دلیل خواص آنتی‌اکسیدانی به تقویت سیستم ایمنی بدن کمک می‌کند. مشکل در راه رفتن و هماهنگی تعادل، ضعف و درد عضلانی، ضعف بینایی، خستگی و سوزن سوزن شدن دست و پا از علائم کمبود ویتامین E هستند. درمان کمبود ویتامین E بهتر است به‌طور مستقیم تحت نظر پزشک انجام شود. **۶- علائم کمبود ویتامین K** ویتامین K دو نوع دارد که نوع K1 در مواد غذایی وجود دارد و نوع K2 به‌طور طبیعی در روده تولید

## در باب مواجهه کودکان و خبر

### چه خبر؟

الهام اسماعیلی  
نویسنده

مرضیه سادات با چشمانی نگران کنار میزم ایستاده بود و از مدرسه و روابط دخترها با هم برایم صحبت می‌کرد. می‌گفت: «ما از وقتی نرگس به دنیا آمد، تصمیم گرفتیم تلویزیون نداشته باشیم و با برنامه‌ریزی و داشتن سرگرمی‌های مختلف او را بی‌نیاز از رسانه و تلویزیون تربیت و از اثرات سوء وجود آن جلوگیری کنیم. روزگار خوشی داشتیم، دختر دوم هم که به دنیا آمد، با هم لحظات شادتری را تجربه کردیم. حالا نرگس کلاس چهارم است و با توجه به اوضاع ملتهب جامعه و لبریز شدن از اتفاق‌های تلخ و دردناک هر روز اخبار متنوع و گاه نادرستی را از مدرسه به خانه می‌آورد. بعد از دوران پاندمی و اثرات واکنس‌ها و حالا این اتفاق‌ها و درگیری‌های خیابانی و ماجرای حمله به مدرسه‌ها، شور عجیبی بین بچه‌ها در خبررسانی به یکدیگر وجود دارد. نرگس به مادرش از یک خبر مربوط به واکنس و اثرات آن در افرادی که واکنس کرونا زده بودند، حرف زده بود. مادر با دلایل علمی خبر را برای او اصلاح و رفع نگرانی کرده بود. نرگس فردا در مدرسه به دوستش توضیح داده بود و او گفته بود: «داشته‌ام می‌کنی و این را در خبر ۲۰:۳۰ شنیدم.» نرگس با تعجب از مادرش پرسیده بود که: «۲۰:۳۰ دیگه چه؟» یا مثال‌های مختلف دیگری می‌زد که آقای خبرنگار، سلامی تو ۲۰:۳۰ این سؤال را از مردم پرسیده و نرگس هیچ یک از این افراد و برنامه‌ها را نمی‌شناخت. بین خودش و همکلاسی‌اش احساس فاصله و عدم تناسب می‌کرد. به خاطر نبود هیچ رسانه‌ای در منزل‌شان، اعم از تلویزیون و رادیو و حتی دستگاه بازی، حرف مشترکی با دوستانش نداشت. نرگس فقط کتاب می‌خواند و کتابخوان حرفه‌ای بود، ولی بین دانش‌آموزان مهجور بود. در سن پایین‌تر، بچه‌ها اقبال بیشتری به داستان و کتاب داشتند و حتی چندبار همکلاسی‌هایش را با خودش به کتابخانه آورد و مدتی را با هم در یک مکان امن

سپری کرده بودند. اما حالا بواسطه عدم اطلاع از اخبار روز در هر زمینه‌ای به سمت منزوی شدن می‌رفت. به نظر مادرش این گروه سنی به اخبار و آشنایی با خبرنگارها احتیاجی نداشت. کودکی نکردن، همپای بزرگسال زندگی و رشد کردن زود آشنا شدن با مسائل مختلف باعث می‌شود که اگر خانواده‌ای تصمیم گرفت در یک فضای سالم و طبیعی فرزندش را پرورش دهد، تغییر رویه دهد و برای تقویت احساس ارزشمندی کودک و نگه داشتن او در بین همسالانش، تلویزیون را به منزل آورد. آنها تصمیم جمعی گرفتند که در روز چند برنامه مهم را انتخاب، با هم تماشا و درباره آن گفت‌وگو کنند تا نرگس در میان همسالانش با نشاط و به روز بماند. این تماشای اخبار همراه کودکان یا خواندن پیام‌های گروه‌های خانوادگی یا خبرگزاری‌ها در جمع خانوادگی بدون توجه به سن کودکان آنها را با مسائلی خارج از رده سنی‌شان آشنا می‌کند. این مسائل ممکن است برای آنها اضطراب‌آور باشد و کودک هنوز به مرحله‌ای نرسیده که در برابر آنها تاب‌آوری و قدرت حل مسئله داشته باشد. کودکی که از قیمت انواع مایحتاج ضروری و مورد مصرف خانه باخبر است و در میان بزرگسالان و گاه دوستانش از روند صعودی قیمت‌ها و بی‌پولی اعضای خانواده صحبت می‌کند، شاید در ابتدا جذاب و بانمک به نظر آید. اما در لایه‌های زیرین ذهن کودک این مسئله به‌صورت یک بحران دائمی است که گریبان خانواده را گرفته و راه فراری از آن نیست. چون قادر به کمک و حل آن نیست و گذر از آن، خارج از توان کودک است، برای او ایجاد یک استرس پنهان می‌کند که به صورت‌های گوناگونی امکان بروز خواهد داشت. از شب اداری تا ناخن چویدن، پرخاشگری و گریه‌های ناگهانی و بی‌وقفه و... توصیه روانشناسان این است که کودک زیر ۷ سال را تا جای ممکن از شنیدن اخبار و در جریان گذاشتن اتفاق‌های روز دور نگه دارید. بزرگترها اجازه دهند تا بچه‌ها، کودکی کنند و از آنها بزرگسالانی در لباس کودک نسانند که حرف‌های بزرگتر از قد و سن‌اش می‌زند. با ورود به مدرسه و تجربه اولین جامعه بزرگتر

**مصرف ویتامین‌ها برای حفظ سلامت بدن بسیار مهم و ضروری هستند، اما باید توجه داشت که بهتر است این ویتامین‌ها توسط منابع طبیعی، غذاها و سبزیجات تأمین شوند و مصرف خودسرانه مکمل‌ها می‌تواند خطرآفرین باشد**

### منابع ویتامین‌ها

هر ماده غذایی می‌تواند شامل یک یا چند ویتامین باشد. اما برخی ویتامین‌ها منابع غذایی کمی دارند و در صورت نیاز با نظر پزشک باید توسط مکمل‌های غذایی و دارویی تأمین شوند.

#### ۱- منابع ویتامین A

میوه‌ها و سبزیجات برگ‌دار و زرد و نارنجی منابع خوبی از ویتامین A هستند. هویج، پرتقال، اسفناج، سیب‌زمینی، طالبی، گوشت گاو، شیر و تخم‌مرغ، کدو حلواپی، انبه، کلم سفید، کلم بروکلی، خربزه، هلو، زردآلو و گوجه‌فرنگی سرشار از ویتامین A هستند.

#### ۲- منابع ویتامین B

انواع حبوبات، تخم‌مرغ، انواع مغزهای گیاهی و آجیل، جوانه گندم، گوشت و مرغ، ماهی تن، غلات و لبنیات، سبزیجات نشاسته‌ای مانند سیب‌زمینی، ذرت و کدو حلواپی منابع غنی ویتامین‌های B1، B2، B6 و B12 هستند. علاوه بر اینها، موز، گل‌کلم، کلم بروکلی و اسفناج نیز حاوی ویتامین B12 هستند.

#### ۳- منابع ویتامین C

از مرکبات، کیوی، توت‌فرنگی، گوجه‌فرنگی، فلفل دلمه‌ای، اسفناج، طالبی، گل‌کلم، کلم بروکلی، هندوانه، آناناس، انبه و بسیاری از میوه‌ها و سبزیجات دیگر می‌توان به‌عنوان منابع غنی ویتامین C نام برد.

#### ۴- منابع ویتامین D

بهترین منبع ویتامین D نور خورشید است. اما منابع غذایی زیادی برای این ویتامین وجود ندارد و در بیشتر موارد کمبود این ویتامین با مکمل‌های دارویی درمان می‌شود. ماهی سالمون، لبنیات و شیر غنی شده با ویتامین D، آب پرتقال، قارچ‌هایی که زیر نور خورشید رشد کرده‌اند، جگر و زرده تخم‌مرغ حاوی ویتامین D هستند.

#### ۵- منابع ویتامین E

در مصرف مکمل‌های ویتامین E لازم است احتیاط کنید و این ویتامین را از طریق مواد غذایی دریافت کنید. انواع غلات کامل، روغن‌های گیاهی، دانه‌های مغزی و آجیل‌ها حاوی ویتامین E هستند.

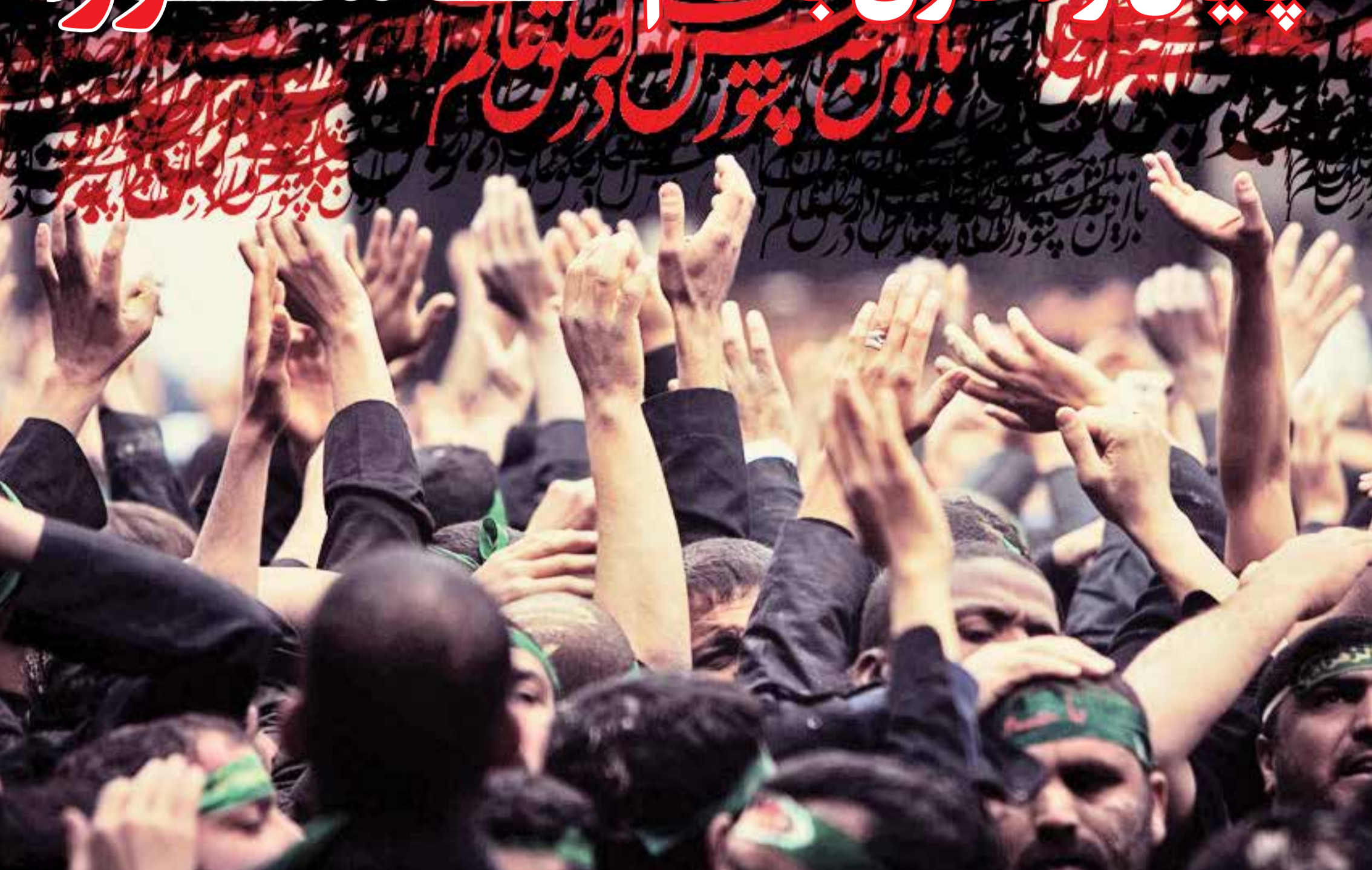
#### ۶- منابع ویتامین K

گیاهانی با برگ‌های سبز، مانند اسفناج، منبع غنی ویتامین K هستند. گل‌کلم، کلم بروکلی، جگر، نخود، شلغم، چای سبز و سویا نیز حاوی ویتامین K هستند.



هیأت‌ها با زندگی ما چه می‌کنند؟

# پایان و آغازی به نام عاشورا



حجت‌الاسلام محمد صدارت  
مبلغ مذهبی

محرم امسال هم تمام شد، البته نه، محرم ادامه دارد، نه فقط ادامه یک‌دهه آن که محرم در تمام زندگی دوستداران ابا عبد الله (ع) جریان دارد، اما دهه اول محرم که همه ما را دور هم جمع می‌کند به پایانش رسید، پایانی که نقطه آغاز است! یادش بخیر بچه که بودم، مادرم با زنان همسایه دهه اول را دور هم جمع می‌شدند و روضه می‌گفتند و ما هم کارمان از حضور در آغوش مادران مان شروع می‌شد تا بازی و دعوا در حیاط آن خانه‌های قدیمی! چه روضه‌هایی بود که فقط روضه و اشک نبود بلکه مشکلات همسایه‌هایمان نیز بی‌سروصدا حل می‌شد و جلو دعواها و طلاق‌ها گرفته می‌شد، حتی مادر رفیقمان که به خاطر مسائل فرهنگی و مذهبی اجازه نمی‌داد پسرش با ما بازی کند، به روضه می‌آمد و ما بچه‌ها بال در می‌آوردیم از اینکه می‌توانیم آزادانه با هم بازی کنیم. یادش بخیر آن تکیه‌ای که با اضافه‌های پارچه خیاط‌خانه مادر رفیقمان در وسط کوچه درست می‌کردیم! چقدر به مادرهایمان زور می‌گفتم بابت تأمین نیازهای تکیه و چه عجیب بود که آنها هم خلاف طول سال، با ما همراهی می‌کردند و بعد از عاشورا به خاطر آشتی‌کنان‌هایی که در تکیه بین بچه‌ها اتفاق افتاده بود، به ما جایزه می‌دادند.

برای من که بعد از طلبگی نیز با هیأت‌های کودکان و نوجوانان و روضه‌های خانگی سروکار دارم، هر سال این خاطره‌ها یادآوری می‌شود و غرق شدن در هیأت

بزرگسالان باعث دوری از آن خاطرات نشده است، بلکه در بزرگسالان هم وقتی هر شب بعد از مراسم، داش‌مشتی‌های محل دور هم می‌نشستند و در میان انبوه دود سیگارها به نوبت بانی برنج و گوسفند و روغن و... می‌شدند، شاهد آشتی‌ها و آغاز مجدد رفاقت‌ها بودم و لذت‌های محرم برایم استمرار پیدا می‌کرد. امسال که شهدا افتخار دادند و برای سخنرانی در کنار مزار دو شهید گمنام دعوت شدم، دیدم کنار گذاشتن اختلافات زیر پرچم ارباب سطح گسترده‌تری دارد؛ آنجا که چادری و مانتویی، بسیجی و غیربسیجی، ریش‌دار و بی‌ریش در کنار هم خادمی مجلس فرزند پیامبر (ص) را می‌کردند، دیگر بحث قهر و آشتی بچه‌ها و جلوگیری از طلاق یک همسایه نبود، بلکه اهالی یک شهر در سطح وسیعی دور هم جمع می‌شدند و بدون اینکه سابقه آشنایی و همسایگی داشته باشند، اختلافات سیاسی را کنار گذاشته و رفاقت‌های جدید را شروع می‌کردند.

این چه عشقی است که در دل عزادار آن شهید حی حاضر برافروخته شده و آتشش بدون توجه به رنگ و زبان و نژاد و قوم و ملیت، قلب دوست و آشنا و همسایه و همشهری را نیز روشن می‌کند؟! این چه نوری است که از آن به چراغ هدایت و کشتی نجات تعبیر کرده‌اند که نه تنها شیعیان بلکه افراد سایر مذاهب و ادیان را نیز نجات می‌بخشد و حتی بالاتر از آن، نه تنها انسان‌های معمولی بلکه پیامبر و دینش را هم نجات می‌دهد، تا آنجا که رسول گرامی اسلام (ص) نیز می‌فرماید:

این چه نوری است که از آن به چراغ هدایت و کشتی نجات تعبیر کرده‌اند که نه تنها شیعیان بلکه افراد سایر مذاهب و ادیان را نیز نجات می‌بخشد و حتی بالاتر از آن، نه تنها انسان‌های معمولی بلکه پیامبر و دینش را هم نجات می‌دهد

«من از حسین هستم!» اینکه می‌فرماید «انا من حسین» یعنی دین من از اوست، نشانگر این است که ارزش‌های دینی جامعه نیز توسط امام حسین (ع) و مجالس او زنده می‌شود تا جامعه به آنچه که خدا و رسولش انتظار دارند، نزدیک‌تر شود. در روایتی نبی مکرم اسلام (ص) انتظارات خودش از جامعه را این‌گونه مطرح می‌کنند که پنج دسته در بهشت همنشین من خواهند شد؛ راستگوترین‌ها، وفادارترین به عهد و پیمان، امانت‌دارترین‌ها، خوش‌اخلاق‌ترین‌ها و مردم‌دارترین‌ها. این روایت نشان می‌دهد کدام خصوصیات اجتماعی برای رسول خدا با ارزش‌تر و مهم‌تر است و اینها را در سایه همان رفاقت‌ها، آشتی‌ها و ازدواج‌های حاصل از مجالس عزاداری سیدالشهدا (ع) می‌توان یافت.

اشک بر امام حسین (ع) نور است و سبب پاکی می‌شود اما باید حواسمان را جمع کنیم که این نور و پاکی منحصر در زندگی فردی و شخص نمی‌شود بلکه با ایجاد این خصوصیت‌های اخلاقی ذکر شده، سبب نورانیت و پاکی جامعه می‌شود، پاکی جامعه نیز وحدت و یکرنگی و همدلی و هم‌بانی را افزایش داده و سبب تقویت جامعه ایمانی و تضعیف دشمنان خدا می‌شود و به همین دلیل است که امام صادق (ع) فرمودند: «هر که مصیبت ما را یاد کند و گریه کند و مردم را بگریاند، در روز قیامت در درجه‌های ما خواهد بود.» باید قدر بدانیم این عزاداری‌ها و اشک‌ها را که پایان دهه آن سرآغاز کنار گذاشتن اختلافات و ایجاد همدلی در راه رسیدن به اهداف متعالی است، چه تکیه کودکانه باشد، چه روضه خانگی و چه هیأت‌های محلی و بزرگ!





کمی درباره کپک‌ها بدانیم

## میهمان‌های ناخوانده کوچولوی پشمالوی رنگی!

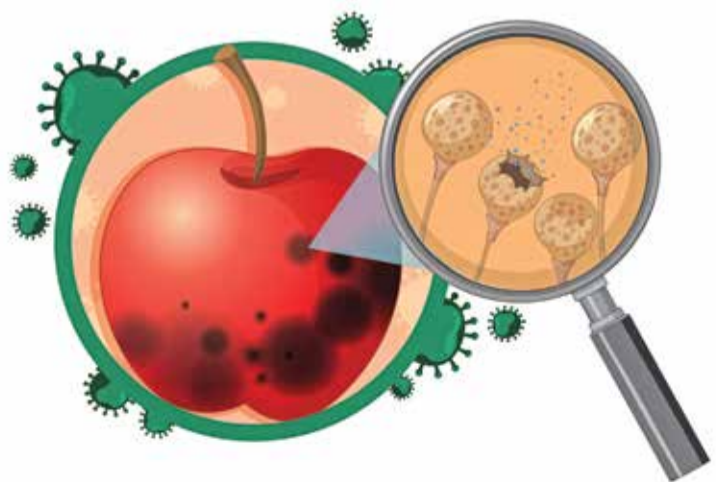
لم می‌دهد و این ریشه‌ها را در مواد غذایی می‌دواند. اگر چراغ‌ها را هم خاموش کنید و دما هم طوری باشد که پچسید، کامل و جامع حق میزبانی را بجا آورده‌اید. پس کپک‌ها می‌توانند در هر مکان مرطوبی تولید مثل کنند. هنگامی که هاگ کپک روی یک نقطه مرطوب در داخل خانه قرار می‌گیرد، ممکن است هر چیزی را تجزیه و هضم کند تا خودش را نجات دهد و زنده بماند.

زمانی که کپک‌ها در بخشی از میوه شروع به رشد می‌کنند به دلیل بافت نرم میوه و رطوبت بالای اغلب میوه‌ها، ریشه‌های کپک به راحتی می‌توانند به اعماق میوه نفوذ کنند بدون اینکه شما متوجه حضور آنها شوید! همچنین کپک‌ها غیر از مواردی که گفته شد، مواد و مولکول‌های دیگری نیز از خود ترشح می‌کنند. به عنوان مثال مواد سمی به نام میکوتوکسین تولید می‌کنند که به دلیل ماهیت آبدار بودن میوه به راحتی در بخش‌های دیگر نفوذ کرده و آن میوه را برای مصرف خطرناک می‌کنند.

از بین بردن کپک روی غذاهای سخت‌تر، مانند پنیر سفت، راحت‌تر است؛ می‌توانید قسمت کپک زده را جدا کنید. به طور کلی، غذای سفت یا متراکم به راحتی توسط کپک آلوده نمی‌شود. با این حال، اگر غذا کاملاً با کپک پوشانده شده است، باید دور ریخته شود. همچنین اگر کپک پیدا کردید، آن را بو نکنید، زیرا ممکن است باعث مشکلات تنفسی شود.

### کپک سبز روی میوه‌ها چیست؟

پنی سیلیوم دیجیتا توم (Penicillium digitatum) که علت کپک سبز مرکبات است در سال ۱۸۸۱ توسط ساکارو توصیف و طبقه‌بندی شد. میوه‌ها و سبزیجات با وجود اینکه سطوح سختی هم دارند، ممکن است مورد حمله کپک‌ها قرار بگیرند زیرا بافت زنده‌ای دارند و در این بافت‌ها مواد آلی مورد نیاز رشد کپک‌ها موجود است. باید گفت که همه کپک‌ها سمی نیستند و مواد سمی هم تولید نمی‌کنند اما باید توجه



سلول‌هایی تولید می‌کنند به نام هاگ که تقریباً اندازه‌اش نصف قطر یک تار موی انسان است و با این هاگ‌ها موجوداتی مانند خودشان را می‌سازند. سرعت تولید مثل آنها به گونه‌ای است که شما تا بروید یک دوش بگیرید، دو برابر شده‌اند؛ یعنی حدوداً هر ۲۰ دقیقه. غیر از این هاگ‌ها، کپک‌ها ریشه، ساقه و چیزهای دیگری هم دارند که شیطنت خود را تا حد امکان افزایش دهند. با توجه به ظرافت این نوع میهمان ناخوانده، هر چه جای نرم‌تری در اختیارش قرار بگیرد، راحت‌تر و بیشتر

### دوبرابر شدن در ۲۰ دقیقه

کپک یک نوع قارچ است که عمدتاً به صورت لکه‌های ریز و کلونی‌های دایره‌ای شکل، با رنگ‌ها و شکل‌های مختلف (عمدتاً سبز، سیاه، سفید و پشمکی) خودنمایی می‌کند. برای اینکه از رشد کپک‌ها جلوگیری کنیم و از اثرات آنها بیشتر بدانیم، مقداری به خلیات، وجنات و سکنات جنابشان می‌پردازیم:

گفتیم که کپک نوعی قارچ است؛ منتها میکروسکوپی (پس برای دیدن چیزهایی که می‌خوانید تلاش نکنید). کپک‌ها

چه گیاهی برای چه جایی مناسب است؟

## گلدان سبز آشپزخانه

نسرین تقی خانی

مهندس کشاورزی و مشاور نگهداری گیاهان آپارتمانی



با تولید اکسیژن به بهبود کیفیت خواب کمک می‌کند و باید از گیاهانی استفاده کرد که تولید اکسیژن دارند. بعضی از گیاهان نه تنها در شب اکسیژن تولید نمی‌کنند بلکه تولید دی اکسید کربن می‌کنند. گیاهانی از قبیل اسپاتی فیلوم، نخل شامادورا، پایتال، سانسوریا، دراسنا، گل زریبر، فیکوس، فیلودندرون، گندمی و... مناسب برای اتاق خواب هستند. این گیاهان به نور کم محیط مقاوم هستند و نیاز نوری بالایی ندارند. همچنین خاصیت تصفیه‌کنندگی بالایی دارند.

گیاه انتخابی برای آشپزخانه که محیطی با نوسان دمایی بالاست، باید مقاومت بالای دمایی داشته باشد. شرایط محیطی برای نگهداری گیاهان در آشپزخانه بسیار متفاوت از دیگر بخش‌های خانه است. این بخش دارای رطوبت بیشتری نسبت به پذیرایی و اتاق خواب است. دما مدام تغییر می‌کند و از نظر نور دریافتی بسیار متفاوت است. گیاهانی از قبیل لیندا، رزماری، انواع کاکتوس، پتوس، زاموفیلیا، سانسوریا، آکلونما، انواع فیلودندرون و... برای محیط آشپزخانه مناسب هستند. گیاهان سانسوریا، زاموفیلیا و آکلونما به راحتی به شرایط محیطی عادت می‌کنند. پتوس و فیلودندرون‌ها گیاهانی با نیازهای حداقلی هستند. رزماری گیاهی است که در شرایط مرطوب بهترین رشد خود را خواهد داشت.

حمام و دستشویی بخش‌های دیگر خانه با شرایطی مثل دما و رطوبت بالا و نور کم هستند که امکان رشد هر گیاهی را نمی‌دهند. آلوورا، بامبو، بگونیا، سرخس، برگ عبایی، آکلونما، دیفن باخیا، دراسنا، پایتال یا عشقه، ارکید، اسپاتی فیلوم، برگ انجیری، پتوس، سانسوریا، گندمی، زاموفیلیا و... می‌توانند انتخاب‌هایی برای این بخش‌های خانه باشند. این گیاهان مقاوم به نور کم بوده و به راحتی می‌توان آن‌ها را در این بخش‌ها نگهداری کرد.

نگهداری گیاهان آپارتمانی علاوه بر زیبایی و حفظ نشاط و شادابی، به تصفیه و پاکسازی هوا و کاهش بیماری‌ها کمک می‌کند. توجه به این نکته ضروری است که نگهداری همه گیاهان در آپارتمان مناسب نیست اما با افزایش شناخت نسبت به گیاهان و شرایط لازم برای نگهداری آنها و همچنین شرایط محیطی مورد نظر برای نگهداری، می‌توان گیاه مناسب را انتخاب کرد.

بهترین راه برای انتخاب گیاه برای بخش‌های مختلف خانه، توجه به نور و شرایط دمایی است. پذیرایی از بخش‌های شلوغ هر خانه محسوب می‌شود. با قرار دادن یک گلدان مناسب با این شرایط می‌توان به زیبایی این بخش از خانه توجه کرد. گیاهانی از قبیل: انواع فیکوس‌ها، آلوورا، اریکا پالم، انواع بنسای، پایتال یا عشقه، بامبو، زنبق، سرخس، پنجامین، انواع پتوس، نخل مرداب، دراکانا و... برای قرار دادن در پذیرایی مناسب است. این گیاهان اغلب دارای سایزهای مختلفی هستند که بسته به محل قرارگیری گیاه می‌توان سایز آنها را انتخاب کرد. گیاهان نخل مرداب و فیکوس‌ها از جهت نیاز کم به نور برای این بخش از خانه انتخاب می‌شود.

بیشتر گیاهان یاد شده، دارای خاصیت تصفیه‌کنندگی هواست و از این جهت حائز اهمیت است. بامبو گیاهی است که بدون نیاز به خاک رشد می‌کند.

گیاه مناسب برای اتاق خواب، گیاهی است که به بهبود هوای اتاق کمک کند. گیاه با تصفیه هوا فضای مناسبی برای خواب ایجاد می‌کند. همچنین همه گیاهان برای اتاق خواب مناسب نیستند؛ چرا که گیاه

گیاه انتخابی برای آشپزخانه که محیطی با نوسان دمایی بالاست، باید مقاومت بالای دمایی داشته باشد. شرایط محیطی برای نگهداری گیاهان در آشپزخانه بسیار متفاوت از دیگر بخش‌های خانه است





## جنگ روایت‌ها

معرفی کتاب «رسانه‌های مغرض: یا چگونه رسانه به ما می‌آموزد عاشق سانسور باشیم و از روزنامه‌نگاری متنفر». پرفروش‌ترین کتاب «یواس ای تودی» در سال ۲۰۲۱

الهام اسماعیلی  
نویسنده

می‌کند خبرنگارانی با تفکر مستقل در خبرگزاری‌ها فعالیت کنند. در اصل، او خبرنگارها و مدرسه خبرنگاری را مقصر این شرایط می‌داند: «بیشتر ما یک خط داستانی درباره خودمان داریم. چه سیاستمدار باشیم چه آدمی عادی برای تعریف کردن قصه خود، اطلاعاتی گزینشی را انتخاب می‌کنیم تا روایتی دلخواه از خویش ارائه دهیم. کمی شبیه این است که بخوایم کارزارهای برندسازی شخصی را پیش ببریم. ما این‌گونه از خودمان روایتی دلخواه می‌سازیم، حال چه متوجه آن باشیم چه نباشیم. بویژه اینکه امروزه در عصر اینترنت و رسانه‌های اجتماعی ما رسانه‌هایی در اختیار داریم که هفت روز هفته و به شکلی ۲۴ ساعته می‌توانند در خدمت روایت مد نظر ما باشند. اما قرار نیست خبرنگاران چنین کاری بکنند. هدف ما باید مقاومت در برابر پیگیری گزارش‌هایی باشد که دارند کورکورانه خط روایت حاکم را دنبال می‌کنند. باید داده‌ها و اظهارنظرها را به دقت موشکافی کنیم و مطمئن شویم که در حال جمع‌آوری اطلاعات از منابع مستقل هستیم. یعنی به جای اینکه روایت‌های موجود را به شکلی دیگر فقط دسته‌بندی کنیم، باید با رویکردی عمیق‌تر نشان دهیم چه کسانی و چرا می‌خواهند که ما پیگیر این روایت باشیم و این‌طور بیندیشیم. وظیفه ما به‌عنوان روزنامه‌نگار این است که با دوندگی بسیار درباره موضوع‌های مورد علاقه مردم گزارش بنویسیم نه اینکه از روی دست هم کپی کنیم. تازه آن هم بر اساس منافع عده‌ای خاص که مدام خواسته‌هایشان را در

در نمایشگاه کتاب امسال، در سالن عمومی دنبال یک ناشر خاص می‌گشتم و با آن وضع قرار گرفتن ناشرها کنار هم، به‌صورت نامنظم، کلافه شده بودم. با گوگل کردن اسم ناشر متوجه شدم در نمایشگاه حضور ندارم. خواستم از سالن خارج شوم که چشمم به یک میز کوچک و دو آقای محترم که پشت میز نشسته بودند افتاد. بی‌توجه به عابریان با جدیت در حال صحبت با یکدیگر بودند. سمت میز رستم تا کتاب‌ها را ببینم که چندتایی برایم آشنا آمد. تازگی‌ها دو تا از کتاب‌هایشان را هدیه داده بودم. یکی از آقایان برای ما بلند شد و خوش آمد گفت. عنوان یکی از کتاب‌ها جالب بود، به نظرم مطابق میل آقا جمهوری اسلامی بود. «رسانه‌های مغرض: یا چگونه رسانه به ما می‌آموزد عاشق سانسور باشیم و از روزنامه‌نگاری متنفر.» پرفروش‌ترین کتاب «یواس ای تودی» در سال ۲۰۲۱. کتاب نوشته شریل انکیسون است. واشنگتن پست درباره او این‌طور می‌نویسد: «او صدای دائمی شک و تردید رسانه‌های خبری درباره داستان‌های دولت است.» کتاب را خریدم. ما زیاد شنیدیم که رسانه‌های غربی و معاند، اهل خبرسازی و پنهان کردن واقعیت یا به عبارتی سانسور حقیقت هستند. گاهی هم از شنیدن این حرف‌ها خسته شدیم و دلمان یک نگاه تازه خواسته است. شنیدن و خواندن این ایده از زبان یک آمریکایی برایم هیجان‌انگیز بود. در این کتاب، او از قدرت روایت‌ها می‌نویسد. از روایت‌های غالبی که رسانه‌ها متناسب با منافع قدرت می‌سازند و همه چیز در خدمت این روایت‌ها قرار می‌گیرد. خبر در این بین می‌میرد. او در این کتاب پدیده مرگ خبر را نشان می‌دهد. آن‌را نه یک قتل بلکه خودکشی خود خبرنگاران می‌داند و سلاح قتل هم پناه بردن به روایت است. خبرنگار، خبری جعلی، نادرست و غیر واقع‌بینانه را شیوع می‌دهد، فقط برای اینکه لازم است منافع عده‌ای سرمایه‌دار تأمین شود و افکار عمومی با این روایت‌سازی اقناع و به سمت آنچه قدرتمندان می‌خواهند، هدایت شود. در بخشی از کتاب او شروع کارش را این‌طور بیان می‌کند: «پادم می‌آید نخستین باری که با گوشت و پوستم این استراتژی‌ها و تاکتیک‌ها را لمس کردم. در سی بی‌اس خبرنگار بودم. آن زمان طیف وسیعی از سوزها را دنبال می‌کردم. یادآوری آن روزها سخت است. روزهایی که چقدر متعجب بودم از ترور شخصیت، حمله به گزارش‌های واقعی، ارائه گزارش‌های نادرست و تلاش برای خاموش کردن تمامی خطوط فکری. البته آن زمان نمی‌فهمیدم چه چیزی باعث این رفتارها می‌شود. فقط می‌دانستم که این پاسخ‌های سازمان یافته به اخباری خاص، منطقی نیست. این است که شروع کردم به بررسی جزئی‌تر اتفاقات. دیدم که برای مثال تاکتیک‌هایی که منافع شرکت‌های داروسازی و شرکت‌های روابط عمومی برای مدیریت بحران دنبال می‌کنند، از سوی گروه‌های سیاسی و غیرانتفاعی دیگر پیگیری می‌شود. در برخی موارد موفق هم می‌شدند. آنها می‌توانند بحث‌های عمومی را کاملاً به سود خود منحرف کنند و «حقیقت» را آن‌گونه‌ای به نمایش بگذارند که هیچ حرفی در آن نباشد. البته من بخشی از افکار عمومی را دیده‌ام که اتفاقاً آگاهند و به این سادگی هر گزاره‌ای را قبول نمی‌کنند. یعنی تفکری مستقل دارند اگر این کتاب را می‌خوانید، احتمالاً شما هم جزو همان افراد هستید یعنی کسانی که در یافته‌اید دارد چه اتفاقی می‌افتد. اما بقیه چطور؟ آیا پراحتی با منافع و مقاصد پروپاگاندا همراهی می‌کنند؟»

این کتاب، سومین کتاب انکیسون در حوزه خبر و رسانه است. او در این کتاب در ۱۲ فصل با ارائه نمونه‌های واقعی از روایت‌سازی شبکه‌های معروف خبری از جمله سی بی‌اس، سی ان ای، نیویورک تایمز، از شخصیت عجیب ترامپ به‌عنوان یک رسانه پرده برمی‌دارد. ماجراهای خبرساز در چند سال گذشته را از زاویه دیگری برای ما تعریف می‌کند و آرزو



داشت که خوردنشان، دستگاه گوارش را به زحمت می‌اندازد؛ اما به طور کلی گونه‌های کپک را به سه دسته حساسیت‌زا، بیماری‌زا یا مسموم‌کننده طبقه‌بندی کرده‌اند. در گونه حساسیت‌زا، هاگ‌های منتشر شده در فضا توسط کپک‌ها ممکن است باعث ایجاد آلرژی و حساسیت کنند. انواع مختلف این نوع قارچ‌ها روی دیوارها، چوب و مواد مرطوب‌خانه رشد می‌کنند. یکی از گونه‌هایی که در مواد غذایی رشد می‌کند و ممکن است باعث حساسیت افراد حساس شود، پنی‌سیلیوم است که از آن در تولید داروی آنتی‌بیوتیک بهره می‌برند. به‌طور معمولی این کپک باعث بیماری نمی‌شود. بعضی از کپک‌ها حتی با وجود سیستم ایمنی بدن ما، ممکن است باعث بیماری‌ها، عفونت‌ها شوند که رایج‌ترین این بیماری‌ها، عفونت‌های ریوی است. این قارچ‌ها معمولاً بیمارستان‌ها پیدا می‌شوند. کپک‌های سمی یا مسموم‌کننده نوع خطرناکی از کپک‌ها هستند که با تولید مولکول‌های میکوتوکسین باعث ایجاد

مسمومیت می‌شوند. این نمونه را روی میوه‌ها، نان و... می‌توانید مشاهده کنید. از مهم‌ترین انواع میکوتوکسین‌هایی که ممکن است در میوه‌ها تولید شود، پاتولین، آفلاتوکسین، اوکراتوکسین و سموم آلترناریا است. برای مثال سیب از میوه‌های مستعد تولید سم پاتولین است که سم بسیار خطرناکی است. جالب است بدانید سمی مانند پاتولین حتی در شرایط تولید برخی فراآورده‌ها، طی فرایندهای حرارتی مانند پاستوریزه کردن (در تولید کمپوت یا آیمیه و غیره) به مقدار کمی آسیب می‌بیند زیرا وجود شکر در این محصولات روی پاتولین اثرات حفاظتی دارد. پس میوه‌های آسیب‌دیده و خراب‌شده را آیمیه نکنید و در هنگام خرید دقت کافی و واقعی را در انتخاب میوه به خرج دهید. با توجه به رطوبت دوست بودن این موجودات، امکان رشد آنها در مکان‌های دیگر خانه نیز هست؛ برای مثال حمام و ظرفشویی آشپزخانه و حتی ماشین لباسشویی؛ پس با شناختن این میهمانان ناخوانده مراقب سلامتی خود باشیم.

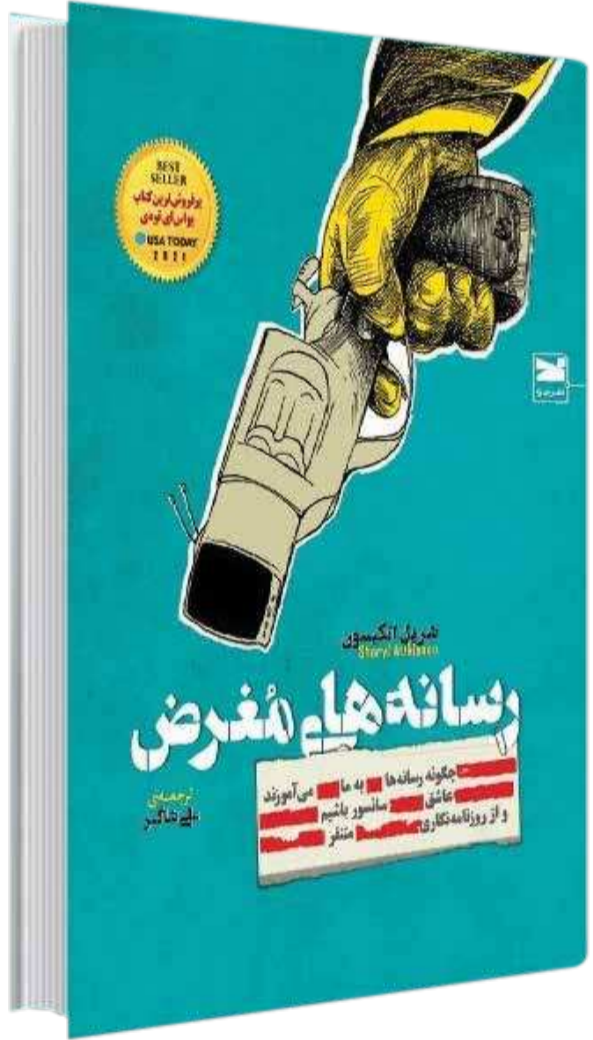


کپک یک نوع قارچ است که عمدتاً به صورت لکه‌های ریز و کلونی‌های دایره‌ای شکل، با رنگ‌ها و شکل‌های مختلف (عمدتاً سبز، سیاه، سفید و پشمکی) خودنمایی می‌کند



«به نظرم اشتباه‌های بیشتر

خبرنگاران زمانی اتفاق می‌افتد که شخصی تصمیم خود را درباره یک ماجرا بگیرد و همه جزئیات را در خدمت اثبات وقوع آن درآورد. اینجاست که اگر داده‌ای خلاف ایده اصلی و تصمیم نهایی آنان باشد، آن را کنار می‌گذارند. این دیگر اسمش نیست»



دارند. حالا به هر قیمتی یا از خبرنگاران می‌خواهند پیگیر یک روایت خاص باشند. یکی از مدیران ارشد خبری در مصاحبه با من گفت: «به نظرم اشتباه‌های بیشتر خبرنگاران زمانی اتفاق می‌افتد که شخصی تصمیم خود را درباره یک ماجرا بگیرد و همه جزئیات را در خدمت اثبات وقوع آن درآورد. اینجاست که اگر داده‌ای خلاف ایده اصلی و تصمیم نهایی آنان باشد، آن را کنار می‌گذارند. این دیگر اسمش کار خبری نیست.» خواندن این کتاب برای هر کس که می‌خواهد مستقل فکر کند و آزاداندیش باشد، توصیه می‌شود. به‌نظرم هدیه مناسبی برای خبرنگاران در روز خبرنگار خواهد بود. کتاب را نشر خزه با ترجمه علی شاکر، دانش آموخته ارتباطات علامه طباطبایی، در سال ۱۴۰۱ منتشر کرده است.

گوش‌مان زمزمه می‌کنند.» «در بیشتر مواقع ما در رسانه‌ها از بین روایت‌هایی که پیش روی خود داریم یکی را انتخاب می‌کنیم و پیش می‌بریم. خیلی هم ساده و سرراست. نمی‌دانم باور می‌کنید یا نه، ولی برخی مدارس روزنامه‌نگاری حتی به دانشجویان این کار را آموزش می‌دهند. یعنی این مفهوم را توی ذهن گزارشگران آینده فرو می‌کنند که جانبداری در خبر، یک ارزش است و وظیفه ما به‌عنوان خبرنگار همین است.» «یکی از روزنامه‌نگاران برنده جایزه پولیتزر می‌گفت: زمانی خبرنگار شبکه‌ای غیرانتفاعی بوده در ایمیل‌های درون سازمانی بحثی در می‌گیرد درباره نحوه نگارش گزارش‌ها. او با تعجب می‌گفت که چرا همکاران قدیمی و باسابقه‌اش در شبکه به شیوه روایت او معترضند و می‌گویند نباید نظر خودت را با خبر



**وزارت خارجه وقت گفته بود سفارت پاکستان امنیت نیروهای ایرانی را تضمین کرده و اتفاقی نخواهد افتاد. اما دنیای سیاست و رقابت، کثیف‌تر از این هاست که جان آدمی را ارج بگذارد یا بر سر پیمان خود بماند**

به بهانه روز خبرنگار، درباره فیلم «مزار شریف»

# نیمه مرداد در مزار شریف

کنسولگری ایران در مزار شریف است، من محمود صارمی خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران هستم، گروه طالبان چند ساعت پیش وارد مزار شریف شدند. خبر فوری، فوری، مزار شریف به دست طالبان سقوط کرد، عده‌ای از افراد طالبان در محوطه کنسولگری دیده می‌شوند به من بگویید که چه وظیفه‌ای...»

عنه مزار  
نویسنده



**محمود صارمی:**  
«مزار شریف سقوط کرد. هفدهم مرداد ماه ۱۳۷۷، اینجا محل کنسولگری ایران در مزار شریف است، من محمود صارمی خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران هستم، گروه طالبان چند ساعت پیش وارد مزار شریف شدند. خبر فوری، فوری، مزار شریف به دست طالبان سقوط کرد، محوطه کنسولگری دیده می‌شوند به من بگویید که چه وظیفه‌ای...»

بگذارد یا بر سر پیمان خود بماند. بنا به گزارش جعفریان و شاهسون، مهاجمان نه به دستور طالبان بلکه به دستور سازمان آی‌اس‌آی پاکستان مردان ما را در نهایت مظلومیت شهید کردند. اینکه هدف از این کشتار گرفتن انتقام دیپلمات‌های

از چند روز قبل به آنها هشدار داده بودند که از شهر بروند. اما وزارت خارجه وقت گفته بود سفارت پاکستان امنیت نیروهای ایرانی را تضمین کرده و اتفاقی نخواهد افتاد. اما دنیای سیاست و رقابت، کثیف‌تر از این هاست که جان آدمی را ارج

سقوط شهر و خاطرات شاهسون، قضیه به همین سادگی نبود که بگوییم ایرانی‌های به‌جا مانده در مزار شریف توسط طالبان کشته شدند. مسأله‌ای که تا آن روز تصور غالب همه بود.

همه دوستان دیپلمات‌های شهید

پاکستانی کشته‌شده چندسال قبل از این روز بوده یا کشتادن ایران به باتلاق جنگ با افغانستان یا هر دلیل دیگر مشخص نیست، اما حاصل این اعتماد بی‌جا به پاکستان و البته دشمنی آنها با ایران، قربانی شدن چند سرباز وطن در شرایطی غریبانه بود.

## از مزار تا وطن

پس از حمله به کنسولگری، ایران تا مدتی از سرنوشت دقیق افراد خود بی‌خبر بود و ملاعمر رهبر خود با لیبان هرگونه اطلاعی از آنها را منکر می‌شد. اخبار مربوط به شهادت یا زنده بودن دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی ضد و نقیض بود و شرایطی طاقت‌فرسا را برای خانواده‌هایشان به وجود آورده بود. در نهایت، پس از اولتیماتوم ایران و انجام چند مانور نظامی در مرز ایران و افغانستان و استقرار ۲۷۰ هزار نیرو، بعد از ۳۳ روز ملاعمر اعلام کرد که دیپلمات‌های ایرانی کشته شده‌اند. همچنین در پی فشارهای ایران با تشکیل کمیته حقیقت‌یاب بین‌المللی با پس دادن پیکر شهدا موافقت کردند. به گفته شاهدان محلی، پیکرهای شهدا دور زیر آفتاب بود و پس از آن در گوری دسته‌جمعی دفن شده بودند. برای همین پس از یک ماه که نیش قبر شده و به ایران بازگردانده شدند، مدتی شناسایی آنها طول کشید و اواخر شهریور در بهشت‌زها به خاک سپرده شدند. اما جسد یکی از دیپلمات‌ها هیچ‌گاه پیدا نشد. ملاعمر و طالبان نیز هرگز حاضر به عذرخواهی نشدند چون معتقد بودند مسئولیت جان شهدا با دولت برهان‌الدین ربانی بوده؛ همان دولتی که جمهوری اسلامی به رسمیت می‌شناخت.



## هیچ جنگی به نفع هیچ‌کس نیست

سال ۹۳، برزیده در فیلم «مزار شریف» این غربت و مظلومیت را به خوبی به تصویر کشید. باتکلیفی افراد کنسولگری، تلاش‌شان بدون تنش با مهاجمان و در نهایت کشتار بی‌رحمانه آنها در همان نیم ساعت اول فیلم، دل هر انسانی را به درد می‌آورد. این فیلم بر اساس خاطرات شاهسون و بازی حسین یاری در نقش او ساخته شد. شاهسون که به طور معجزه‌آسایی زنده ماند، پس از طی ۸۰۰ کیلومتر با پای زخمی و تیرخورده به نیروهای مستقر در مرز می‌رسد و ماجرا را شرح می‌دهد. او زمانی به نیروهای نظامی می‌رسد که قصد حمله به افغانستان را داشتند. در فیلم زنی افغانستانی که با فداکاری و به خطر انداختن جان خود، دیپلمات ایرانی را تا مرز رسانده بود از او می‌خواهد مانع جنگ شود. دیپلمات می‌گوید، این جنگ به نفع مردم افغانستان است. زن در جواب می‌گوید هیچ جنگی به نفع هیچ‌کس نیست. مردم من طاقت یک جنگ دیگر را ندارند.

در واقعیت هم رهبر جمهوری اسلامی با اعلام اینکه هر کس وارد جنگ با افغانستان شده در باتلاق آن مانده و ما باید با جلب نظر جامعه بین‌المللی با پدیده طالبان مقابله کنیم، مانع از وقوع جنگ می‌شوند.



# بستنی‌های خانگی جذاب تابستانی

فائزه صدیقی

نویسنده



با همه این تفاسیر امروز تصمیم دارم در کنار هم مشغول درست کردن دو مدل بستنی خانگی جذاب و خوشمزه با میوه‌های تابستانی شویم تا در این روزهای گرم مرهمی بر گرمای وجودمان باشند و بعد از خوردن آنها، احساس خنکی، تازگی و سبکی به شما دست بدهد.

درست کردن بستنی چوبی یکی از ساده‌ترین کارهاست و چون بچه‌ها و قطعاً بزرگترها عاشق خوردن بستنی چوبی هستند، درست کردن آن از واجبات روزهای گرم به حساب می‌آید و اگر اجرای این پروژه را با بچه‌ها به اشتراک بگذارید، علاقه آنها نسبت به مصرف بستنی‌های خانگی بیشتر خواهد شد و دیگر کمتر به دنبال خوردن بستنی‌های کارخانه‌ای هستند و خیال شما بابت سلامت آنها راحت‌تر خواهد بود. پس امروز برای درست کردن این بستنی‌های خانگی با من همراه باشید تا با هم ببینیم با خوردن آنها چه تجربه‌ای را به دست آورده و چه احساسی را کشف می‌کنیم و آیا باز هم سراغ بستنی‌های کارخانه‌ای خواهیم رفت یا اینکه فریزر خانه را با همین بستنی‌های خانگی خوشمزه، متنوع و سالم پر خواهیم کرد.

فصل تابستان فرا رسیده و همه جا پر شده است از انواع میوه‌های تابستانی بسیار لذیذ و خوشمزه مخصوص این فصل. میوه‌هایی که بدون نشان تحمل گرمای طاقت‌فرسای تابستان را کمی برایمان راحت‌تر می‌کنند. میوه‌های تابستانی با عطر، طعم، رنگ و بافت عالی، جزو مواد اولیه پرطرفدار در آشپزی و شیرینی‌پزی به حساب می‌آیند و قسمت قابل توجهی از ابداعات سرآشپزهای بزرگ، با این میوه‌ها خلق شده است. از چغنی هر چقدر هوا گرم‌تر می‌شود انگار تمایل آدم‌ها به خوردن غذاهای سنگین کمتر شده و به دنبال خوردن خوراکی‌های سبک و خوش مزه‌ای هستند تا بتوانند این روزهای گرم را راحت‌تر بگذرانند، مخصوصاً اگر آن خوراکی یک بستنی جذاب خنک و خوشمزه تابستانی باشد و چقدر بهتر که این بستنی دلچسب را در خانه درست کنیم تا با خیال راحت‌تری آن را بخوریم و از خوردن آن لذت ببریم.

## طرز تهیه بستنی خامه‌ای هلو

هلوها را شسته و در صورت تمایل پوست آن را می‌گیریم و در بلندر یا غذاساز ریخته و پوره‌اش می‌کنیم. می‌توانیم تنها چند پالس بزنییم که زیاد پوره نشود و بافت داشته باشد، یا اینکه کاملاً پوره‌اش کنیم تا مایع یکنواختی حاصل شود. این انتخاب براساس ذائقه شما است. نکته - برای درست کردن بستنی خانگی شما به قالب بستنی خانگی احتیاج دارید. این قالب‌ها با جنس‌های پلاستیکی، سیلیکونی یا فلزی در لوازم قنادی‌ها به فروش می‌رسد. اما اگر قالب بستنی نداشتید هم ناامید نشوید؛ ما بالاخره بستنی را درست می‌کنیم. برای جایگزینی قالب بستنی شما می‌توانید از لیوان‌های یک بار مصرف

استفاده کنید و مواد را درون آنها بریزید. چوب بستنی آماده را هم می‌توانید از لوازم قنادی‌ها تهیه کنید. پوره‌های هلو را درون قالب‌های بستنی می‌ریزیم؛ حالا بدون اینکه بلندر یا غذاساز را بشورید، خامه و عسل یا شیره را داخل آن ریخته و دستگاه را روشن می‌کنیم. برای شیرین کردن خامه می‌توانید به غیر از شیره یا عسل، از پودر قند یا شیرعسلی آماده هم استفاده کنید. کم‌کم از شیرین کننده مورد نظرتان به خامه اضافه کنید، آنها را مخلوط کنید و سپس ترکیب را بچشید و بنا بر ذائقه خودتان شیرینی آن را تنظیم کنید. در صورت نیاز می‌توانید از اسانس هلو هم برای اضافه کردن به قسمت خامه‌ای استفاده کنید.



### مواد لازم برای تهیه بستنی خامه‌ای هلو

هلو ۴ تا ۵ ..... عدد  
خامه صبحانه ..... ۲۰۰ گرم  
شیره یا عسل ..... یک چهارم پیمانه\*

\* اگر پیمانه‌های استاندارد شیرینی‌پزی را دارید از همان استفاده کنید، اما اگر به آنها دسترسی ندارید یک لیوان دسته‌دار فرانسوی را معادل یک پیمانه در نظر گرفته و برای اندازه‌گیری از آن استفاده کنید.

پلاستیکی یا فلزی، قالب را درون کاسه آب فرو می‌بریم و یا ورته کرده و روی آن آب می‌ریزیم تا کم‌کم دیواره‌ها شل شده و بستنی از قالب خارج شود. اگر بستنی را درون لیوان یک بار مصرف درست کرده‌اید هم می‌توانید لیوان را از دور بستنی قیچی کرده و جدا کنید. شما می‌توانید همین بستنی را با انواع میوه‌ها درست کنید. میوه‌هایی که خودشان شیرین هستند نیازی به افزودن هیچ شیرین کننده دیگری به پوره آنها نیست و خامه را هم بهتر است با شیره یا عسل شیرین کنید.

خامه را روی لایه هلویی درون قالب‌ها می‌ریزیم. چوب بستنی را داخل قالب فرو برده و به دلخواه با به حرکت درآوردن آرام چوب بستنی درون قالب، روی بستنی‌ها طرح ایجاد می‌کنیم. قالب‌ها را تا زمانی که بستنی‌ها کاملاً بپندند درون فریزر قرار می‌دهیم، حدوداً سه ساعت زمان برای این کار لازم است. اگر از قالب سیلیکونی استفاده می‌کنید خارج کردن بستنی راحت است. کناره‌های قالب را آرام با دست کشیده تا بستنی از قالب جدا شود و سپس آن را از قالب درمی‌آوریم. اما برای قالب‌های

## طرز تهیه بستنی گیلاسی خامه‌ای

گیلاس‌ها را شسته و هسته می‌گیریم. آنها را داخل یه مخلوط کن کوچک، بلندر یا غذاساز ریخته و پوره‌اش می‌کنیم. می‌توانیم تنها چند پالس بزنییم که زیاد پوره نشود و بافت داشته باشد، یا اینکه کاملاً پوره‌اش کنیم تا مایع یکنواختی حاصل شود. این انتخاب براساس ذائقه شماست. پوره گیلاس را بین شش قالب بستنی چوبی تقسیم می‌کنیم. حالا قسمت خامه‌ای بستنی را آماده می‌کنیم. این قسمت ترکیب خامه صبحانه و شیرعسلی است. شما می‌توانید هم از قوطی‌های شیرعسلی آماده که در سوپرمارکت‌ها به فروش می‌رسد استفاده کنید و همچنین در صورت بلد بودن آن را در منزل به صورت خانگی درست کنید. اما دقت کنید خلاف اسم آن، این ترکیب تنها مخلوط شیر و عسل تنها نیست و باید فرایند تیخیر روی آن انجام شود. میزان شیرعسلی هم اختیاری است و کم و زیاد کردن آن براساس ذائقه شماست، ولی این مقدار که در بالا گفتم قاعدتاً برای این دستور مناسب است.

### مواد لازم برای تهیه بستنی گیلاسی خامه‌ای

گیلاس درشت ..... ۱۲ عدد  
شیر عسلی ..... ۳ قاشق غذاخوری  
خامه صبحانه ..... ۱۰۰ گرم



**شرایط نگهداری بستنی‌های خانگی برای نگهداری بستنی‌های خانگی به شما توصیه می‌کنم که بستنی‌ها را تا زمان مصرف در قالب درون فریزر نگهداری کنید. اما اگر قالب را برای درست کردن بستنی‌های دیگر نیاز دارید، بستنی‌ها را از قالب خارج کرده و درون کیسه‌های پلاستیکی زیپ‌دار (زیپ لاک) بگذارید، به نحوی که هوا به آن نرسد و اصطلاحاً نسوزد و همچنین بوی درون فریزر را جذب نکنند.**

شما می‌توانید داخل مخلوط خامه و شیرعسلی اسانس گیلاس هم بریزید؛ ولی چون ما بستنی‌های خانگی را بیشتر برای بچه‌ها درست می‌کنیم پس نیازی نیست داخل آن اسانس شیمیایی بریزیم. خامه و شیرعسلی را مخلوط کرده و درون قالب‌ها روی پوره‌های گیلاس می‌ریزیم. به این ترتیب شما در قالب‌های بستنی دو لایه مجزا خواهید داشت. لایه زیری لایه قرمز رنگ پوره گیلاس است و لایه بالایی لایه سفید رنگ خامه و شیرعسلی است. چوب بستنی را داخل قالب فرو برده و به دلخواه با به حرکت درآوردن آرام چوب بستنی درون قالب طرح ابر و بادی درون قالب‌ها ایجاد می‌کنیم. با این کار ظاهر بستنی هم زیباتر می‌شود و روی بستنی‌ها طرح ایجاد می‌شود. فقط دقت کنید زیاد آن را هم نزنید که زیبایی خود را از دست ندهد.

قالب‌ها را تا زمانی که بستنی‌ها کاملاً بپندند درون فریزر قرار می‌دهیم، حدوداً سه ساعت زمان برای این کار لازم است. برای خارج کردن بستنی از قالب نیز مانند مراحل بستنی خامه‌ای هلو عمل می‌کنیم. شما می‌توانید همین بستنی را با انواع میوه‌ها درست کنید. میوه‌هایی که خودشان شیرین هستند نیازی به افزودن هیچ شیرین کننده دیگری به پوره آنها نیست. شرایط نگهداری این بستنی هم مانند سایر بستنی‌های خانگی است و بهتر است تا زمان مصرف درون قالب و داخل فریزر نگه داشته شود و در صورت نیاز به قالب، بستنی‌ها را از قالب خارج کرده و داخل کیسه پلاستیک دربسته داخل فریزر نگهداری کنیم. از اینکه این آموزش را تا انتها با من همراه بودید از شما سپاسگزارم. امیدوارم لحظات شیرین زندگیتان هر روز بیشتر از روز قبل باشد و با خوردن این بستنی‌های تابستانه دلچسب، تجربه شیرین، جذاب و خنکی را کسب کنید.

# فناوری و رسانه

۱۰۰۰ تومان پردازید و نوش جان کنید

## فرایند صفر تا صدی تصفیه آب آشامیدنی



باصب سایه بان ساده مانند مقوای بزرگ، کارتن، یا یک پارچه ای که آفتاب به طور مستقیم به کولر نخورد و نیاز به هزینه کردن هم نیست می توانیم ۱۰ تا ۱۵ درصد مصرف آب را کاهش دهیم

آب شربی که در لوله کشی خانه ها به دست ما می رسد مراحل زمان بر و هزینه بری برای تصفیه طی می کند. با هم به مرور آن پردازیم. آب های زیر زمینی برای حفظ سلامتی جامعه، حداقل باید ضد عفونی شوند. ولی برخی از آنها به تصفیه بیشتری نیاز دارند تا سختی آنها کاهش یافته یا آهن و سایر ترکیبات که باعث ایجاد لکه، رنک، مزه و بو می شوند از آب خارج شوند. آب های سطحی علاوه بر ارگانیکسم های بیماری زا حاوی کدورت، موجودات آبی مانند آگ ها و فاضلاب منازل هستند، که با روش صحیح و مناسب تصفیه، از آنها باید خارج شوند. روش هایی به نام تصفیه مقدماتی برای کاهش ناخالصی ها و یا تغییر مشخصات نامطلوب آب قبل از رسیدن به تصفیه خانه وجود دارد که بدین وسیله از فشار بر مراحل اصلی تصفیه آب کاسته می شود. تصفیه مقدماتی شامل فرایند فیزیکی، شیمیایی یا مکانیکی هستند، که قبل از مراحل اصلی تصفیه آب صورت می گیرد و شامل آشغال گیری، تصفیه شیمیایی مقدماتی، ته نشینی مقدماتی و استفاده از صافی های مشبک سوراخ ریز است.

### آشغال گیری در تصفیه آب شهری

آشغال گیری اولین مرحله تصفیه مقدماتی است که روی آب انجام می گیرد. آشغال گیری به منظور حذف مواد جامد در اندازه های مختلف به کار می رود. ابعاد مجرای شبکه آشغال گیری، بسته به کاربرد متفاوت است. عمل تمیز کردن شبکه آشغال گیری می تواند به صورت دستی و یا مکانیکی انجام شود. آشغال گیرها به دو دسته شبکه بندی ریز و شبکه بندی درشت تقسیم می شوند و وظیفه محافظت پمپ ها و سایر تجهیزات تصفیه خانه در مقابل مواد جامد شناور در فاضلاب را بر عهده دارند.

### تصفیه شیمیایی مقدماتی

در این مرحله، از مواد شیمیایی برای کنترل گیاهان آبی استفاده می شود. آگ ها و سایر موجودات آبی مزاحم که ایجاد مزه، بو و رنگ می کنند در این مرحله از آب جدا می شوند. اگر چه گیاهان آبی می توانند مشکلاتی برای تصفیه آب به وجود آورند، اما باید این نکته مهم را در نظر گرفت که این گیاهان ساکنان عادی و معمولی محیط آبی بوده و در حفظ و تداوم تعادل اکولوژی دریاچه ها و رودخانه ها نقش مهمی دارند.

### ته نشینی مقدماتی در تصفیه آب

ته نشینی به منظور جداسازی ذرات شناور در فاضلاب، با استفاده از اختلاف چگالی میان ذرات با جریان فاضلاب به کار می رود. ته نشینی در یک و یا چند بخش از تصفیه خانه از قبیل مخازن صورت می پذیرد. ته نشینی اولیه که قبل از تصفیه بیولوژیک قرار دارد و مواد جامد را جدا می سازد، ته نشینی ثانویه که بعد از تصفیه بیولوژیک قرار داشته و لجن بیولوژیک تولید شده را از فاضلاب جدا می سازد.

سنگریزه، شن، ماسه و سایر مواد ریگ دار آب خام را قبل از ورود به تصفیه خانه در حوضچه هایی به حجم های مختلف به وسیله وزن ثقل جدا می نمایند. ذرات سنگریزه، دستگاه تصفیه آب تصفیه خانه را مسدود کرده همچنین شن و ماسه و گل ولای از طریق خوردگی، باعث انهدام سریع وسایل متحرک غوطه ور در آب، مانند پروانه پمپ ها و پیستون ها می شوند. عمل ته نشینی باید قادر به کاهش حداقل ۵۰ درصد بار آلودگی فاضلاب و ۲۵ تا

۴۰ درصد BOD باشد. در این حوض ها، سرعت جریان فاضلاب کاهش یافته و مواد معلق ته نشین می شوند. جریان آب بعد از خروج از بخش تصفیه مقدماتی و قبل از ورود به تصفیه خانه اندازه گیری می شود، تا اطلاعات لازم مانند کنترل جریان آب ورودی به قسمت های مختلف تصفیه خانه، تنظیم مقدار مواد شیمیایی، تعیین کارایی پمپ ها و الکتریسیته مورد نیاز، محاسبه زمان باقی ماندن آب در مراحل مختلف تصفیه، نظیر مقدار آب تصفیه شده و محاسبه هزینه تصفیه یک واحد آب، برای مستولان فنی تهیه شود.

بعد از این مرحله تصفیه آب انجام می شود که شامل مراحل زیر است:

### تصفیه آب

#### مرحله اول: آبگیری

اولین مرحله در تصفیه آب، آبگیری است. قرار گرفتن آب در آبگیر باعث می شود که آب در حالت ساکن و بدون تلاطم قرار بگیرد. در نتیجه آن حجم بسیاری از مواد معلق در آب، ته نشین می شود. این مرحله به زلال سازی و آشغال گیری بسیار کمک می کند.

#### مرحله دوم: تصفیه فیزیکی

آب قرار گرفته در آبگیر، وارد مرحله تصفیه فیزیکی می شود. در تصفیه فیزیکی بسیاری از ذرات جامد مانند چوب، آشغال، برگ و شاخه درختان از آب جدا می شوند.

#### مرحله سوم: تصفیه شیمیایی

از چالش هایی که در تصفیه آب وجود دارد جداسازی جلبک ها و گیاهان در دستگاه های تصفیه است. در تصفیه شیمیایی از برخی مواد شیمیایی استفاده می کنند تا از رشد جلبک ها و گیاهان جلوگیری شود. از جمله این مواد می توان به سولفات مس اشاره کرد. همچنین می توان از تصفیه بیولوژیکی برای این امر استفاده کرد. از دیگر مراحل شیمیایی برای تصفیه آب می توان به موارد زیر اشاره کرد:

#### ۱- لخته سازی و انعقاد

فرایندهای لخته سازی و انعقاد به منظور حذف رنک، کدورت، جلبک و سایر میکروارگانیکسم های موجود در آب های سطحی انجام می شوند.

#### ۲- ته نشینی

این مرحله جهت کاهش سرعت جریان آب و کمک به رسوب نمودن جامدات و ذرات معلق در آب با کمک نیروی جاذبه است.

#### ۳- فیلتراسیون

مرحله فیلتراسیون از دیگر مراحل تصفیه آب است که برای جداسازی ذرات جامد معلق، رسوبات باقی مانده از مراحل قبلی و ... به کار می رود.

#### ۴- هوادهی

هوادهی به منظور حذف ترکیبات فراری مانند کربن دی اکسید، محصولات جانبی فرایند ضد عفونی کردن، عوامل مزه و بو و واردون استفاده می شود.

#### ۵- تصفیه شیمیایی

منظور از تصفیه شیمیایی و معرفی آن به عنوان یکی از مراحل تصفیه آب، استفاده از ترکیبات شیمیایی برای بهبود خواص آب است.

#### ۶- ضد عفونی

ضد عفونی یکی از مهمترین مراحل تصفیه آب است. آلودگی با فاضلاب انسانی و مدفوع حیوانات بیشترین

خطری است که سلامت آب های سطحی را تهدید می کند، زیرا برای انسان خطرات بسیاری دارد. دلیل این امر امکان وجود میکروارگانیکسم های به وجود آورنده بیماری های واگیردار در مدفوع حیوانی و انسانی است. آب های زیر زمین در مقایسه با آب های سطحی عموماً از آلودگی کمتری برخوردار هستند با این حال امکان راه یافتن منابع آلودگی به این منابع نیز وجود دارد. امروزه روش های متنوع فیزیکی و شیمیایی برای ضد عفونی کردن آب وجود دارد که به معرفی آن می پردازیم.

### اشعه فرابنفش

ضد عفونی با اشعه فرابنفش روشی است که برای از بین بردن آلودگی های کوچک با شبکه توزیع کوچک و زمان کم استفاده می شود و برای از بین بردن آلودگی های بزرگتر استفاده از کلر مناسب تر است.

### کلر زنی

کلر به شکل گاز خالص کلر، سدیم هیپوکلریت و یا کلرید سدیم هیپوکلریت در آب حل شده و اسید هیپوکلروس (HOCl) و یون هیپوکلریت (OCl<sup>-</sup>) تشکیل می دهد.

مردم یک پانزدهم قیمت تصفیه آب را می پردازند اما این فرایند طولانی بی شک زمان بر و هزینه بر است. هاشم امینی، معاون نظارت و بهره برداری شرکت آبفا کشور درباره قیمت تمام شده آب شرب گفته است: آن چیزی که برای دولت تمام می شود یک مترمکعب ۱۵ هزار تومان است در صورتی که این آب را شرکت آب و فاضلاب با پارانهای که برایش لحاظ می شود هزار یا زیر هزار تومان به مشترک واگذار می کند.

وی اضافه کرد: یک بطری آب حدود یک و نیم لیتر است یعنی بیش از ۷۵۰ بطری یک و نیم لیتری تقریباً یک مترمکعب است. آبی که با کیفیت عالی از سیستم های پیشرفته اسمز معکوس تصفیه می شود و در اختیار مردم قرار می گیرد. معاون نظارت و بهره برداری شرکت آبفا کشور درباره راهکارهای کاهش مصرف آب در بخش خانگی بدون ایجاد مشکل در زندگی روزمره مردم گفت: با نصب سایه بان ساده مانند مقوای بزرگ، کارتن، یا یک پارچه ای که آفتاب به طور مستقیم به کولر نخورد و نیاز به هزینه کردن هم نیست می توانیم ۱۰ تا

۱۵ درصد مصرف آب را کاهش

دهیم. وی ادامه داد: یکی از

بخش های منزل که ما آب

را زیادی مصرف می کنیم

حوزه استحمام است.

سردوش های کاهنده که

خیلی هزینه کمی دارد که

در هر دقیقه بین ۱۵ تا ۲۰

لیتر اگر از این سردوش ها

استفاده کنیم مصارف

استحمام را کاهش می دهیم

یا در آشپزخانه هم می توانیم

پلاتوهای کاهنده را استفاده

بکنیم یا آب هایی که امکان

استفاده دارد و مواد شوینده در

آن استفاده نمی شود این را کنار

بگذاریم برای گلدان یا مصارف

فضای سبز.



آب های زیر زمینی برای حفظ سلامتی جامعه، حداقل باید ضد عفونی شوند. ولی برخی از آنها به تصفیه بیشتری نیاز دارند تا سختی آنها کاهش یافته یا آهن و سایر ترکیبات که باعث ایجاد لکه، رنک، مزه و بو می شوند از آب خارج شوند. آب های سطحی علاوه بر ارگانیکسم های بیماری زا حاوی کدورت، موجودات آبی مانند آگ ها و فاضلاب منازل هستند، که با روش صحیح و مناسب تصفیه، از آنها باید خارج شوند.

روش هایی به نام تصفیه مقدماتی برای کاهش ناخالصی ها و یا تغییر مشخصات نامطلوب آب قبل از رسیدن به تصفیه خانه وجود دارد که بدین وسیله از فشار بر مراحل اصلی تصفیه آب کاسته می شود. تصفیه مقدماتی شامل فرایند فیزیکی، شیمیایی یا مکانیکی هستند، که قبل از مراحل اصلی تصفیه آب صورت می گیرد و شامل آشغال گیری، تصفیه شیمیایی مقدماتی، ته نشینی مقدماتی و استفاده از صافی های مشبک سوراخ ریز است.





در اجلاس سازمان  
بهداشت جهانی  
مطرح شد

## ندری نخورید

رئیس سازمان بهداشت جهانی  
اعلام کرد: آدرس بید ما هم بیایم  
بخوریم نامردا.

ابوجعج التکفیری،  
استاد جامعه‌شناسی  
دانشگاه چچن:

باید زمینه  
حضور  
افراد با  
عقاید  
مختلف را  
در هیأت  
فراهم کرد

وی افزود: متأسفانه از ورود  
افرادی که اسلحه یا کمر بند  
انفجاری دارند به هیأت‌ها  
ممانعت می‌شود، حال  
آنکه امام حسین متعلق  
به همه است.

سریال مرگ مادر بزرگ‌ها در آمبولانس‌های پشت دسته عزاداری ادامه دارد

# خبر مرگ دوبار هاش!

متوسط سن مادر بزرگ‌هایی که در ماه محرم در آمبولانس می‌میرند ۱.۳ سال کاهش داشته است.



## واگذاری نهاد ریاست جمهوری به یک هیأت با کدام مجوز؟



یک فعال مدنی با انتشار تصویری از شب یازدهم محرم گفت: مردم به نشانه اعتراض به قطعی برق بدون برنامه رژیم جلو پایگاه‌های حکومتی که به آن هیأت می‌گویند شمع روشن کردند.

یک منبع آگاه فاش کرد این هیأت که بودجه خود را مستقیماً از حکومت می‌گیرد، به هیأت دولت مشهور است و جلسات خود را در طول سال در نهاد ریاست جمهوری برگزار می‌کند.

دیگر اسناد تاریخی کشف شده

مرجان خواستار لغو قانون درج نام پدر در شناسنامه فرزندان شد

آخرین تیر ترکش حکومت  
قیمه با گوشت اضافه

بررسی میدانی خبرنگار ما نشان می‌دهد در دهه اول محرم امسال هشت هیأت اقدام به توزیع قیمه کردند که نسبت به سال گذشته افزایش بیست درصدی را نشان می‌دهد. سه هیأت نیز در پاسخ به سوال «میشه یکی دیگه هم بدین، واسه مریم ببرم» پاسخ مثبت دادند. کارشناسان می‌گویند: چرخش رژیم از عدس پلو به قیمه، تلاشی مذبحانه برای جذب مردم به هیأت‌هاست.

برگزاری عزاداری  
پر شور حسینی  
یک استاد دانشگاه را  
لال کرد!

او پیش بینی کرده بود که مردم دیگر طرفدار دین نیستند.

علی کریمی اینستاگرام خود را  
با جمله‌ای از کورش کبیر به روز کرد

کورش کبیر: ماه محرم  
رارژیم اختراع کرده،  
مشکی نپوشید. مشکی در  
محرم رنگ عشق نیست!

یک مورخ تاریخ  
در آستانه محرم  
افشا کرد

متوکل عباسی: هدفمان یکسان‌سازی قبور شهدای  
کربلا بود.

قصد تخریب نداشتیم. می‌خواستیم که به نظم و زیبایی  
جدیدی درآیند.

هیأت‌های  
مذهبی  
همچنان  
قربانی  
می‌گیرند

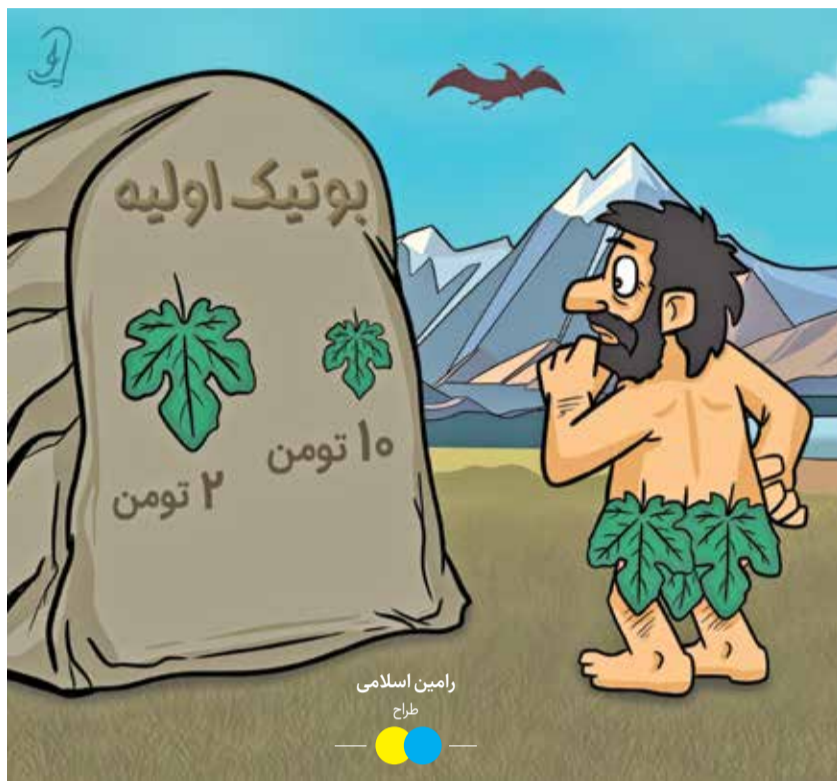
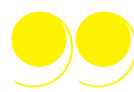
طبق اطلاعات به دست آمده،  
هیأت‌های مذهبی با گرفتن  
گوسفند قربانی از بانیان،  
اقدام به پخت و توزیع غذای  
ندری می‌کنند.



یک جامعه‌شناس با انتقاد  
از پخش ندری در محلات  
فقیرنشین گفت اگر پول  
این کار را به فقرا می‌دادیم  
می‌توانستند لااقل یک وعده  
غذای گرم برای خود تهیه  
کنند.

انگار پی ثبت رکورد است زمین!  
بد جور هوس کرده که خورشید شود!

خود را به دمای ۶۰ برده است زمین!  
گویی به زمین گرم خورده است زمین!



رامین اسلامی  
طراح



### تحلیل عکس

### همه‌اش تحقیر ایرانی‌هاست!

سید مهدی موسوی  
طنزپرداز

بین الملل معنا و مفهوم دارد و الکی آن را آنجا نگذاشته‌اند، البته حالا در خاطر من نیست معنایش چیست ولی شما پیش فرضتان روی تحقیر ایران باشد تا ببینم چه می‌شود!

همراهی کنیایی‌ها با مخالفین نظام هم به نوعی در این تصویر مشهود است... به قسمت بالایی در نگاه کنید، آیا شبیه خورشید نشده است؟ ترکیبش با شیر نر پایینی چه چیز می‌تواند باشد به جز حمایت از شاهزاده پهلوی!

به افراد نظامی حاضر در عکس دقت کرده‌اید؟ به صورت ضربدری نسبت به رئیس جمهورهای دو کشور ایستاده‌اند، چه معنایی می‌تواند داشته باشد بجز بی‌اعتمادی دو کشور نسبت به هم؟! آن دیپلمات ایرانی آن گوشه به چه چیز اشاره می‌کند که آن آقای کنیایی خودش را به آن راه زده است؟ معلوم است که کنیایی‌ها کاسه‌ای زیر نیم کاسه دارند...

چند روز پیش طی سفر ریاست محترم جمهور به آفریقا عکس‌های واقعاً تأسف‌باری منتشر شد که متأسفانه از دید خیلی‌ها پنهان ماند ولی در اینجا ما می‌خواهیم به تحلیل یکی از آنها بپردازیم:

به پرچم روی میز نگاه کنید آری پرچم کنیاست ولی سؤال ساده‌ای که پیش می‌آید این است که پرچم ایران کجای این دیدار رسمی است؟

اصلاً رد کردن رئیس‌ی از میان دو شیر چه معنایی می‌تواند داشته باشد بجز تحقیر ایران و ایرانی؟ یعنی که ما کنیایی‌ها شما ایرانی‌ها را تکه و پاره می‌کنیم.

آن تابلوی مشوش روی دیوار در سمت رئیس‌ی را نگاه کنید، تابلو انتزاعی در ادبیات سیاست

### نه به آفریقا

بررسی دلایل بی‌اهمیتی  
رابطه دیپلماتیک با قاره آفریقا

امین شفیع  
طنزپرداز

چرا سفر دیپلماتیک به آفریقا از قبل شکست خورده است و برای کشور شما هیچ دستاوردی نخواهد داشت؟ شاید برای شما هم این سؤال پیش آمده باشد. اگر پیش نیامده لازم است تلاش کنید این سؤال را برای خود پیش‌پیاوردید تا ما بتوانیم در این یادداشت به آن پاسخ دهیم.

### ۱. هوا گرم است

در فرهنگ و آداب و سنن ما ایرانی‌ها از دیر باز، بیلاق و قشلاق جایگاه مهمی داشته. ما همواره در ایام گرم سال به مناطق گرمسیر و در ایام سرد به مناطق گرمسیر کوچ کرده‌ایم. حالا وقتی رئیس‌جمهور مملکت یک کاره وسط تابستان و در پیک مصرف برق به آفریقا سفر می‌کند مشخص است که آداب و سنن ایرانی را نادیده گرفته و این سفر هیچ دستاوردی برای کشور ایران نخواهد داشت.

### ۲. به آموزش زبان دنیا کمکی نمی‌کند.

اگر بخواهیم زبان دنیا را از منظر کارشناسی به دو دسته زبان دنیا و دیگر زبان‌ها تقسیم کنیم مشخص است که سفر به قاره آفریقا چقدر مضر خواهد بود! آن هم بعد از دوران افتخارآمیزی که ما رابطه خود را با تمام کشورهایایی که زبان غیردنیایی داشتند قطع کرده بودیم. همان‌طور که می‌دانید در قاره آفریقا یکصد زبان زنده وجود دارد که بعضی از آنها مبتنی بر آواها و حرکات بدن می‌باشند! تا آدم نخواهد زبان آنها را یاد بگیرد دیگر وقت کافی برای آموختن زبان دنیا و تشخیص درست تفاوت واژه‌های لغو و تعلق نخواهد داشت.

### ۳. در سلفی بد می‌افتد

اصلاً فرض کنید که در قاره آفریقا منافع زیادی بود و توانستید با استفاده از آن رونق خوبی در اقتصاد کشور ایجاد کنید! خوب بعد از آن باید از رهبران آن کشورها دعوت کنید که به کشور بیایند. آیا رهبران آن کشورها خوش‌عکس‌اند؟ آیا در سلفی تصویرشان خوب می‌افتد؟ خود شما اگر قرار باشد بین سلفی گرفتن با رؤسای جمهور آفریقا و موگرینی یکی را انتخاب کنید کدام را انتخاب می‌کنید؟

### ۴. آموزش غلط دیپلماتیک

گاهی در قرارهای دیپلماتیک لازم می‌شود که قاطعیت به خرج داده به وسیله‌ای را روی میز بکوبید تا طرف مقابل حساب کار را کرده و زیاده‌خواهی نکند. تردد زیاد به جنگل‌های آفریقا ممکن است باعث شود خدای ناکرده هوس کنید نارگیلی چیزی بکوبید روی میز مذاکره و میز مذاکره از وسط بشکنند و دیگر نتوانید به دیپلماسی عقلایی ادامه دهید.

### خانه پدری

فرشته پناهی  
شاعر

باز هم بوی قیمة پیچیده  
پوی استانبولی نذری هم  
آخ جان باز هم منو باز است  
طی یک ماه توی یخچالم

در به در می‌دوم پی نذری  
دوسه تا هم برای بیماران  
می‌نمایم ذخیره آخر دست

پای هر چایخانه می‌نوشم  
چند تا چای پشت هم، زوری!  
تا بگورم شفا ز هر مرضی  
می‌کشم رُس چایی و قوری!

دود اسفند روضه‌های حسین  
می‌برد هوش را به کل زسرم  
حس و حال و بساط روضه و اشک  
عین فطرس شفا دهد به پرم

می‌شوم بین خوبها جاساز  
می‌شوم یکهو خادم هیأت  
عینهو دوستان شش‌دنگش  
می‌کنم هی به این و آن خدمت

هیأت و روضه خط پایان  
پوچی و بی‌کسی و در به در نیست  
به! چه خوب است حال من اینجا  
هیأت انگار خانه پدریست!

### صحبت‌ها

صامره حبیبی  
شاعر

گوش از دیوار صحبت می‌کند  
خرج از بازار صحبت می‌کند

زیر میزی هست ویتامین «ز»  
دکتر از بیمار صحبت می‌کند

کارتخوان چیزی نمی‌خواند چرا  
چونکه از آمار صحبت می‌کند؟

در فجازی عکس عاشق می‌شود  
غنچه از «گلزار» صحبت می‌کند

الامان از یک کلاغ و چل کلاغ  
تاکسی از اخبار صحبت می‌کند

با «من و تو» بی‌من و تو می‌شود  
هر که از اغیار صحبت می‌کند

پاره شد فرهنگ و کوچک شد حیا  
پاچه از شلوار صحبت می‌کند

چشم بسته راه خود را می‌رود  
خواب از بیدار صحبت می‌کند

خانه مانه، بچه مچه، پول مول  
کارگر از بار صحبت می‌کند

بحث جذابی است امرار معاش  
از معاش امرار صحبت می‌کند

«هرچه می‌خواهد دل تنگت بگو»  
طوطی از اسرار صحبت می‌کند

### دیالوگ حدسی

زلنسکی: ای بابا! بیا بریم زن! تا ما اینجا وایسیم دو  
تا شهر دیگم سقوط می‌کنه.  
محمد مطلبی

زن لباس مشکی: شوهرت یه کت و شلوار نداشت  
بیوشه؟  
زن زلنسکی: ولش کن اعصابش داغونه کسی  
بهش محل نداده!

زلنسکی: دوباره موقع خداحافظی شد، یک ساعت  
می‌خوان وایسن جلو در حرف بزبن.  
مرصیه سادات آل ایوب

# سُرتان را از سر مظلوم کم خواهیم کرد دست ظالم سمیت قرآن را قلم خواهیم کرد



فرایند سیر کردن افراد توسط مویش های در حال انقباض





# زنان



یا حتی خودمان درگیر آنها می‌شویم! آن وقت است که فکر می‌کنیم آیا می‌شود روزی ما در یک شرایط مناسب عزاداری قرار داشته باشیم و بخوبی عزای مولای خود را برپا کنیم؟

این مسائل حول زنان و نسبت آنها با ماه محرم و قیام عاشورا موضوع این شماره ماست که شما را دعوت به خواندن آنها می‌کنیم.

انجام می‌شود؟ گاهی هم فکر می‌کنیم که آیا غیر از حضرت زینب(س)، زنان دیگری نیز بودند که در این راستا یا برخلاف جریان عاشورا اثرگذار بوده‌اند؟ آیا می‌توان از تحلیل شخصیت آنها برای فضای امروز جامعه بهره گرفت؟

گاهی هم خیلی ساده وقتی در یک مراسم عزاداری شرکت کرده‌ایم مشکلات زنان در مراسم‌ها به چشم‌مان می‌آید

مراسم‌های دهه اول محرم برگزار شد و همچنان نیز مراسم‌ها در برخی نقاط کشور برقرار است. شاید ذهن شما هم در این مدت مشغول سوآلاتی در خصوص زنان شده باشد:

ما گاهی فکر می‌کنیم که حضرت زینب(س) چه نقش عظیمی در قیام عاشورا داشته است و می‌اندیشیم که آیا تبیین صحیح و کاملی از شخصیت ایشان در این مراسم

سخن‌دبیر

زنان عاشورایی

سیده نرگس حسینی

دبیر گروه زنان

rhosseini17@gmail.ir

## بررسی مشکلات زنان در هیأت‌های مذهبی

# مجلس برای خواهران نیز برقرار است

برای فراگیر شدن این اقدام، توجه به دو نکته ضروری است:

کودکان حدودیک‌الی هشت سالگی (متغیر) نیاز به مهد کودک دارند و تجربه محیط مستقیم هیأت برایشان مناسب نیست و اغلب از تاریکی و صدای بلند روضه می‌ترسند یا نیازمند محیط آزادتری برای بازی و جنب و جوش هستند و برای نوزادان زیر یک سال هم موارد تاریکی و صدا صدق می‌کند. اما نکته‌ای که بهتر است در کنار فراهم کردن محیط مهدکودک لحاظ شود، جدا نکردن کامل این فضا از هیأت است، به طوری که بتوان گفت این کودکان اساساً هیأت رفته‌اند. بنابراین بهتر است صوت سخنرانی، بخشی از روضه و سینه‌زنی با صدای آرام برای آنان پخش شود یا در بهترین حالت بازی‌ها، نمایش، رنگ‌آمیزی یا حتی عزاداری متناسب با فهم و سن آنان و همچنین مناسبت مراسم اجرا شود تا کودکان هم بتوانند به میزان فهم کودک کدکانه خود از مراسم بهره‌بردارند.

بهرتر است از ابتدای تدارک فضای هیأت، مکانی (مشترک یا غیر مشترک با مهدکودک احتمالی) برای حضور مادر و کودک در نظر گرفته شود. مکانی که صدای صوت در آن کمتر از مراسم است، چراغ‌ها خاموش نمی‌شود و فضای آزاد برای بازی کودک، تعویض پوشک و شیردهی دارد. در این صورت مادرانی که به هر دلیل نمی‌توانند حتی از فضای مهد استفاده کنند را به خود مبتلا کرده و نه از جمله مسائل غیرقابل تغییر و بدون انعطاف است، همان طور که در هیأت‌هایی نیز شاهد برطرف شدن یک یا چند مورد آن‌ها به شیوه مطلوب هستیم. امید است که با گسترده شدن حلقه تصمیم‌گیری پیش از برپایی هیأت‌ها از نظرات، نقدها و پیشنهادات بانوان نیز جهت برطرف کردن مسائل موجود به نحوی که بهترین بهره‌برای تمامی عزاداران فراهم شود، استفاده شود.

اما مشکل بسیاری از مادرها نبود مهدکودک یا عدم پذیرش کودکان زیر سه سال است. مادر دختر بچه دو ساله‌ای می‌گوید: «در هیأت‌هایی که نزدیک خانه ما هست مهدکودک وجود ندارد. فضا هم طوری نیست که بچه‌ها بتوانند راحت باشند و بازی کنند. خیلی از وقت‌ها سایر



افراد مستقیماً به ما اعتراض می‌کنند و گاهی هم از سر و صدای بچه‌ها دلخوری پیش می‌آید. من نمی‌توانم تنها به هیأت بیایم یا نوزادم را کاملاً ساکت نگه دارم و از طرفی هم دوست دارم که از کودکی در این فضا باشد.» مادر دیگری می‌گوید: «خیلی از مهدکودک‌ها کودک زیر پنج یا در بهترین حالت، سه سال را قبول نمی‌کنند. حتی برای ساعت‌های محدود. خود مراسم هم مناسب کودک نیست، هم از نظر کافی نبودن فضا و تهویه و هم صدای بلندگوها هنگام روضه. کودک من از تاریکی و صدای بلند می‌ترسد و گریه می‌کند؛ اگر خواب باشد هم آشفته بیدار می‌شود. این داستان برای اکثر شب‌ها و هیأت‌های مختلف برای من وجود داشت.» البته که صحبت از مهدکودک‌ها حرف نو و جدیدی نیست و خوشبختانه در سال‌های اخیر بسیاری از هیأت‌ها سعی در نظر گرفتن محیطی برای مهدکودک دارند، ضمن امیدواری

شامل می‌شوند. در اصل نظم و شور سینه‌زنی که میاندار بتواند متناسب با توان جسمی و فضای مراسم در بین زنان ایجاد کند، نیاز پنهانی است که شاید سال‌هاست در پس پرده تصمیم‌گیری‌های اطاق فکر هیأت‌ها که اکثراً خلأ دید زنده در آن حس می‌شود، وجود دارد. البته

شامل می‌شوند. در اصل نظم و شور سینه‌زنی که میاندار بتواند متناسب با توان جسمی و فضای مراسم در بین زنان ایجاد کند، نیاز پنهانی است که شاید سال‌هاست در پس پرده تصمیم‌گیری‌های اطاق فکر هیأت‌ها که اکثراً خلأ دید زنده در آن حس می‌شود، وجود دارد. البته مراسم‌ها در برخی نقاط کشور برقرار است. شاید ذهن شما هم در این مدت مشغول سوآلاتی در خصوص زنان شده باشد: ما گاهی فکر می‌کنیم که حضرت زینب(س) چه نقش عظیمی در قیام عاشورا داشته است و می‌اندیشیم که آیا تبیین صحیح و کاملی از شخصیت ایشان در این مراسم

که باید گفت این مسائل غیرقابل حل نیست؛ همان طور یکی از خانم‌ها می‌گوید: «چندین سال قبل در خیلی از هیأت‌ها ویدیوپروژکتور وجود نداشت و این حرف که تصویر سخنران (که اغلب در قسمت مردانه است) باید در قسمت زنان هم پخش شود تا توجه مخاطب بهتر جلب شود، حرف نو و شاید عجیبی بود. اما الان در خیلی از هیأت‌ها وجود دارد یا حداقل به فکر آن هستند و خواسته قابل قبولی است. من فکر می‌کنم میاندار زن در سینه‌زنی هم باید همین طور شود.»

از مشکلات مشترک زنان که بگذریم، مسائلی نیز وجود دارد که مادران جمع عنوان می‌کنند. زنانی که نه تنها از مشکلات خود می‌گویند بلکه از زبان عزاداران کوچک نیز مسائلی را عنوان می‌کنند. یکی از مهم‌ترین این نکات وجود مهدکودک‌هاست که خود بحث مفصلی را می‌طلبد و در چند سطح قابل بررسی است؛

با توجه به شرایط ذکر شده فوق در زمان حال کمتر شاهد آن هستیم. در صورتی که حال ما هیأت‌ها را در مقیاس بزرگ و شهری داریم که در بهترین حالت جمله «مجلس برای خواهران برقرار است» در پوست‌ها قرار می‌گیرد و این برقراری اغلب صرفاً به منظور در نظر گرفتن فضایی برای حضور زنان است اما آیا دید زنده و در نظر گرفتن نیازمندی‌های زنان برای استفاده بهینه از مراسمات در این مکان‌ها لحاظ می‌شود؟

دختر نوجوان ۱۴ ساله می‌گوید: «بچه‌تر که بودم، محرم‌ها با پدرم به یکی از هیأت‌های معروف تهران می‌رفتم و چون مادرم از برادر کوچک‌ترم مراقبت می‌کرد، با ما نمی‌آمد و من همراه پدر می‌توانستم به قسمت مردانه بروم. خاطریم هست که هر دو سمت تکیه دو علم بزرگ داشت و پشت سخنران هم کتیبه بزرگی نصب بود بعد از تاریکی روضه، چراغ‌هایی قرمز روشن می‌شدند و همه صف می‌بستند و هماهنگ سینه‌زنی می‌کردند. اما الان در قسمت زنانه هیچ کدام را نداریم.» همچنین دختر دانشجو که ساکن خوابگاهی در تهران شده است نیز می‌گوید: «هیأت‌های تهران آن طور که فکر می‌کردم، نبود. ما که ایرانی و عرب زبان هستیم در شهر خودمان عزاداری زن‌ها حتی ویژه‌تر از مردها است. ما سینه‌زنی خاص خودمان را داریم و مراسمات شور زیادی دارد. اما اینجا این طور نیست و اصل مراسم صرفاً تا پایان روضه‌هاست.» البته که مانند این صحبت‌ها کم نیست و مشاهدات میدانی نیز می‌تواند این موارد را تأیید کند.

حالا که چند سالی است علاوه بر محتوای سخنرانی و مداحی‌ها، دکور هم مورد توجه برگزارکنندگان هیأت‌ها قرار گرفته و با استفاده از آن می‌توان علاوه بر انتقال مفاهیم، حس و حال بهتری را برای مخاطب ایجاد کرد؛ چرا این فضا سازی در قسمت زنانه کم‌رنگ است؟ نکته قابل تأمل دیگری که در صحبت‌ها مشترک بود، نبود میاندار در قسمت زنانه برای برقراری نظم سینه‌زنی است. موضوعی که البته در چند سال اخیر در حال مطرح شدن است اما به تلاش و توجه بیشتری نیاز دارد. شور مراسم‌ها همواره در سینه‌زنی‌ها بخش مهمی از مراسم‌ها را

فرناز اینانلو

فعال حوزه زنان و خانواده

اثرات تغییرات شهرنشینی دهه‌هاست که کشور ما را تحت تأثیر خود قرار داده است. با افزایش عمودی‌سازی شهرها و آبارتمان‌نشینی کم‌کم دیگر این شکل ساختمان‌ها نبود که تغییر کرد، بلکه سبک زندگی و فرهنگ‌ها نیز متناسب با این نوع شیوه زندگی تغییراتی داشت. یکی از این دست تغییرات که شاید کمتر به آن توجه شده باشد شیوه عزاداری و برپایی هیأت‌های مذهبی بخصوص در دهه‌های محرم، فاطمیه یا سایر مراسم عزاداری و عیاد بزرگ ما شیعیان است.

نمی‌توان گفت که به طور کلی این تغییرات منفی و آسیب‌زا هستند اما باید توجه داشت که هر تغییر در طول زمان نیازمند بازبینی، اصلاح و رفع نواقص احتمالی است. موضوع دقیق‌تر مورد بحث این یادداشت مشکلات حضور زنان در هیأت‌های مذهبی است و بدین منظور با تعدادی از عزاداران هیأت‌های محرم که نوجوان، مجرد، متأهل، مادر و میانسال بودند صحبت شده است.

وقتی صحبت از تغییر سبک برپایی هیأت‌های عزاداری می‌کنیم، منظور تغییر از سبک پراننده و کوچک به متمرکز و وسیع است؛ یعنی در نیم قرن گذشته هیأت‌هایی که اکثراً در محله‌ها، خانه‌ها یا نهایت مساجد شهر که خود به نسبت حال کوچک و متناسب با جمعیت محله بودند، تبدیل به هیأت‌های بزرگ (بخصوص در شهرها) شدند که با توجه به کوچک شدن متراز خانه‌ها، محدود شدن فضای محله‌ها و افزایش جمعیت، امری غیر قابل اجتناب است اما نکته این است که با وجود شرکت نسبتاً مساوی در این مراسم بین مردان و زنان، اما تغییرهای آن متناسب با شرایط دوری آن‌ها نبوده. در زمان قدیم تعداد زیادی از این هیأت‌ها در طول روز در خانه‌ها به شکل کاملاً زنانه برپا می‌شده است که قالب برنامه‌ریزی و مراحل اجرایی نیز توسط خود آن‌ها هدایت و مدیریت می‌شده؛ امری که



در بهترین حالت جمله «مجلس برای خواهران برقرار است» در پوست‌ها قرار می‌گیرد و این برقراری اغلب صرفاً به منظور در نظر گرفتن فضایی برای حضور زنان است. اما آیا دید زنده و در نظر گرفتن نیازمندی‌های زنان برای استفاده بهینه از مراسمات در این مکان‌ها لحاظ می‌شود؟

## آنچه امروز از واقعه عاشورا بازخوانی می‌شود، حاصل تلاش‌های زنانی است که ذلت نپذیرفتند و روح آزادی و آزادگی قیام عاشورا را حفظ کردند و در تبیین و توییح هر آنچه خلاف آن است، سخن گفتند

### سرنی در نینوامی ماند اگر زینب نبود

بررسی نقش حضرت زینب(س) در قیام عاشورا

مرصیه شعرباف  
مدرس دانشگاه حوزه پژوهشگر

از جمله وقایع پررنگ قیام امام حسین(ع) نقشی است که حضرت زینب(س) از عصر عاشورا به عنوان پیام‌رسان این واقعه ایفا نمودند. در واقع رساندن دلیل قیام امام(ع) و روند اتفاقاتی که در نهایت منجر به شهادت امام، یاران و خانواده‌شان شد، مسأله‌ای بود که اگر ایشان در باب آن روشننگری نمی‌کردند، در همان صحرای کربلا به دست فراموشی سپرده می‌شد. تنبیهی که سخنان و خطبه‌های ایشان به مردم کوفه داد و نشان دادن چهره واقعی اسرا که در شام اتفاق افتاد، کار ویژه ایشان در روزهای پس از شهادت امام بود.

ما در صفحات تاریخ پس از عاشورا و بازگشت اسرا از کوفه و شام به مدینه، اخبار خاصی از حضرت زینب(س) نداریم، کما اینکه پیش از قیام کربلا نیز، غیر از اینکه ایشان معلم تفسیر قرآن برای زنان مدینه بودند، خبر ویژه‌ای در دسترس نیست. با این حال اتفاقی که باید می‌افتاد، در زمان درست و به صحیح‌ترین شیوه توسط ایشان رقم خورد و این دقیقاً نکته‌ای است که قابلیت الگوگیری از حضرت زینب را دوچندان می‌کند. شخصیتی چنان با صلابت که بتواند با وجود آن همه داغ و درد و مصیبت، کاروان اسرا را هدایت کند، از جان امام سجاد(ع) حفاظت نماید و کوبنده و با صلابت شهر به شهر و مجلس به مجلس از جنایت اتفاق افتاده پرده بردارد و چهره حقیقی سفاکان کوفی و شامی را نشان دهد، شخصیتی است قوام یافته، متصل به سرچشمه معنویت و آگاه از زمان.

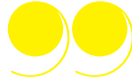
از عاشورای ۶۱ هجری تاکنون، هرکجا در جوامع اسلامی ظلمی اتفاق افتاده و بانگ اعتراض بلند شده، تحریف و بدعتی اتفاق افتاده و فریاد و اسلاما برخاسته، زینبی به تاسی از پیام‌آور کربلا، کنار قیام کنندگان بوده است. زنان در طول تاریخ خود را در متن وقایع جایابی کرده‌اند. خود را زینبی دیده‌اند که رسالتش مخیره هدف شهدا

وقیام کنندگان به دیگران و بلکه سراسر دنیا و هدفش صبر زینب گونه بر مصیبت وارده و تبدیل تهدید به فرصت بوده است.

تربیت یافتگان مکتب زینب(س) آنچه باید می‌آموختند را از ایفای نقش ایشان در دو ماه بعد از واقعه عاشورا آموخته‌اند. آموزشی که به لحاظ کمی اگرچه کوتاه است، چنان با کیفیت و پرمغز است که توانسته در طول ۱۴ قرن روشن‌کننده مسیر دلدادگان باشد و طی قرن‌ها، هنوز حرکت حضرت، راهنمای زنان و مردانی است که قدم در مسیر حق می‌گذارند.

وقایع پس از عاشورا نشان از اهمیت نقش همه مسلمانان در حفظ و حراست از دین دارد. زن و مرد به یک اندازه موظف به ایفای نقش هستند و در صورت تشخیص صحیح و بموقع، می‌توانند گامی مؤثر در انجام رسالت دینی خود بردارند. از کاروان کربلا به جز امام سجاد(ع) که در بستر بیماری بودند، مرد دیگری زنده نماند و همه بار تکمیل رسالت را زنان و بویژه عقیده بنی‌هاشم به دوش کشید، ولی چنان با اراده و مصمم و چنان آگاه و مسلط این کار را انجام داد که حقیقت دین در اعصار و قرون گم نشد و گرد فراموشی بر اصل واقعه ننشست.

سال‌های دفاع مقدس، آینه‌ای بود که بخوبی نشان داد زنان درس خود را بخوبی آموخته‌اند و زینب‌های هر صحنه نبردی، پیام‌رسان واقعیت آن نبرد هستند و با صبوری که ریشه در ایمان آن‌ها دارد مکمل نقش همسران و پدران خود در میدان جنگ هستند. زنانی که پس از هر خبر شهادت با صلابتی مثال‌زدنی شهید خود را به اسلام تقدیم کردند و نهال انقلاب را آبیاری. و این صبر و مجاهدت زینب گونه، لحظه به لحظه در تمام زندگی مجاهدان راه حق ساری و جاری است. تشخیص آگاهانه، عمل بموقع، دفاع از حریم دین، صبر بر مصیبت در راه حق، غفلت نورزیدن از ارتباط و اتصال با خداوند، همه و همه، درس‌هایی است که از حرکت انقلابی زینب(س) به شاگردان مکتبش به یادگار مانده است.



### خوانشی زنانه از روح عاشورا

نقد و بررسی برنامه «علامت» شبکه دوسیمیا

فاطمه امی  
خبرنگار حوزه زنان و خانواده

آزادگی تا زینب کبری(س) که طلایه‌دار زنده نگه داشتن پیام و رسالت امام بود، در خلال گفت‌وگوهای این برنامه پرداخته شد.

بحث آزادی با صیغه مؤنث در سیر صحبت‌های محسن قنبریان در دهه محرم به اینجا می‌رسد که عصیان زن علیه شرایط و وظایف طبیعی‌اش اگر برای خدا باشد موجب تمجید خواهد شد و برای نمونه عینی آن نیز می‌توان از زن خولی نام برد. تفاوت آزادی در اسلام با تعبیر غربی از آزادی نیز یکی از مسائل مبنایی است که در قسمت پنجم برنامه به آن پرداخته می‌شود. در واقع فرق میان آزادی بر اساس میل و آزادی بر اساس ارزش‌های عقلانی و غایی. در گفت‌وگو با محسن قنبریان به موضوع مسئولیتی که آزادی به همراه خود دارد نیز پرداخته می‌شود. اهمیت این مسأله جایی مشخص می‌شود که در تعاریفی که از آزادی به گوشمان خورده، مسئولیت اجتماعی رابطه‌ای با مفهوم آزادی ندارد. در واقع آزادی‌ای که تعهد به هیچ چیز ندارد و همان بی‌قیدی است، به نام آزادی معرفی می‌شود. در واقع عاشورا مسئولیت اجتماعی زنان بنی‌هاشم در قبال حسین بن علی به کثرت دیده می‌شود. زنانی که همراه کاروان می‌شوند و در نهایت فرزندان و همسران خود را فدای این مسئولیت، که برای رسیدن به آزادی تقبل کرده‌اند، می‌کنند. «آزادی» پرتکرارترین واژه برنامه علامت است که بطور کامل در هشت قسمت چهل دقیقه‌ای حلاجی می‌شود و از تمام ابعاد بررسی می‌شود. هدف از آن نیز تبیین آزادی و آزادگی اصیل اسلامی و ارزش‌های هم‌جهت با آن در مقابل آنچه از آزادی و اسلام به صورت تحریف شده و در اختیار جامعه قرار می‌گیرد، می‌باشد و این همان ذات و عصاره قیام ابا عبدالله است و مهم‌ترین نقش زنان حاضر در واقعه عاشورا حفظ و گسترش همین پیام بود. پیامی که محرم امسال و در این برنامه بطور منسجم به آن پرداخته شد. خصوصاً اینکه زنان به‌عنوان عنصر فعال جامعه و تأثیر عمیق آنها برای اولین بار بررسی شد. فصل سوم این برنامه به تهیه‌کنندگی سید مجید اکرمی و کارگردانی مصطفی الوان روی آنتن رفت و نمونه‌ای از تبیین وقایع مذهبی بود.

محرم امسال شبکه دوسیمیا میزبان فصل سوم برنامه علامت بود. برنامه‌ای که در هشت روز ابتدایی ماه محرم، نقش زنان را در واقعه کربلا بررسی کرد. به عبارت دیگر در گفت‌وگو با کارشناس برنامه، حجت‌الاسلام قنبریان، خوانشی زنانه از قیام عاشورا ارائه داده شد. موضوع این سلسله برنامه حول محور شعار عاشورا یعنی آزادی بود. آزادی که توسط زنان حاضر یا غایب در حماسه حسینی تبیین شد. زنان در این واقعه هر کدام وظیفه‌ای بر دوش داشتند؛ از زمینه‌سازی تا مبارزه و گسترش پیام اصلی این پدیده عظیم. در واقع آنچه امروز از واقعه عاشورا بازخوانی می‌شود حاصل تلاش‌های زنانی است که ذلت نپذیرفتند و روح آزادی و آزادگی قیام عاشورا را حفظ کردند و در تبیین و توییح هر آنچه خلاف آن است، سخن گفتند. هر قسمت از این برنامه با ضمائم عربی نام‌گذاری شد و داستان شخصیت‌ها و تأثیر مستقیم و غیرمستقیم آنها را بازگو می‌کرد. بطور مثال نام قسمت دوم از «علامت»، سعدی دختر عبدالرحمن عوف و عایشه دختر طلحه از کاخ‌نشینان و این دو نمونه مثال زنانی هستند که مرزهای اخلاقی را درمی‌نوردند و در کنار آن با طاغوت زمان خود می‌سازند اما از قدرت عصیان خود علیه یزیدیان استفاده نمی‌کنند. بازگویی ماجرای این زنان حاوی پیام قدرت و لزوم دخالت آنها در مسائل مهم حکومت است. گفت‌وگو به زنان بی‌انتخاب و حزب‌باد می‌رسد. زنانی مانند اکثر زنان کوفه که در مقدرات مهم جامعه دخالت نمی‌کنند و همچنین زنانی با انتخاب بد یا انتخاب‌های چوخته و تحت تأثیر تبلیغات مخرب علیه ابا عبدالله و در مقابل آن از زنانی با انتخاب برتر یاد می‌شود که آزادی و آزادگی خود را، به تبیین کارشناس برنامه، خرج انتخاب درست و حسینی شدن کردند. بنابراین از طیف مختلف زنان، از زنان غایب و خلاف جهت



### حجاب از ایران تا غرب

بررسی دو کتاب مسأله حجاب در غرب و در جمهوری اسلامی

فریده افشار  
فعال حوزه زنان و خانواده

کشور بزرگ آن زمان اروپا، یعنی ایتالیا، فرانسه، انگلیس و آلمان به تفصیل توضیح داده شده است که به لحاظ فهم دقیق تغییر و تحولات واقع شده طی قرون متمادی و برنامه‌ریزی قدرت‌های بزرگ در راستای منافع خاص سیاسی، فرهنگی، اقتصادی خود در این حوزه بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که در نظر کارشناسان امر، تغییرها در حوزه لباس و پوشش در اروپا، از بعد از نیمه دوم قرن بیست، نه یک پروسه بلکه یک پروژه بوده است.

در کتاب مسأله حجاب در غرب به دلایل رویگردانی و مخالفت با حجاب در غرب نیز پرداخته شده است و از آنجایی که بررسی مباحث مربوط به زنان در هر کدام از زمینه‌های آن در جهان غرب بدون توجه به جنبش فمینیسم امکان ندارد، در این کتاب به نخله‌های معروف فمینیستی و نقش آنها در حجاب‌گریزی زن‌ها نیز پرداخته شده است.

در انتهای کتاب نیز به دلایل اقبال به حجاب در غرب در سه ساخت شناختی، گرایشی و رفتاری پرداخته شده است. در کتاب مسأله حجاب در جمهوری اسلامی نیز به جایگاه

علت عقب‌ماندگی ملل اسلامی نسبت به غرب ریشه در کم‌کاری و ضعف برنامه‌ریزی و مدیریت آن‌هاست نه التزام آن‌ها به حجاب!

خلاصه کلام آن که هم ریشه توسعه را باید در امری غیر از بدحجابی یعنی تلاش و مدیریت و برنامه‌ریزی جست‌وجو نمود و هم ریشه عقب‌ماندگی برخی ملل مسلمان را در امری چون کم‌کاری و بی‌برنامگی و فقدان نظم، نه حجاب و پوشش؛ زیرا هیچ دستاورد و محصول علمی ناشی از بی‌بندوباری و لاقیدی نبوده و نخواهد بود.

در انتها نیز باید گفته شود که اگر اسلام قائل به خانه‌نشینی زن و جلوگیری از حضور و فعالیت وی و جلوگیری از تعامل زن با هر فردی جز اهل خانه و محارم اوست، بحث از حد پوشش و تدقیق در ظرایف تعامل با نامحرم امری لغو و بی‌فایده می‌شود و در عمل بستری برای تحقق نخواهد داشت. بنابراین وجود احکامی همچون حجاب، برخلاف تصور خیلی از افراد نشان‌دهنده تأیید حضور اجتماعی زنان است و فقط برای آن حدودی به نفع زنان، خانواده و کل جامعه بشری قائل شده است.

و میانی حجاب و پوشش، حجاب در ادیان، آیین‌ها و ملل، ضرورت‌های حجاب و علل بدحجابی در ایران پرداخته شده و راهکارهایی برای حل مشکل بدحجابی نیز ارائه شده است.

همچنین نکته قابل توجه در این کتاب پاسخ علمی و صحیح به شبهات مطرح شده، نظیر عدم برخورد با بدحجابی در صدر اسلام، فردی بودن حجاب و تعلق آن به حریم خصوصی، معنای عدم آکره در دین، حجاب عامل التهاب بیشتر جامعه، حجاب مانع آزادی و مانع فعالیت زن و همچنین ریشه توسعه یا عقب‌ماندگی جوامع و شبهاتی از این دست است؛ چرا که پاسخ‌های غیرعلمی و ناصحیح به این شبهات در سالیان اخیر آسیب‌های اجتماعی بزرگی را موجب شده است.

علی غلامی در این کتاب علت و ریشه توسعه جوامع غربی را نیز به‌طور واضح اعلام کرده است؛ او این گونه بیان کرده که اولاً ریشه توسعه در غرب از یکسو تلاش و فعالیت و برنامه‌ریزی خود مردمان غرب خصوصاً در قرن بیستم و پس از جنگ جهانی دوم است و از سوی دیگر ریشه در استعمار مادی و معنوی شرق توسط غرب دارد. ثانیاً



در نظر کارشناسان امر، تغییرات در حوزه لباس و پوشش در اروپا از بعد از نیمه دوم قرن بیست، نه یک پروسه بلکه یک پروژه بوده است





آنچه که می‌تواند جایگاه «عشق کوفی» را تثبیت کند این است که پیش از آنکه بخواهیم نقل تاریخ کنیم، قصه‌گویی کرده‌ایم و از دغدغه و آنچه که در حال حاضر برایمان مهم است، صحبت کردیم، نه نقل تاریخی که قرار باشد ثانیه به ثانیه آن را بازگو کنیم

حسن آخوندپور کارگردان:

## تاریخ ایران مخاطب بین‌الملل دارد

حسن آخوندپور در سال ۱۳۹۰ با «شهری که هرگز نمی‌خواهد» یا به دنیای کارگردانی گذاشت اما ۵ سال بعد با ساخت «فرشته دختر احمد» و فیلم کوتاه «باهر» پا را فراتر از مرزهای ایران گذاشت. الهه شهپرست، بازیگر نقش اول فیلم «فرشته دختر احمد» در جشنواره بین‌المللی فیلم ماریا اسپانیا کاندیدای جایزه بهترین بازیگر شد و فیلم کوتاه «باهر» که موفق به حضور در بخش کرتر فستیوال کن شده بود با حضور در جشنواره فیلم‌های ایرانی - سان فرانسیسکو توانست جوایز بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را برای حسن آخوندپور و بهترین بازیگر زن برای محیا دهقانی را از آن خود کند. حسن آخوندپور که در حال حاضر «عشق کوفی» را کارگردانی کرده است، این سریال تلویزیونی را اثری متفاوت قلمداد می‌کند که از حیث پرداخت درام نمونه مشابهی با آن وجود ندارد.

روند ساخت سریال «عشق کوفی» چگونه بود؟ در مورد فراز و فرودهای آن توضیح دهید؟

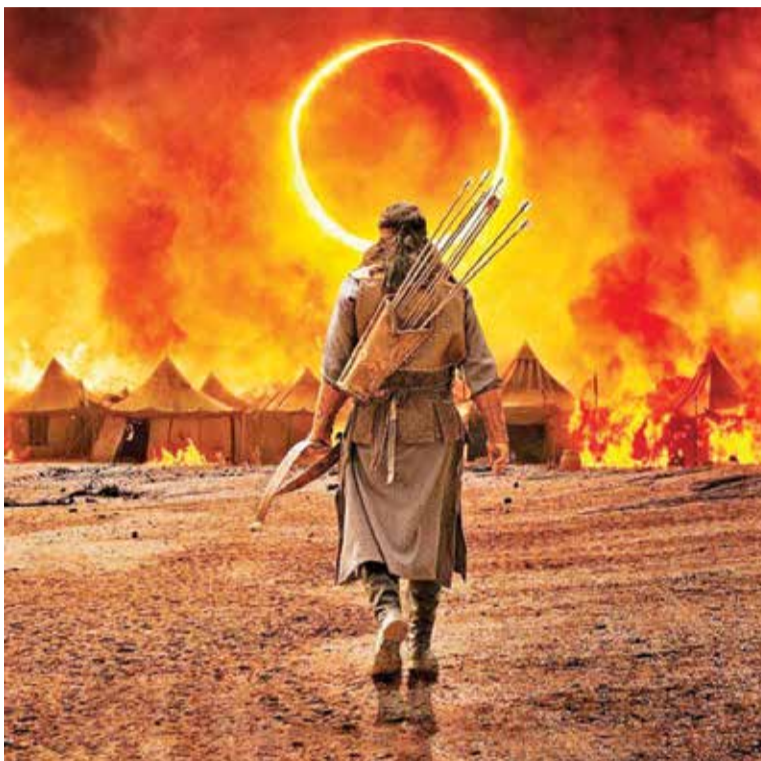
پیش‌تولید این سریال حدود دو ماه به طول انجامید و فیلمبرداری آن در مدت زمان هفت ماه در شهرک غزالی، شهرک سینمایی نور و شهر آبادان انجام شد. غالباً سریال‌های تاریخی پرهزینه، سنگین، زمانبر و دارای فرسودگی‌هایی از جنس تولید هستند که گونه‌های دیگر سریال‌سازی این خاصیت را ندارند؛ صاحبان اثر و حتی تهیه‌کنندگان و کارگردانان با پیش فرض پرهزینه و زمانبر بودن در این چند سال اخیر به دلیل تورم بی در پی، کمتر به سراغ سریال‌های تاریخی - مذهبی رفته‌اند و ترجیح داده‌اند سریال‌های تاریخی - مذهبی را تبدیل به سریال‌های روز با مضامین مذهبی کرده و در اتمسفر زمان حال تولید نمایند. در بین مدیران هم شاید انگیزه یا اراده‌ای برای شروع کارهای تاریخی سنگین به خاطر طولانی بودن زمان تولید و به نتیجه نرسیدن پروژه در دوران مدیریتی مدیران وجود ندارد. اگر سیستم هوشمندی بتواند به پشتوانه تحقیق چند ساله و پشتیبانی به‌موقع از یک تیم توانمند و باانگیزه و با کمترین هزینه البته در قیاس با آثار مشابه ریسک کند و پروژه‌ای را کلید بزند و به سطحی از استاندارد سریال‌سازی برای سرگرم کردن، تأثیر گذاشتن و مدل ارائه‌داده‌اند پروژه در این دست پروژه‌ها شروع خواهد شد و تلویزیون با مشارکت دیگر متولیان و همراهی هنرمندان می‌تواند هر سال چند سریال تاریخی داشته باشد. سریال‌های تاریخی همواره در سرتاسر دنیا مخاطب داشته‌اند؛ یکی از نیازهای امروز تلویزیون ما ساختن سریال‌های تاریخی یا داستان‌ها و افسانه‌های ایرانی است که خوشبختانه تولیدات موفق داشته‌ایم و سریال موفق «مستوران» هم در همین مدل می‌گنجد. وقتی تولیدات زیاد شود فرصت پرداختن به داستان‌های دراماتیک و بی‌نقص اسطوره‌ای و تاریخی ایرانی هم فراهم خواهد شد؛ سریال‌های تاریخی - ایرانی مخاطب‌های بین‌المللی دارند و قطعاً می‌توانند درآمدهای ارزی داشته باشند.

وجه تمایز سریال عشق کوفی با سایر سریال‌های تاریخی و عاشقانه چیست؟

بشدت سعی شده است متفاوت عمل شود و داستان و شخصیت‌های تخیلی این امکان را تا حدودی تسهیل کرده‌اند. قصه اصلی سریال که همان قصه شخصیت‌های اصلی است، تماماً تخیلی است و ذهن طراحان و نویسندگان محترم روایت شده است، اما در بستر این قصه تخیلی، کاراکترهای اصلی که همگی تخیلی هستند با برخی از شخصیت‌های واقعی آن دوران مانند میثم تمار، حبیب بن مظاهر، امه سلمه و... دیدار می‌کنند و در اصل تلفیقی از تخیل وسیع با واقعیت بسیار محدود است. امیدوارم مخاطب ارتباط خوبی برقرار کند. در سریال‌های تاریخی - مذهبی از حیث پرداخت درام نمونه مشابهی با عشق کوفی پیدا نمی‌کنم مگر در آثار سینمایی که می‌شود «روز واقعه» را نام برد.

انتخاب ترکیبی از بازیگران پیشکسوت و جدید، در اجرای کار خلی ایجاد نکرد؟

همواره عوامل مختلفی بر پروسه کستینگ نقش دارند ولی اگر بخواهم در مورد شیوه انتخاب بازیگر از منظر خودم توضیح بدهم، باید بگویم که اساساً بعد از اینکه چندین فیلمنامه را خواندم و از لحاظ فنی بر آن مسلط شدم، بازیگران را کاملاً حسی انتخاب می‌کنم. به دنبال بالانس کردن موضوعی یا ترکیبی از بازیگران چهره و غیرچهره نیستم.



## گفت‌وگو با کارگردان و نویسنده سریال جدید محرمی شبکه سه سیما

# عشق کوفی

# تلفیقی از تخیل وسیع با واقعیت بسیار محدود است

بهناز شریفی  
روزنامه‌نگار

یزدان محمدکاظمی نویسنده:

## برای از کربلا صحبت کردن باید از عشق بگوییم

یزدان محمدکاظمی پیش از این با همراهی فائزه یارمحمدی، سریال تلویزیونی «مستوران» را - که برگرفته از افسانه‌های کهن ایرانی و روایتگر بخشی از تاریخ ایران در دوران صفویان است - به رشته تحریر درآورده است. محمدکاظمی در سریال «عشق کوفی» با همراهی فائزه یارمحمدی دیگر نویسنده این اثر تاریخی - مذهبی، روایت جدیدی از تاریخ را در واقع کربلا و در میان مردمان کوفه بیان می‌کند. وی سریال «عشق کوفی» را تراژدی عشق و مذهب می‌داند که تمام شخصیت‌های اصلی آن مانند مردم کوفه در آن دوره تاریخی بر سر دوراهی قرار گرفته‌اند و تلاش می‌شود با روایتگری در بستر تاریخ حقایق برای مردم روشن و بیان شود. یزدان محمدکاظمی معتقد است تیم نویسندگان در «عشق کوفی» پیش از آنکه بخواهند نقل تاریخ کنند، قصه‌گویی کرده‌اند.

چرا به سراغ طرح قصه‌ای با مضمون عاشقانه در واقع کربلا رفتید؟

هنگامی که با همکارم خانم یارمحمدی مطالعه می‌کردیم که چه کاری را بنویسیم و قبول کنیم، در مورد عشق حضرت علی علیه‌السلام به حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها بسیار خواندیم که عشقی ماندگار در تاریخ بود؛ همیشه به دلیل اینکه نمی‌توانیم تصویر این دو بزرگوار را به نمایش بگذاریم، حسرت به تصویر کشیدن این عشق براساس آنچه در تاریخ، روایات و احادیث وجود دارد، در ما وجود داشت. پس از اینکه سفارش فیلمنامه «عشق کوفی» به ما داده شد، دیدیم مگر می‌شود از کربلا صحبت کنیم و از عشق بگوییم؟ مگر کربلا چیزی جز عشق‌بازی امام حسین علیه‌السلام با خداست؟ کربلا چیزی نیست جز عشق‌بازی کربلاییان با خدا و امامشان؛ از همه مهم‌تر مگر می‌شود آدمی چنین واقعه‌ای را خلق کند که پیش از چندصدسال هنوز ماندگار است اما عاشق نباشد؟ اصلاً وقتی چیزی این چنین جای خود را در دل مردم باز کند و پس از سال‌ها واقعه‌ای ماندگار است، جز عشق نمی‌تواند باشد. عشق ترکیبی است از تعقل و احساسات؛ لذا برای از کربلا صحبت کردن، باید از عشق بگوییم و از شوریدگی آگاهانه احساسات انسان در برابر پروردگار صحبت کنیم.

با توجه به نقش مهم پژوهش در سریال‌های تاریخی، در مورد تحقیقات صورت گرفته در این اثر توضیح دهید؟

پژوهش نقش مهمی در کارهای تاریخی بخصوص مذهبی دارد؛ در مورد بزرگان دین از قبیل امام حسین علیه‌السلام که یکی از نقش‌های پررنگ در واقعه عاشورا - به‌عنوان یکی از ماندگارترین اتفاقات تاریخ - است، منابع بسیار زیادی وجود دارد که سعی بر این شد از دل منابع، مهم‌ترین‌ها و صحیح‌ترین‌ها استخراج شود که با همراهی خوب جناب حجت‌الاسلام حامد کاشانی و مدیریت تیم «عشق کوفی» محقق گردید؛ آنچه می‌بینید از نگاه حجت‌الاسلام کاشانی در پژوهش بیرون می‌آید که ما را راهنمایی کردند تا به کدام حدیث و روایت و تاریخ‌نویس تکیه کنیم.

عشق کوفی قرار است جای کدام یک از سریال‌های تاریخی را پر کند؟

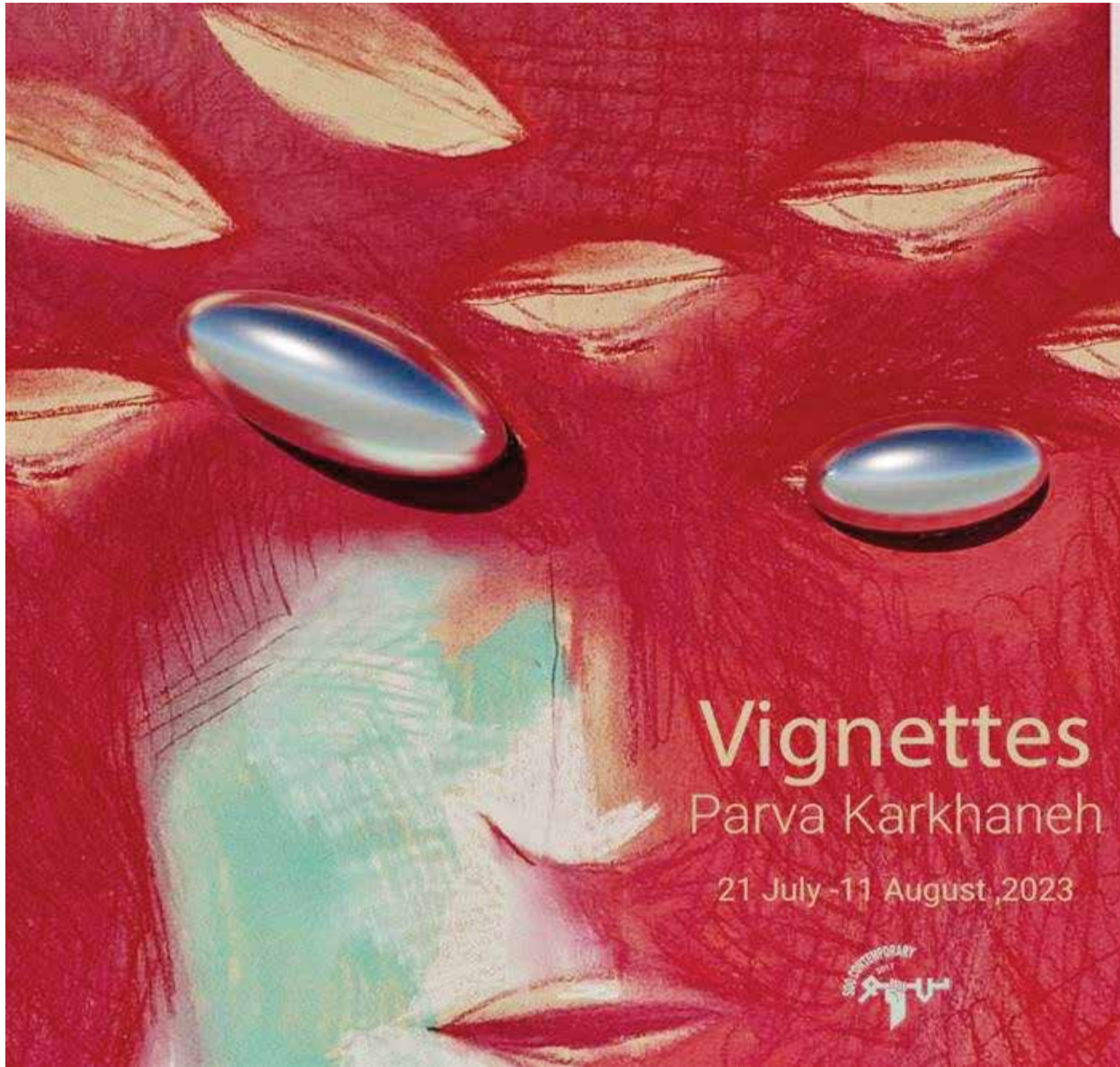
علاقه‌مندیم «عشق کوفی» جای خودش را باز کند و قاعدتاً هم هیچ اثری جای اثر دیگری را نمی‌تواند بگیرد؛ در این حوزه آثار بدیع و ماندگاری خلق شده است اما آنچه می‌تواند جایگاه «عشق کوفی» را تثبیت کند این است که پیش از آنکه بخواهیم نقل تاریخ کنیم، قصه‌گویی کرده‌ایم و از دغدغه و آنچه در حال حاضر برایمان مهم است، صحبت کردیم، نه نقل تاریخی که قرار باشد ثانیه به ثانیه آن را بازگو کنیم؛ سعی کردیم با قصه‌گویی اندیشه‌ورزی کنیم و احساسات مخاطب را دچار غلیان کنیم.

نقاط قوت و ضعف پیش‌روی نویسنده برای فیلمنامه مشترک چیست؟

فیلمنامه اشتراکی حسن و معایبی دارد که وزن حسن‌ها بیشتر است؛ نگاه دو نفر یا بیشتر بر یک فیلمنامه، باعث کیفیت بیشتر اثر می‌شود که به ما ثابت شده است؛ از طرفی به دلیل اینکه نظرات متفاوت بین افراد وجود دارد، سرعت را دچار کندگی می‌کند؛ اما به طور کلی فیلمنامه‌نویسی کار سختی است که از عهده یک نفر به تنهایی برنمی‌آید.



«عشق کوفی» دهمین سریال سازمان هنری رسانه‌ای اوج و اولین محصول تاریخی - مذهبی آن است که به عنوان اولین سریال هفتگی شبکه سه سیما پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها از ساعت ۲۰:۳۰ روی آنتن می‌رود. اوج پیش از این فصل اول «مستوران» را نیز روی آنتن برده است.



## گالری گردی به وقت مرداد

# از «هزار توی» انزوا تا «راه می‌رویم، حرف می‌زنیم»

سمیه دهقان زاده

روزنامه‌نگار

اگر اهل دل و به تبعش اهل هنرید، بویژه هنرهای تجسمی، پس گالری گردی و نمایشگاه بینی در خنکای محوطه گالری‌ها و گرما گرم فراغت تابستان عجیب قواره ذهن و روح‌تان است. بحق هم نمایشگاه‌های خوبی این روزها برپاست از مجموعه ناعکاسی «هزارتو»ی امیرحسین محمد کریمی گرفته تا نمایشگاه «منتخب نسل نو ۱۳» با آثار ۴۴ هنرمند حوزه هنرهای تجسمی که حرف‌های جالبی به زبان هنر دارد که شنیدنی است. دومین ماه از دومین فصل سال ۱۴۰۲ را می‌خواهید چطور در این تهران

دردنشت بگذرانید و بعد از کار و تلاش روز را به شب پیوند زنید؟ اگر اهل دل و به تبعش اهل هنرید، بویژه هنرهای تجسمی، پس گالری گردی و نمایشگاه بینی در خنکای محوطه گالری‌ها و گرما گرم فراغت بیشتر تابستان عجیب قواره ذهن و روح‌تان است. می‌پرسید کجا و چطور و چه وقت؟ سؤال‌های به جایی است و ما جواب‌هایش را برایتان در بسته‌بندی شیک و تر و تمیز آماده کرده‌ایم که خواندن خالی از لطف نخواهد ماند. پس این شما و این اوقات فراغت مرداد ماه به وقت گالری گردی در پایتخت:

**خانه هنرمندان:** اولین پیشنهادمان خاص است و منحصر به فرد. نمایشگاه عکس «هزارتو» سومین مجموعه ناعکاسی است و در آن می‌توانید عکس‌های امیرحسین محمد کریمی را به تماشا بنشینید. این نمایشگاه تا ۲۴ مرداد در خانه هنرمندان به نشانی خیابان طالقانی، خیابان موسوی شمالی (فرصت)، ضلع جنوبی باغ هنر برپاست. در بخشی از توضیح پروژه ناعکاسی آمده است: [نا]عکاس شاید هنوز کاسبکارانه نمی‌اندیشد. مسأله‌مندی‌های خودش را چیست و چو می‌کند، بی‌آنکه سودایی در سر داشته باشد تا قلعه‌ای را فتح کند. کرده‌هایش و بجامانده‌هایش پیش‌روتر از آوازه‌اش در حرکت خواهند بود (اگر تمنای شهرت در کار باشد). [نا]عکاس نمی‌خواهد خود را در متن جماعتی جا کرده و از این راه آتیه‌اندیشی کند. پرسه می‌زند، کشف می‌کند، صبوری می‌کند، خط تولیدی عمل نمی‌کند (کارخانه که نیست) متوقف نمی‌شود (با آخرین مجموعه درخشان از عکاسی خداحافظی نمی‌کند). شاید کمی هم آسایش‌گریز باشد اما راضی به فقرفروشی در فریم‌هایش نمی‌شود.

محمد کریمی در توضیح این نمایشگاه گفته است: «دیگر به این هوای گرم و نموری که به صورت‌م می‌خورد عادت کرده‌ام. هوایی که از انتهای پله‌ها می‌آید و نفس هزاران نفر را با خود به همراه دارد. هزاران نفری که قرار است به آنها ببینم. پله‌های سرد و راهروهای پر پیچ و خم این هزارتو را طی می‌کنم تا در انتها به سدی از دیگران برمی‌خورم. در یکدیگر مجاله می‌شویم تا کوچک‌ترین فضای خالی را هم پر کنیم. این بدن‌های درهم تنیده و چهره‌های خاموش حکایت از یک چیز دارد: انزوا!

تنها و منزوی بودن، خاص این هزارتو است تا با قدم گذاشتن در آن معنای با هم بودن و زندگی را فراموش کنی و در این شهر، چه بسیار است چنین هزارتوهایی که برای ما ساخته شده!» حال بیا بید به سراغ گالری‌های اقصی نقاط تهران برویم و بودن و تماشای آثار نمایشگاه‌های دایر در آنها لذت ببریم.

**پروژه‌های آران:** نمایشگاه گروهی «جایی دیگر» با نمایش آثار متنوعی از ۱۷ هنرمند تا ۲۰ مرداد در پروژه‌های آران به نشانی خیابان نوفل لوشاتو کوجه لولاگر پلاک ۵ برای علاقه‌مندان برپاست.

در بیانیه این نمایشگاه آمده:

این نمایشگاه با آثاری گوناگون که در عین اینکه نمایشگر ذهنیت هنرمندان هستند ولی در ضمن رابطه دشوار و اخلاک‌گر هنرمند با واقعیت را نشان می‌دهند، شکل گرفته. گستره‌هایی که تناقضات را نشان می‌دهند و مخلوطی هستند از ایده‌آل‌ها و آنچه که دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد. گشایش‌ها و انسدادها. بریده‌هایی از جهانی نه کاملاً واقعی و نه کاملاً مجازی که بیشتر به جهت نیاز عاطفی شکل می‌گیرند: جایی دیگر. جدا شدن از جهان واقعی یک سنت ایرانی است که بخوبی در ادبیات و هنر ایران و حتی در طنز تلخ ما جلوه می‌کند. حقیقت تلخ روزمره ما پرورده بعدی دیگر جبران می‌شود و خیالات و توهمات برخی دوست داشتنی یا نه، جای واقعیت را می‌گیرند.

**گالری سو:** نمایشگاه با عنوان «شمایل» تا ۲۰ مرداد در گالری سو به آدرس خیابان ویلا، خیابان سمیه، خیابان پورموسی، شماره ۳۰ برپاست.

**نگارخانه لاله:** «از قهوه‌خانه تا سقاخانه» نمایشگاهی است که تا ۲۳ مرداد در گالری لاله به نشانی خیابان دکتر فاطمی، ضلع شمالی پارک لاله، روبه‌روی پارکینگ طبقاتی پرگزار می‌شود. در این نمایشگاه منتخب آثار ۲۵ هنرمند نوگرایی ایران نیز به نمایش درمی‌آید.



**گالری تالت:** «دو نیمه یک نقطه کور» عنوان نمایشگاهی انفرادی است که تا ۱۷ مرداد در گالری تالت به نشانی کریمخان زند بین ایرانشهر و ماهشهر شماره ۱۴۸ برگزار می‌شود.



**گالری عصر:** نمایشگاه گروهی «راه می‌رویم، حرف می‌زنیم» تا ۲۰ مرداد در گالری عصر واقع در میرزای شیرازی شمالی، خیابان دلاویز، پلاک ۱۸ برای علاقه‌مندان برپاست.



**گالری با:** نمایشگاه آثار نقاشی بابک ملکی تا ۱۳ مرداد در گالری با به آدرس بلوار ارتش غرب بعد از محلاتی خیابان بهاران بن بست نسترن پلاک ۱ ساختمان مدرن پلازا، واحد ۶۰۳ برگزار می‌شود. در بیانیه این نمایشگاه نقاشی آمده: نقاشی من از نادانسته‌هایم است. از ناخودآگاه بدون هیچ فکر و اندیشه قبلی و کاملاً آزاد شروع به کار می‌کنم. در آغاز رنگ‌ها و فرم‌ها کاملاً پدیده و اتفاقی شکل می‌گیرند و در حین کار جز به کمپوزسیون (تا اندازه‌ای که می‌دانم و می‌توانم) نمی‌اندیشم.

**گالری سو (طبقه دو):** «کسی می‌خواند و به آرامی می‌رقصید» عنوان نمایشگاه انفرادی الهه رضانی است که تا ۲۰ مرداد در گالری سو (طبقه دو) خیابان ویلا، خیابان سمیه، خیابان پورموسی، شماره ۳۰ برقرار است.

**گالری اعتماد ۱:** نمایشگاه «نقاشی‌های شهریور تا دی ۱۴۰۱» تا ۳۱ مرداد ماه در گالری اعتماد ۱ به نشانی میدان هفت تیر، مفتح جنوبی، بن بست شیرودی پلاک ۲۵ به نمایش درمی‌آید.

**گالری +۲:** در ادامه نمایشگاه انفرادی محمد پیریایی با عنوان «پشت دریاها» در گالری +۲ واقع در خیابان فرشته، خیابان بیدار، پلاک ۸، طبقه ۲۰ تا مرداد برای علاقه‌مندان برپاست.



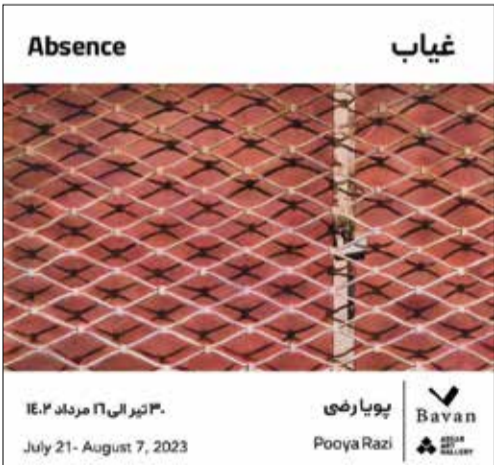
**گالری امکان:** نمایشگاه انفرادی نازگل انصاری‌نیا با عنوان «آب‌ها فرو می‌نشینند، موج‌ها برمی‌خیزند» تا ۱۳ مرداد در گالری امکان واقع در خیابان مطهری، خیابان فجر (جم)، خیابان غفاری، پلاک ۵۱، طبقه اول برقرار است. در بیانیه این نمایشگاه آمده:

نگاه به تهران از بالا، پدیده‌ای عجیب را فاش می‌کند. استخرهای خالی در نواحی اعیان‌نشین شهر، همچون حباب‌های هوا یا جراحی‌های کوچک و عمیق به چشم می‌خورند. در شهری با فضای محدود و چگالی بالا، در کمال تعجب، این استخرها، به ندرت تسطیح، پر شده و یا استفاده می‌شوند. در عوض، به نظر می‌رسد به عنوان جایگاهی برای حفظ خاطرات، در انتظار آینده‌ای غایب باقی می‌مانند که ممکن است هرگز فرا نرسد.

«نازگل انصاری‌نیا» این هنرمند حوزه هنرهای تجسمی در آثار خود، با تیزبینی به محیط ساخته‌شده تهران، تأثیرات توسعه بی‌حدوحصر و تفکیک فضای عمومی و خصوصی می‌پردازد. برای او آنچه که از این پرسه بجای می‌ماند به همان اندازه مهم است که آنچه ناپدید و ویران می‌شود. در مجموعه آثار مرتبط در حال نمایش، هنرمند بر منطقه شمالی تهران، جردن، تمرکز کرده و از نقشه شهرداری به عنوان نقطه شروع کار خود استفاده می‌کند. این منطقه به مساحت ۳ کیلومتر مربع، دارای بیش از ۱۱۰۰ استخر است که مساحتی حدود ۵۰۰۰ مترمربع را به خود اختصاص داده‌اند و با عنوان «آب‌های خصوصی» نام‌گذاری شده‌اند. او این استخرهای خالی را که تقریباً همیشه آبی رنگ شده‌اند، به عنوان فضاهایی میانجی می‌بیند که تمایل جمعی به نگهداری آب را بازنمایی می‌کنند. انصاری‌نیا نیز از این میل جمعی بهره برده و محله‌ای را که استخرها در آن دوباره پر شده‌اند، تصور می‌کند.

در بخشی دیگر از این بیانیه آمده است: این اثر رنگی در جدیدترین سری مجسمه‌های بزرگ و طراحی‌های همراه آن از مجموعه «آب‌ها فرو می‌نشینند، موج‌ها برمی‌خیزند» (۱۴۰۱) بسط پیدا می‌کند. این مجموعه، تعداد بیشتری از حفره‌های آبی محله جردن را به صورت دریاچه‌های مرکب و لانه‌زنبوری نامنظم گردهم می‌آورد. مانند استخرهای تهران و شاید کل کشور، این دریاچه‌ها در مرز شکننده میان تر و خشک قرار دارند. در طول چند سال گذشته، به دلیل خشکسالی، آب از یک عنصر خیال‌انگیز حامل خاطرات به یکی از بحران‌های محیط زیستی تغییر شکل داده است که به مشکلات اقتصادی فراوانی منجر می‌شود. این آثار جدید از لحاظ شکل و پالت رنگی، بطور ویژه یادآور دریاچه ارومیه در شمال شرق ایران هستند که پیش از احیای اخیرش، به یک‌دهم اندازه خود کاهش یافته بود.

**گالری اثر:** نمایشگاه «غیاب» پویا رازی تا ۱۶ مرداد در گالری اثر به نشانی ایرانشهر، کوی برفروشان، پلاک ۱۶ برای علاقه‌مندان به نمایش درمی‌آید.



**گالری ایکس هما:** نمایشگاه «منتخب نسل نو ۱۳» با آثار ۴۴ هنرمند حوزه هنرهای تجسمی تا ۱۷ مرداد در گالری ایکس هما به نشانی خیابان کریمخان زند، خیابان سنایی، کوچه سیزدهم، پلاک ۵ برپاست.

در بیانیه این نمایشگاه گروهی پر و پیمان حرف‌هایی جالب عنوان شده که در ادامه می‌آید:

منتخب نسل نو سیزدهم در حالی به نمایش نهایی رسیده که دوران جدیدی در الگوریتم تصویری در حال تکوین است، هنرمندان جوان با تأثیر مستقیم از رسانه‌های جمعی و موتورهای جست‌وجوی اینترنتی، داده‌های گسترده‌ای را در اختیار دارند و از همین منظر قطع ارتباطی عاطفی با نسل قبل را تجربه می‌کنند؛ این در حالی ست که مسائل پیچیده‌ای مثل هویت بومی در عصر جهانی دیگر از اعتبار برخوردار نیستند و در عین حال معیارهایی مثل سبک جای خود را به ژانر و ضدژانرها داده‌اند.



## هائیه شجاعی زند

نویسنده

از آن روزی که شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌ها هم دوش روزه‌های حسینی پای کار آمدند، حساسیت‌ها نسبت به محتوای ترویجی این رسانه‌ها افزایش یافت. نظارتی که بعد از پخش فصل چهارم برنامه «مهلا» ابعاد تازه‌ای گرفته است. این برنامه که با محوریت ایام محرم روی پلتفرم روبیکا به نمایش درآمده، در موجی از حواشی مثبت و منفی این روزها بسیار خبر ساز شده است.

امسال هم همچون سال‌های پیش شبکه‌های اجتماعی آستین بالا زدند و بر عزای حسین مجلس به پا کردند. مهلا نام یکی از همین برنامه‌هاست که در چهارمین فصل خود در بستر روبیکا با اجرای مداح سرشناس کشورمان محمد حسین پویانفر هر شب با یک ویژه برنامه در فضای مجازی میهمان مخاطبانش بود و کم حاشیه نداشت. حواشی که گاهی تبلیغات رسانه‌ای ایجاب می‌کند که کاربران سرگردان فضای مجازی را به سمت خودش بکشاند. اما گاه مضمون صحبت‌های میهمانان برنامه‌های می‌شود برای اظهار نظرهایی که تا ایجاد سوءتفاهم و برداشت‌های ناصواب پیش می‌رفت.

مهلا مخاطب داشت و لیست عوامل تولید و میهمانان برنامه نشان می‌دهد کم‌هزینه هم نبوده است. آنجایی که بعد از برنامه، نزدیکان مهران غفوریان بند را آب می‌دهند که برای حضورش یک میلیارد تومان هدیه گرفته و خودش هم منکر نمی‌شود. اما غفوریان تنها سلبریتی این برنامه نبود. در میان میهمانان، وزیر و خواننده و شخصیت‌های مطرح دیگری هم بودند که هر کدام حواشی خود را داشتند و به نوعی هر برنامه بی‌دردسر به سرانجام نرسید. حواشی که بازار پخش شبکه نمایش‌های خانگی برای فروش بیشتر همواره از آن استقبال کرده است. اما حواشی این روزهای برنامه مهلا که از سوی میهمانانش شعله کشیده است گاه عبور از خط قرمزهایی است که یک روی آن صحبت‌های کتابه آمیزی است که ریشه‌ها را مورد هدف قرار داده است.

از عوامل تولید برنامه اسامی نام آشنایی را می‌توان دید که نام احسان علیخانی را تداعی می‌کنند. اسامی‌ای که روزگاری در برنامه عصر جدید در کنار او کار یاد گرفته‌اند و امروز سری در سراها درآورده‌اند. هر چند در خیرها دست به دست می‌شود که اگرچه نام احسان علیخانی در تیزر برنامه نیست اما از او به عنوان «مرد در سایه» این برنامه یاد می‌کنند. امیر حسین بزرگ زادگان و ایمان قیاسی از جمله این عوامل‌اند که مخاطب خود را شناخته‌اند و می‌دانند چگونه حسینی خود را بیارایند و در میان درد دل‌های مجری و میهمان، رویکرد برنامه خود را به سرانجام برسانند.

برنامه مهلا یک برنامه سلبریتی محور است اما این برنامه تنها به دعوت از سلبریتی‌ها اکتفا نکرده و برای جذب حداکثری مخاطبان خود چهارچوب گفت‌وگو را در قالب یک روایت داستانی چند پرده‌ای در پلتفرم‌های شبکه نمایش خانگی بازگذاری کرد. داستانی که در نقطه عطف‌های خود مخاطب را تا انتها پای برنامه نگه می‌دارد و میهمانی که در همان چهارچوب تنظیم شده در یک گفت‌وگوی حساس شده خواسته یا ناخواسته با رویکرد هدف‌گذاری شده برنامه خود را همسو و هم‌جهت نشان می‌دهد. شاید در میان برنامه‌های گفت‌وگو محور این اتفاق خوبی باشد؛ جدا از اینکه رویکرد برنامه چیست. اگر این برنامه توانسته پیام خود را از زبان سلبریتی‌های اسم و رسم دار به مخاطبان خود بگوید رسانتش را انجام داده اما موفقیت مهلا به همین جا ختم نمی‌شود. علاوه بر این برنامه مهلا نقطه عطف‌های هر قسمت را به ترندهای پر مخاطب فضای مجازی تبدیل می‌کند تا بر سیل مخاطبانش بیفزاید یعنی از ظرفیت‌های رسانه‌ای در جهت جذب مخاطب بهره می‌برد. بر اساس آمار و ارقام سال پیش، تعداد مخاطب این برنامه به مرز ۳۳ میلیون نفر رسید و احتمالاً این آمار و ارقام در محرم امسال بسیار بیشتر است.

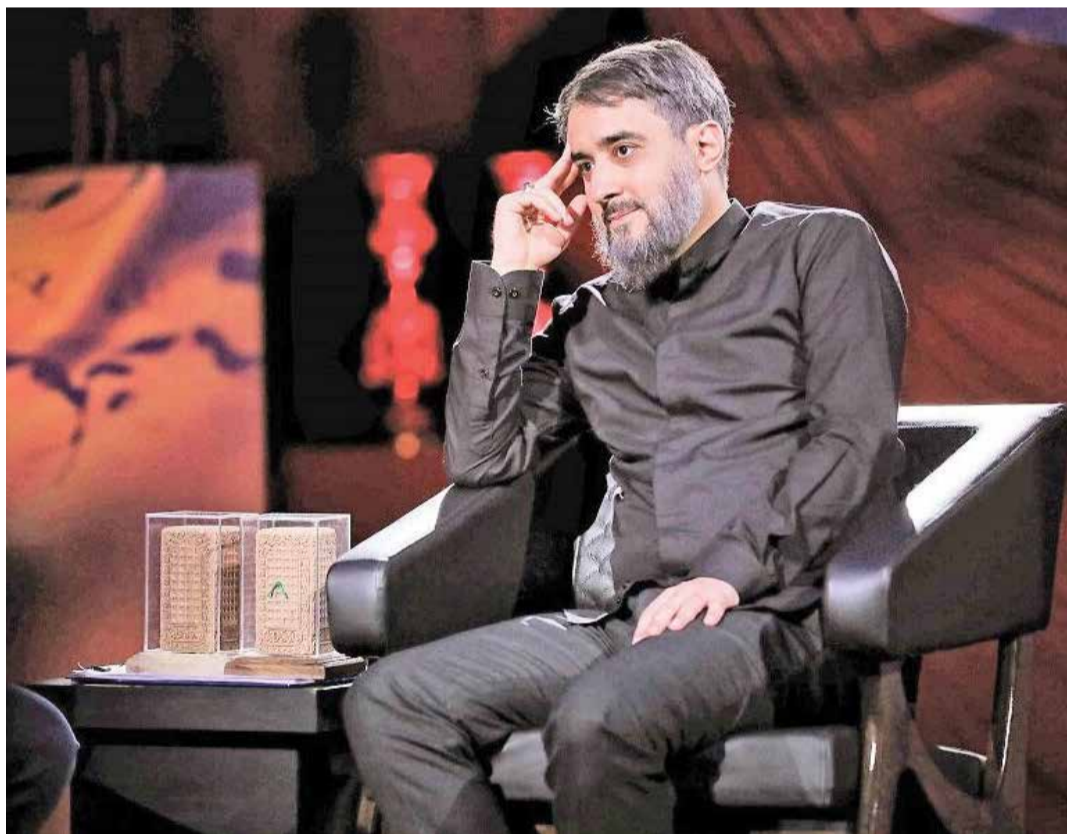
برنامه سلبریتی محور مهلا در زیر خیمه امام حسین علیه السلام بساط نمایشی پر مخاطب را به راه انداخته است. اما باید مواظب بود و احتیاط کرد چرا که هر زمان پای دلار و دینار به وسط آمد جبهه حق جا ماند. برای فاصله‌گذاری با همین لغزش‌ها است که وازه نوکری را با اسم امام حسین (ع) عجین کردند تا هر زمان که قصد کردید در زیر خیمه امام حسین (ع) علم به با کنیید قید تعلقات این دنیایی را بزنید که مبدا پایبج نوکریتان شود.

## پرتگاه برنامه مهلا کجا بود؟

مرور حوادث اخیر نشان می‌دهد که در میان اختلاف‌نظرها و اعتراضات جدایی از کسانی که در صف اول فتنه‌گری‌ها هستند امام حسین (ع) نقطه اتحاد ملت، بلکه نقطه اتحاد تمام مسلمانان و حتی غیرمسلمانان آزاد است. بنابراین خیمه حسین (ع) تنها



# سیاه پوشی حاشیه‌دار «مهلا»



یک خیمه واحد است که همه زیر آن سینه می‌زنند. برداشت‌های سلیقه‌ای از خیمه امام حسین (ع) می‌تواند سوءتفاهم‌های آشکاری را ایجاد کند، سوءتفاهم‌هایی که برنامه مهلا از آن کم نداشت. که اگر به عوامل برنامه این انحرافات را متذکر شویم حتماً با این جمله تکراری جذب حداکثری برای خطایشان بهانه‌تراشی می‌کنند.

بخشی از حواشی این برنامه مانند اظهارنظرهایی مانند مرزبندی محرم و امام حسین (ع) با جمهوری اسلامی، اشاره به بی‌حجابی‌های امروز و این نتیجه‌گیری که بی‌حجاب به خدا اعتقاد دارد اما جمهوری اسلامی را قبول ندارد و یا آنجایی که یک خواننده و مدرس آواز در چهارمین برنامه مهلا در بخشی از صحبت‌هایش گفته بود: «کسی که از امام حسین (ع) دم می‌زند نباید به ناموس مردم سیلی بزند.» نشان می‌دهد که هم مسیری این حواشی، اتفاقی نبوده است.

## اشتباه رویکردی در برنامه مهلا

اشتباه رویکردی در برنامه مهلا از آنجا شروع می‌شود که به تصور جذب حداکثری تلاش کنیم تا میان عاشورای حسینی و جمهوری اسلامی فاصله و مرزبندی قرار دهیم تا مبدا که کسی به این بهانه از حقیقت وجودی امام حسین (ع) جا بماند. این درحالی است که حکومت اسلامی خط و ربطش را در همان مسیری پی‌ریزی کرده که امام حسین (ع) برای حکومت حقا در نظر داشت. فاصله‌گذاری از حکومت اسلامی یعنی تعریف دو اسلام یکی آنکه قرآن و روایات و ائمه (ع) برایمان تعریف کرده‌اند و گروه دیگری که قرار است زیر خیمه امام حسین (ع) تعریف خودشان را از دین جدای از حکومت ارائه کنند. شاید تنها بهانه برای این جداسازی از منظر کسانی که خود را خیرخواه و مصلحت‌اندیش می‌دانند وجود انحرافات فردی در جمهوری اسلامی است که در عالم واقع نمی‌توان امر جزئی را به کل منسوب کرد. یعنی در مسیر تحقق حکومت اسلامی، اشتباه و خطای فردی بر عهده حکومت اسلامی نیست بلکه برگردن کسانی است که میان منفعت مادی خود و جبهه حق، گزینه اول را انتخاب کردند و از حق روحی برگرداندند و اینها نه در ابعاد حاکمیتی بلکه در ابعاد فردی قابل طرح است. مانند آنکه بگوییم چون در حکومت امام حسین (ع) کسی ناخلف شد پس حکومتش از اساس مشروعیت اسلامی بودن ندارد.

برنامه‌های گفت‌وگو محور بخصوص اگر با محوریت محرم ساخته شود حریم‌ها و چهارچوب بندی‌های خاص خود را می‌طلبد که با نظارت کارشناسان فرهنگی و مذهبی قابل تحقق است. قدر مسلم یک سلبریتی بواسطه شهرتش نمی‌تواند مرجعیت صحبت راجع به دین در قامت امر اجتماعی داشته باشد و از این منظر برای دین‌داری مردم نسخه بیچد. بخصوص اینکه سلبریتی‌ها و از همه مهم‌تر هنرمندان روح لطیفی دارند که با کوچکترین چرقای احساسات‌شان شعله می‌کشد و با دگرگونی فضای احساسی‌شان تغییر مسیر می‌دهند. نمونه کامل و واضح این ادعا صحبت‌های افسانه بایگان است و واگویی‌هایش از دین و تغییر مسیری که هنوز برای بسیاری تعجب‌آور است اما جای تعجب آنجاست که بخواهیم از این دروازه برای مردم نسخه دین‌داری بیچیم.

هرچند برنامه مهلا تمام و کمال بر پایه اشکال نیست و می‌توان جنبه‌های مثبتی را از دل همین گفت‌وگوها بیرون کشید اما آدرس‌های غلطی که در لابه‌لای صحبت‌های بحق میهمانان بیان می‌شود سبب شده تا از یک تریبون سازنده به ضد خود تبدیل شود. برنامه مهلا یک برنامه با شعائر مذهبی است که با نام امام حسین (ع) خود را عجین می‌داند اما خواسته و ناخواسته نتوانسته هم مسیر با آن حرکت کند. کج‌راهی‌های که بسیاری از کارشناسان مذهبی رویه‌ای که مهلا پیش گرفته را نپسندیدند و مرور فضای مجازی پر است از نقدهای طول و درازی که تلاش دارند به‌عنوان محلل، شک و شبهه‌های مهلا را رفع و رجوع کنند.

به طور کلی برنامه مناسبیتی گفت‌وگو محور که تا حد زیادی بر ابزار ارادت و توسل به آن حضرت محدود می‌شود و تنها در بطن خود، جنبه عاطفی و احساسی دارد از بیان موضوعات با اهمیتی که نسل جوان تشنه آگاهی از آنها است، وقت چندانی نمی‌ماند و البته که در قالب یک برنامه سلبریتی محور امکان طرحش وجود ندارد و اگر هدف از ساخت برنامه‌ای پرداختن به نهضت عاشورا از منظر جامعه شناختی است یعنی بررسی و تحلیل وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه‌ای است که نهضت اباعبدالله (ع) در آن به وقوع پیوست، آن گاه انتخاب میهمان از این نظر که چه قدر وجاهت نظردهی دارد اهمیت می‌یابد.



اگرچه نام احسان علیخانی در تیزر برنامه نیست اما از او به عنوان «مرد در سایه» این برنامه یاد می‌کنند. امیر حسین بزرگ زادگان و ایمان قیاسی از جمله این عوامل‌اند که مخاطب خود را شناخته‌اند و می‌دانند چگونه حسینی خود را بیارایند و در میان درد دل‌های مجری و میهمان، رویکرد برنامه خود را به سرانجام برسانند

# فرا تهران



## «ابوفاضل (ع)» هنوز دارد برادری می‌کند



او را «ابوفاضل» می‌خوانند. «حامی الدخیل» می‌دانند و با خصلت «ابوالکلفات» می‌شناسندش. «عباس(ع)» در بین مردم اینجا نامی است که می‌تواند در تاریک‌ترین لحظه‌ها، روشنایی روز را برای جان‌های به لب رسیده به ارمغان بیاورد و مردم اینجا، او را به این گره‌گشایی‌ها، به این روشنایی‌ها می‌شناسند

کامله بوعدار  
خبرنگار

هنوز هفت صبح نشده است، اینجا عین دو و امروز هفتم محرم و «یوم‌العباس» است؛ خیابان‌ها سبزه‌پوش است. زن و مرد، کوچک و بزرگ، پیر و جوان همه رخت سیاه بر تن کرده و در خیابان اصلی عین دو مهیای مراسم «یوم‌النعش» می‌شوند؛ روزی که پیکر نمادین حضرت ابوالفضل(ع) را تشییع می‌کنند. جمعیت مردان عزادار از خیابان نه عین دو (از حسینیه حضرت ابوالفضل‌العباس علیه‌السلام) وارد خیابان اصلی می‌شوند. قرار است تا خیابان یک، در دسته‌های عزاداری حرکت کنند. زنان در دو طرف خیابان، سینه‌زنان ایستاده‌اند.

مردم این دیار، بیوندی دیرینه با صاحب این روز دارند و از دیرباز گره‌های کور زندگیشان را به دستان او سپرده‌اند. قرن‌ها است دلشان به نامش که روی علم‌ها و ریاضت‌ها لرزه بر اندام حرامی‌ها انداخته، قرص است. او را «ابوفاضل» می‌خوانند. «حامی‌الدخیل» می‌دانند و با

خصلت «ابوالکلفات» می‌شناسندش. «عباس(ع)» در بین مردم اینجا، نامی است که در بن‌بست‌ها می‌توان به او دخیل جست. در تاریک‌ترین لحظه‌ها، نام «ابوفاضل» توانسته روشنایی روز را برای جان‌های به لب رسیده ارمغان بیاورد و مردم اینجا، او را به این گره‌گشایی‌ها، به این روشنایی‌ها می‌شناسند. مردان عزادار در دسته‌های متعدد دور هم جمع شده و از زبان حال حضرت زینب(س) سر می‌دهند: «یا عباس وین الوعد ویای، مو انت انکول الظعن یحمای، موهاذ الوعد چان، جیتونه من الاوطان، ما تکعد تشوف شصار بیه» (برادرم، عباس وعده‌ای که به من دادی چه شد؟ مگر نگفتی کاروان در حمایت من هستند؟ قرار ما این نبود. ما را از وطن مان به اینجا آوردید. بیدار نمی‌شوی ببینی به چه حال و روزی افتاده‌ام؟) زن‌ها گریه می‌کنند.

مردها دوباره می‌خوانند: «ما عدهم حمیه القوم و شریب توزیع می‌کنند. برخی اسپند دود می‌کنند و زناتی هم هستند که محلول معطر آب و گل میخک در دست گرفته و بر سر و دست زنان عزادار می‌پاشند. مردان و زنان زیادی، پای برهنه به مراسم آمده‌اند؛ این یک رسم قدیمی در بین طوایف عرب است که در عزای عزیز خود، پای برهنه به مراسم می‌آیند. خانم مسنی که سر خود را گل مالیده و با پای برهنه عزاداران را

هنوز هفت صبح نشده است، اینجا عین دو و امروز هفتم محرم و «یوم‌العباس» است؛ خیابان‌ها سبزه‌پوش است. زن و مرد، کوچک و بزرگ، پیر و جوان همه رخت سیاه بر تن کرده و در خیابان اصلی عین دو مهیای مراسم «یوم‌النعش» می‌شوند؛ روزی که پیکر نمادین حضرت ابوالفضل(ع) را تشییع می‌کنند. جمعیت مردان عزادار از خیابان نه عین دو (از حسینیه حضرت ابوالفضل‌العباس علیه‌السلام) وارد خیابان اصلی می‌شوند. قرار است تا خیابان یک، در دسته‌های عزاداری حرکت کنند. زنان در دو طرف خیابان، سینه‌زنان ایستاده‌اند. مردم این دیار، بیوندی دیرینه با صاحب این روز دارند و از دیرباز گره‌های کور زندگیشان را به دستان او سپرده‌اند. قرن‌ها است دلشان به نامش که روی علم‌ها و ریاضت‌ها لرزه بر اندام حرامی‌ها انداخته، قرص است. او را «ابوفاضل» می‌خوانند. «حامی‌الدخیل» می‌دانند و با

همراهی می‌کند، می‌گوید: هر سال در یوم‌العباس(ع) شرکت می‌کنم و به‌خاطر غم بزرگ این روز، پای برهنه هستم. هر ساله در این روز غذا پخت می‌کنیم. بعد درحالی که بر سر می‌زنند، شعر می‌خواند و گریه می‌کند: «یخویه حسین هلیونه ینهبون، یخویه حسین و اخیمنه یجرجون، یخویه حسین باطفاله یسلبون، چالیش

یا اهلنا ما تکعدون» (برادرم حسین، سپاه دشمن برای غارت به سمت ما هجوم آورده است. خیمه‌های ما را آتش می‌زنند و کودکان را می‌زدند. چرا بر نمی‌خیزید؟) در مراسم اربعین هم همه ساله در پیاده روی شرکت می‌کنم. هیچ‌وقت در پیاده‌روی اربعین، کفش به پا نمی‌کنم. یکی دیگر از زنان که از کوچ‌های فرعی خود را به مراسم می‌رساند، می‌گوید: همه این مردم، محب اهل بیت(ع) هستند. طوایف مختلف در این مراسم شرکت می‌کنند. «والنعم ابوفاضل» هر سال برای حضرت ابوالفضل(ع) غذای نذری می‌پزیم. در تمام ده روز محرم در عین دو، مراسم بزرگی برگزار می‌کنیم و در روز عاشورا تعزیه‌خوانی اجرا می‌شود. مراسم یوم‌العباس تا عصر ادامه دارد.



کشد. حضرت ابوالفضل(ع) خیلی تلاش کرد برای کودکان آب بیاورد اما او را شهید کردند. یکی دیگر از عزاداران می‌گوید: ما اهالی عین دو، کوچک و بزرگ، پیرو اهل بیت(ع) هستیم و این پیروی از روی محبت و دوستی است. از وقتی هلال محرم را رؤیت می‌کنیم تا اربعین حضرت اباعبدالله(ع)، این طور در خدمت اهل بیت(ع) هستیم. حسینیه‌های ما مشغول پخت نذری هستند و هر کس به اندازه توان خود به زائران خدمت می‌کند. ما هم یک حسینیه داریم که در خدمت زائران است. از حضرت اباعبدالله(ع) می‌خواهیم جوانان ما را به راه درست و مسیر امیرالمؤمنین(ع) هدایت کند.

عزادار دیگری گفت: یوم‌العباس، روز بزرگی است. حضرت ابوالفضل(ع) نور چشم ما است. در این روز حضرت، دو دست خود را به اباعبدالله(ع) تقدیم کرد. آیا برادری مثل برادری حضرت عباس(ع) داریم؟ روز شهادت

حضرت ابوالفضل(ع) روز بزرگی است. بعد سرش را بلند می‌کند و می‌گوید ابوالفضل(ع)، «حامی‌الدخیل» (حمایتگر کسانی که به او پناه می‌جویند).

جمعیت عزادار، نه خیابان را سینه‌زنان آمده و از زبان حضرت زینب(س)، تنهایی خود را با قوم ظالم و ستمگر با حضرت عباس(ع) درد دل می‌کند. پیکر نمادین روی دوش مردان حرکت می‌کند. در طول مراسم، خیلی‌ها به آن تبرک می‌جویند. در پایان مسیر، برخی از مردان که نذر دارند، گوسفندها را برای قربانی به زمین می‌زنند. جمعیت می‌ایستند و سینه‌زنی می‌کنند. نعش یا پیکر نمادین به حسینیه‌ای در خیابان سوم منتقل می‌شود. زنان چنانکه عزیز خود را از دست داده گرداگرد آن می‌نشینند و نوحه سر می‌دهند. از زبان حال حضرت زینب(س) می‌خوانند و گریه می‌کنند. خانه‌های مردم عین دو در یوم‌العباس، فاتحه دارد.

احمد شماخه از فعالان فرهنگی عین دو که کفن‌پوش در مراسم یوم‌العباس شرکت کرده می‌گوید: همه طوایف امروز زیر یک بیرق هستند و آن بیرق آقا حضرت ابوالفضل(ع) است. قدمت این مراسم به سال ۶۴ برمی‌گردد. حرکت عزاداران از صبح امروز از خیابان ۹ عین دو (حسینیه حضرت ابوالفضل(ع)) شروع می‌شود. در طول مسیر، بسیاری از مردم نذر خود را اعم از غذا، آب، شربت، میوه و... بین عزاداران توزیع می‌کنند.

در این روز، حسینیه فاطمه زهرا(س)، ۱۲ گوسفند برای یوم‌العباس سر می‌برد و دو هزار و پانصد پرس غذا بین عزاداران توزیع می‌کند. بانوان عین دو غذا را طبخ می‌کنند.

حرکت عزاداران تا خیابان اول عین دو ادامه پیدا می‌کند. عزاداران در طول این مسیر، شعر خاصی را که مرثیه حضرت ابوالفضل(ع) است همراه با سینه‌زنی زمزمه می‌کنند. وقتی برمی‌گردند همراه با یزله، شعار «عباس اشرب مای اعیونی» (یحسین مریح یضلوعی) سر می‌دهند و وارد حسینیه‌ای که حرکت از آنجا شروع شد، می‌شوند. مجدد در آنجا مستقر می‌شویم و سینه‌زنی می‌کنیم.

در پایان مراسم، همه مردم در خانه خود را به روی اهالی و سایرین باز می‌کنند و غذای نذری می‌دهند و از آنها پذیرایی می‌کنند. مراسم یوم‌العباس در عین دو، صبح و عصر برگزار می‌شود. مراسم عصر راهیات ساقی عطاشا کربلا برگزار می‌کند. قدمت این مراسم به سال ۱۳۲۸ برمی‌گردد.

جمعیت عزادار راهی را که آمده باز می‌گردد و همچنان زیر آفتاب داغ پیش از ظهر در عزای «ابوفاضل» علمدار کربلا بر سینه می‌زنند. مویه‌های سوزناک زنان گرداگرد نعش، پاهای برهنه، پیشانی‌های گل‌مالی شده و بغض‌هایی که با نام «ابوفاضل» چنگ بر گلو می‌کند. مردم می‌زنند، همه شهادت می‌دهند نام «ابوفاضل» هنوز هیبت روزهای عاشورا را دارد. «ابوفاضل» هنوز دارد برادری می‌کند، هنوز از عهده گره‌های سخت، فقط او بر می‌آید و مردم اینجا «حامی‌الدخیل» خود را خوب می‌شناسند.